



## پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده

سالنامه تخصصی

سال ششم / شماره دهم / سال ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی سنة النبوة العالمیه

محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

انجمن علمی - پژوهشی مطالعات زنان

**مدیر مسئول:** سید محمود کاویانی

**سرمدیر:** مرضیه سادات سجادی

**اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)**

عالیه آذر طوسی، رقیه سادات بهادر، زهرا تشکری،

ساره جبری، اسما جمعه، راضیه حسنی، نور الزهرا الخنسا

**مدیر داخلی:** سارا شفیعی

**کارشناس نشریه:** زکیه بحرینی

**ویراستار:** زهرا شفیعی

**صفحه بندی:** ساجده تدریس حسنی

نشریه تخصصی پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده در تاریخ ۹۷/۱۱/۲۹ به شماره ثبت ۸۴۷۱۲

مجوز انتشار از وزارت ارشاد اسلامی دریافت کرد.

نشانی دفتر مجله: پردیسان، ابتدای بلوار امامت، بعد از دانشگاه پیام نور، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

کدپستی: ۳۷۱۶۶-۶۴۴۶۲

امور تحریریه: ۰۲۵-۳۷۱۸۳۳۰۰



## شیوه نامه

نویسندگان ارجمند جهت ارسال مقاله به موارد ذیل توجه فرمایید:

۱. مقاله دست‌آورد علمی نگارنده بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه دوفصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت.
۳. کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.
۴. دفتر نشریه در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
۵. نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.
۶. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم Bbadr شماره ۱۴ در محیط word حروف چینی شده باشد.
۷. چکیده لاتین مقالات حتما ارسال شود.
۸. کلیه مقالات فقط از طریق سامانه ارسال شود.
۹. مشخصات نویسندگان مقالات به طور کامل (به صورت زیر) در مقاله درج شود:
۱۰. نام و نام خانوادگی، سطح و رشته تحصیلی، رتبه علمی (استاد/ دانشیار/ استادیار/ مربی)، وابستگی سازمانی، موبایل، ایمیل شخصی.
۱۱. مشخصات کلیه نویسندگان به طور کامل در بخش نویسندگان در پورتال درج شود.
۱۲. فایل مقالات (هم فایل word و هم فایل pdf و هم فایل ضمائیم) بدون نام نویسنده یا نویسندگان باشد.
۱۳. نویسنده مسئول مقاله مشخص شود.
۱۴. استناددهی درون متنی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد.
۱۵. بررسی اولیه مقاله حداقل ۱۴ روز کاری و حداکثر یک ماه کاری طول خواهد کشید.
۱۶. مقالات با موضوعات جدید و مبتلابه در اولویت بررسی و داوری قرار دارند.
۱۷. مقالاتی به داوری ارسال خواهد شد که در بررسی اولیه امتیاز لازم جهت ارسال به داوری را کسب نمایند.
۱۸. موارد مورد توجه در بررسی اولیه: هماهنگ بودن موضوع مقاله با رویکرد و هدف نشریه، روش پژوهش، کیفیت نظری مقاله، نو و بدیع بودن موضوع.

## رفرنس دهی به شیوه APA

### الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) در انتهای متن بیان می‌شود؛  
۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن (پاراگراف یا خط) ارجاع آورده نمی‌شود.

۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع، داخل پرانتز انتهای متن (انتهای پاراگراف یا خط) بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)  
تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره جلد/ شماره صفحه)

تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه)  
تبصره: اگر کتاب دارای چند نویسنده باشد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، نام خانوادگی نویسنده دوم،، نام خانوادگی نویسنده سوم، سال انتشار).

تبصره: اگر کتاب بیش از سه نویسنده دارد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، و دیگران، سال انتشار)

### ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا... داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می‌شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار).  
تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره جلد/شماره صفحه)

تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می‌شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره صفحه)

### ج) ارجاع به منابع اینترنتی

نام خانوادگی نویسنده، سال درج متن در سایت یا تاریخ مشاهده متن از سایت

### د) ارجاع به پایان نامه و رساله

(نام خانوادگی نویسنده، سال نگارش یا انتشار)



## تنظیم فهرست منابع

### الف) کتاب:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب. نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی. اگر نویسنده کتاب شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پیرانتز ذکر می‌شود.
- نام نویسنده (شرکتی) (سال انتشار). نام کتاب (نوبت چاپ). نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

### ب) مقاله:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله. مقاله درج شده در مجموعه مقالات:
- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجموعه مقالات، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله.

### ج) پایان نامه یا رساله:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان رساله. رشته و رتبه. دانشگاه.

### د) کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت

- عنوان کتاب (نوبت چاپ) (سال انتشار). محل انتشار: انتشاراتی.

### و) منابع اینترنتی:

- عنوان نویسنده، عنوان مقاله، سال درج مقاله در سایت، آدرس سایت، تاریخ مشاهده سایت.



## فهرست مقالات

- بازنمایی سبک ازدواج در خانواده‌های مذهبی (مطالعه موردی: سریال فاصله‌ها)/ فاطمه بهشتی ، حدیثه اسفندیار ..... ۹
- موانع ازدواج جوانان و راهکارهای برون‌رفت از آن/ هادیه زکی، سمیه اسلامی ..... ۳۱
- واکاوی حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در آموزه‌های اسلامی/ مبینا بتول حمودی، مرضیه سادات سجادی ..... ۴۷
- آسیب‌های تربیتی ازدواج با محارم با تأکید بر آیات قرآن/ خدیجه ضیایی، طاهره ماهرورزاده ..... ۶۷
- بررسی رویکرد رحمانی به زن در قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان / زلیخا زاهد، نرجس رودگر ..... ۸۹
- نقش مادر در تربیت فرزند خدا باور با نگاهی به داستان همسر عمران/ ام البنین حسنی، وجیهه شیرکوند مقدم ..... ۱۰۹





## بازنمایی سبک ازدواج در خانواده‌های مذهبی (مطالعه موردی):

### سریال فاصله‌ها)

فاطمه بهشتی<sup>۱</sup>، حدیثه اسفندیار<sup>۲</sup>

#### چکیده

تلویزیون یکی از مهمترین ابزارهای جامعه‌پذیری در جوامع امروزی است و سریال‌های تلویزیونی یکی از بهترین ابزارها در انتقال و تغییر ارزش‌ها و باورهای زندگی اجتماعی هستند. مسئله اصلی تحقیق حاضر نحوه بازنمایی سبک ازدواج در یکی از سریال‌های پر بیننده تلویزیون در خانواده‌های مذهبی در دهه ۸۰ است. بر همین اساس سریال فاصله‌ها با استفاده از تحلیل نشانه‌شناختی بررسی می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هرچند ازدواج واقعیتی تاریخی در ابعاد جهانی است و انواع مختلفی از سبک‌ها را شامل می‌شود، اما شیوه نمایش تلویزیون از روش‌های همسرگزینی، همیشه صورتی محدود و هدفمند داشته است. در این سریال سه نوع بازنمایی ازدواج وجود دارد: ازدواج سنتی، ازدواج نیمه‌سنتی و ازدواج مدرن که هرکدام از این شیوه‌ها با دلالت‌های رسانه‌ای مختلف رمزگذاری شده‌اند. در این سریال تلاش می‌شود که سبک ازدواج نیمه‌سنتی، الگوی مطلوب در سینما بوده و ترویج شود.

**واژگان کلیدی:** بازنمایی، ازدواج، نشانه‌شناسی، خانواده‌های مذهبی.

---

۱. دانش‌پژوه کارشناسی تبلیغ و ارتباطات از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email:h90546@gmail.com

۲. مربی گروه تبلیغ و ارتباطات، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Hs\_esfandiyar@yahoo.com ORCID ID:4196-0000-0002-6515

## ۱. مقدمه

رسانه‌ها نقش مهمی در تحولات اجتماعی دوران معاصر بازی می‌کنند. رسانه‌ها به دلیل کارکردهایی که دارند اثری عمیق نیز دارند. از نظر پژوهشگران علوم اجتماعی رسانه‌ها در ردیف عوامل اجتماعی کردن و شکل‌گیری شخصیت افراد جامعه هستند. رسانه‌های جمعی قادر به تقویت و یا تضعیف هنجارهای اجتماعی هستند. رسانه‌های جمعی در تغییر و تضعیف ارزش‌ها و شکل‌گیری باورهای منفی نیز کارکرد مؤثری دارند. (مربیجی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳) رسانه‌های جمعی کارکردی دوگانه دارند. برنامه‌های تلویزیونی همان‌طور که قادر هستند برخی از مسائل و مشکلات اجتماعی را برطرف کنند به همان شکل نیز می‌توانند بر این مشکلات بیفزایند و این امر به نقشی که این رسانه در جامعه برعهده می‌گیرد، بستگی دارد (صادقی فسایی، ۱۳۹۰، ص ۷۰). تلویزیون یکی از مهمترین عوامل جامعه‌پذیری در جوامع است. جامعه‌پذیری رسانه‌ای فرایند تلقین نهان است. ویژگی این نوع جامعه‌پذیری آن است که انسان را در حال یادگیری و پذیرش ارزش‌هایی خاص و فرارگرفتن در قفسی نامرئی از باورهای مشخص القا شده قرار می‌دهد. فرایند انتقال ارزشی در تلویزیون به اندازه‌ای پنهان است که تصور می‌شود انتخاب ارزش‌ها و باورها در انسان آزاد است، اما تلویزیون با قدرت بی‌بدیل رسانه‌ای خود همیشه در حال دستکاری واقعیت و جهت‌دهی به آن است و بسته به شکل واقعیتی که می‌سازد، می‌تواند در راستای منافع خاصی عمل کند، هنجارها و باورها را به چالش کشیده و الگوهای دیگری را جایگزین آنها کند؛ الگوهایی که در خدمت به ایدئولوژی‌های خاصی عمل می‌کنند (صادقی فسایی، ۱۳۹۰، ص ۷۰).

متون رسانه‌ای متونی برساختی هستند که برمبنای مکانیسم بازنمایی عمل می‌کنند. واقعیت در متون رسانه‌ای از قبل رمزگذاری شده است؛ رمزگذاری‌هایی که در فرایند فهم باعث رمزگشایی‌های گوناگونی می‌شوند. هدف مقاله حاضر پاسخ به این سؤال است که ازدواج درمیان خانواده‌های مذهبی در رسانه ملی چگونه مورد بازنمایی قرار می‌گیرد. برای پاسخ به این سؤال با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناختی از رمزگذاری‌های رسانه ملی در سریال تلویزیونی فاصله‌ها رمزگشایی می‌شود تا گونه‌های ازدواج و رمزگان‌های مختلف آن مشخص شود. هدف از تحلیل

نشانه‌شناختی، معلوم کردن لایه‌های پنهان از معانی رمزگذاری شده‌ای است که در ساختار متون تلویزیونی بازنمایی می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

علی جعفری در پژوهش «آسیب‌شناسی بازنمایی ازدواج در سینمای ایران» به مطالعه روند عمومی بازنمایی ازدواج در سینمای دوره اصلاحات و اصول‌گرایی و آسیب‌های آن می‌پردازد. وجه تمایز آن با مقاله حاضر در این است که این بازنمایی در حوزه سینما صورت گرفته است، ولی نگارندگان بر آن هستند که در حوزه تلویزیون این موضوع را بررسی کنند. سهیلا صادقی فسایی در مقاله «بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی» به تحلیل نشانه‌شناختی شیوه‌های بازنمایی ازدواج در سریال‌های پربیننده سیما در دو دهه ۷۰ و ۸۰ می‌پردازد. وجه تمایز مقاله مذکور با پژوهش حاضر، بازنمایی ازدواج در خانواده‌های مذهبی در یکی از سریال‌های پربیننده دهه ۸۰ است. رضا مهکام (۱۳۸۳) نیز در مقاله «تصویر ازدواج در رسانه ملی» تصویر ازدواج در ادوار مختلف انقلاب اسلامی ایران را تحلیل می‌کند. وجه تمایز آن با پژوهش حاضر این است که تصویر ازدواج در فیلم‌های تلویزیونی در این ادوار را به صورت کلی بررسی کرده است.

## ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از پژوهش‌های کیفی است که باروش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها در حوزه نظری از مطالعات کتابخانه‌ای و در حوزه عملیاتی از روش اسنادی استفاده شده است. برای تحلیل اطلاعات از تکنیک نشانه‌شناختی استفاده شده است. نشانه‌شناسی، غالب‌ترین الگوی روش‌شناختی مطالعات تصویری به معنای مطالعه تولید اجتماعی معنا براساس نظام‌های نشانه‌ای است. (اسولیوان و هارتلی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۰) در نشانه‌شناسی به محتوای آشکار پیام‌ها توجه زیادی نمی‌شود، بلکه از دل فرایند رمزگشایی، سطوح معنایی پنهان در دل متون بررسی می‌شود (deely, j, hartley, j, ۱۹۹۰، ص ۱۱). براساس روش تحلیل رمزگان جان فیسک، هدف از تحلیل نشانه‌شناختی، معلوم کردن لایه‌های معانی

رمزگذاری شده‌ای است که در ساختار متن وجود دارد (فیسک، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰). فرهنگ فیلم و تلویزیون، ساختاری سلسله‌مراتبی از رمزها در سه سطح ایدئولوژی، بازنمایی و واقعیت است. واقعه‌ای که قرار است به فیلم سینمایی تبدیل شود با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است؛ یعنی سطح واقعیت و برای اینکه از نظر فنی قابل پخش باشد از فیلتر رمزهای فنی می‌گذرد و به وسیله رمزگان ایدئولوژیک در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص ۵۳). تصویری که فیلم از جامعه و روابط اجتماعی ارائه می‌دهد پیشاپیش با رمزهای اجتماعی مانند لباس، ظاهر، محیط، رفتار، گفتار، حرکات سر و دست و... رمزهای فنی مانند فاصله و زاویه دوربین و رمزهای ایدئولوژیک مانند فردگرایی، پدرسالاری، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و... رمزگذاری شده است (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۴). جامعه آماری پژوهش حاضر سریال‌های پربیننده سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ بوده و از میان آنها به روش نمونه‌گیری هدفمند، سریال فاصله‌ها یعنی، سریالی پرمخاطب در زمان مذکور و در راستای موضوع و اهداف تحقیق برای نمونه آماری انتخاب شده و از نظر نشانه‌شناسی بررسی می‌شود.

#### ۴. پرسش‌های پژوهش

##### ۴-۱. سؤال اصلی

شیوه بازنمایی سبک ازدواج در خانواده‌های مذهبی در سریال فاصله‌ها چیست؟

##### ۴-۲. سؤال‌های فرعی

- سبک ازدواج چیست؛

- گونه‌های ارائه شده سبک ازدواج در سریال فاصله‌ها چیست؛

- در سریال فاصله‌ها برای بازنمایی سبک ازدواج از چه رمزگان فنی، اجتماعی و ایدئولوژی

استفاده شده است.

## ۵. مفهوم‌شناسی

### ۱-۵. بازنمایی

امروزه مفهوم بازنمایی در مطالعات رسانه جایگاه برجسته‌ای دارد. بازنمایی به این نکته اشاره دارد که پدیده‌ها فی‌نفسه معنایی ندارند، بلکه معنای پدیده‌ها محصول چگونگی بازنمایی آنهاست. (هال ۲۰۰۳، ص ۲) بازنمایی به صورت معناسازی از راه به‌کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم یا استفاده از یک چیز به جای چیزی دیگر با هدف انتقال معنا تعریف می‌شود. بازنمایی فرایند تولید و مبادله معنا بین اجزای یک فرهنگ با به‌کارگیری زبان، نشانه‌ها و تصاویر برای بازنمایی مطالب است (گتایی، ۱۳۹۲، ص ۷۱). باورپذیری (بازنمایی) با راستین بودن (واقعیت) متفاوت است. آگاهی محصول واقعیت نیست بلکه محصول بازنمایی از واقعیت است (وان لوین و جویت، ۲۰۰۲، ص ۱۷).

### ۲-۵. رهیافت‌های بازنمایی

استوارت هال از مطرح‌ترین چهره‌های مطالعات فرهنگی است. آثار وی درباره بازنمایی و اهمیت آن در فرهنگ رسانه محور امروزی این مفهوم را به یکی از بنیادی‌ترین مسائل حوزه مطالعات فرهنگی تبدیل کرده است. (هال، ۱۳۸۷، ص ۳۵۰) در حال حاضر سه رویکرد بازتابی، تعمدی و برساختی درباره چگونگی بازنمایی جهان وجود دارد که در تحقیق حاضر از رویکرد برساخت‌گرایی استفاده شده است (هال

۲۰۰۳، ص ۲۵). نگاه برساختی به بازنمایی مدعی است که معنا «در» و «به‌وسیله» زبان ساخته می‌شود. براساس این رهیافت، این جهان مادی نیست که حاوی و ناقل معنا باشد، بلکه این سیستم زبان است که برای ارائه مفاهیم استفاده می‌شود. کنشگران اجتماعی از نظام‌های مفهومی فرهنگ و زبان خود و سایر نظام‌های بازنمایی برای ساخت معنا استفاده می‌کنند تا بدین وسیله جهان را معنا دار کنند (هال، ۱۳۸۷، ص ۳۵۲). یکی از شاخه‌های مهم رویکرد

برساخت‌گرایی، نشانه‌شناسی است. پرسش اصلی در بررسی نشانه‌شناسانه این است که معناها چگونه ساخته می‌شوند و واقعیت چگونه بازنمایی می‌شود (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

تحلیل نشانه‌شناختی با معنای متون سروکار دارد و معنا محصول رمزگذاری و نتیجه روابط بین نشانه‌هاست. (جانسون و لارسن، ۲۰۰۲، ص ۱۳) نشانه‌شناسی به همه حوزه‌هایی که به‌گونه‌ای با ارتباطات و انتقال اطلاعات سروکار دارند، مربوط می‌شود. موضوع نشانه‌شناسی، بررسی شیوه‌های تولید نظام‌های معنا بخش است. نشانه‌شناسی مربوط به هر چیزی است که به جای دیگری می‌نشیند. باید به یاد داشت که نمی‌توان نشانه‌ها را به شیوه‌ای مجزا مطالعه کرد، بلکه مطالعه هر نشانه در نظام نشانه‌ای، ژانر یا رسانه و موضوع مورد نظر معنا دارد (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۵). در نشانه‌شناسی، رمزگان‌ها قواعد انتقال پیام‌هایی هستند که توسط نشانه‌ها حمل شده و با رمزگشایی قابل خوانش می‌شوند. رمزگان‌ها مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که میان ارسال‌کننده پیام و دریافت‌کننده آن پیوند برقرار کرده و نشانه را به نظام‌های معنا دار تبدیل می‌کنند که در چارچوب آنها میان دال و مدلول نوعی همبستگی ایجاد می‌شود. فرایند خلق یا تفسیر یک متن که به ترتیب رمزگذاری و رمزگشایی نام دارد متضمن برخورداری از این رمزگان‌ها یا قراردادها برای ایجاد ارتباط است (ضیمران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵). براساس نظر جان فیسک، فرهنگ فیلم و تلویزیون، ساختاری سلسله‌مراتبی از رمزها در سه سطح ایدئولوژی، بازنمایی و واقعیت دارد. به عبارت دیگر واقعه‌ای که قرار است به فیلم سینمایی تبدیل شود از قبل با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است؛ یعنی سطح واقعیت و برای اینکه از نظر فنی قابل پخش باشد از فیلتر رمزهای فنی می‌گذرد و به وسیله رمزگان ایدئولوژیک در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

### ۳-۵. بازنمایی ازدواج در تلویزیون<sup>۱</sup>

هرچند ازدواج واقعیتی تاریخی در ابعاد جهانی است که انواع مختلفی از الگوها را شامل می‌شود؛ یعنی الگوهایی که گاه در تضاد با یکدیگر واقع می‌شوند، اما شیوه بازنمایی‌های رسانه‌ای از شیوه‌های همسرگزینی، همیشه صورتی محدود و هدفمند دارند. تلویزیون در فرآیند بازنمایی فرهنگی از ازدواج سه‌گونه بازنمایی از الگوهای ازدواج را به خود دیده است: ازدواج سنتی، نیمه‌سنتی و مدرن. ازدواج سنتی شیوه‌ای از پیوند است در آن، فرهنگ و رسوم اخلاقی پیشینیان یک قوم بر چگونگی شکل‌گیری آن غلبه دارد. در این ازدواج‌ها خانواده نماینده سنت است و به دلیل اقتدار سنت، اقتدار آنها نیز چشمگیر و تعیین‌کننده است. ازدواج مدرن شیوه‌ای از پیوند است که ارزش‌های سنت پیشین را به چالش کشیده و به دنبال یافتن الگوهایی جدید برای انتخاب همسر است. به دنبال این چالش، قدرت خانواده در تصمیم‌گیری تضعیف و قدرت فرد در انتخاب همسر تقویت می‌شود. وجه تمایز مشخص بازنمایی ازدواج سنتی از ازدواج مدرن در سریال‌های تلویزیونی در دو عامل میزان روابط پیش از ازدواج و میزان دخالت خانواده‌هاست. در بازنمایی رسانه‌ای، این دو عامل در تقابل با یکدیگر قرار دارند؛ یعنی افزایش هرکدام باعث تضعیف دیگری می‌شود. عدم تناسب بین این دو انسان را به ازدواج نیمه‌سنتی رهنمون می‌کند. ازدواج نیمه‌سنتی رویکرد جدیدی در رسانه ملی است که از اواسط دهه ۸۰ و در تقابل با ازدواج‌های مدرن وارد مجموعه‌های تلویزیونی شده است. ازدواج نیمه‌سنتی ناشی از برآیند تحولات مدرن و تغییرات سنت در طول زمان است. ازدواج نیمه‌سنتی بر سنت پویا تأکید دارد. سنت پویا سنتی در قید تغییر است که تلاش می‌کند خود را با تحولات دنیای مدرن هماهنگ کند.

۱. از آنجایی که مبحث پیاده شده در مقاله بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی اثر خانم سهیلا صادقی فسایی، کاملاً منطبق بر هدف مقاله نویسندگان بوده و با عنایت به عدم منبع کافی در این زمینه، مطالب مذکور از مقاله یاد شده اقتباس شده است.

## ۵-۴. ازدواج

ازدواج در قالب پدیده‌ای اجتماعی و مقدمه و منشأ خانواده، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی-زیستی و فرهنگی مربوط به انسان و جامعه است. (محبی، ۱۳۹۲، ص ۱۳) در تعریف ازدواج آمده است: «ازدواج فرایندی است که از کشش متقابل بین دو فرد (یک مرد و یک زن) که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی را برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند، ایجاد شده و به طور کلی عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است» (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۲۳). سبک ازدواج به رویه و منطق حاکم بر فرآیند شکل‌گیری انتخاب‌های یک فرد برای تکوین، تحقق و تثبیت ازدواج از قبل تا بعد از تشکیل زندگی مشترک گفته می‌شود. این سبک ناظر بر مجموعه عناصری است که به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و خانواده را پدید می‌آورد. اتحاد و نظام‌مندی، هر خانواده را از خانواده‌های دیگر متمایز می‌کند (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

## ۶. یافته‌های تحقیق

### ۶-۱. خلاصه داستان

داستان درباره پسری به نام سعید است که در یک خانواده مذهبی و سنتی بزرگ شده است، اما با روحیه تنوع‌طلب و مدرنی که دارد علاقه‌مند است شیوه‌های زندگی نوین را که دوستی‌های خیابانی از آن زمره است، برگزیند. او ابتدا با خواهر دوست دختر ساسان که برادرزاده شوهر عمه‌اش است، آشنا می‌شود و با او طرح دوستی می‌ریزد تا اینکه با تصادفی همه چیز به هم می‌ریزد. محسن پدر سعید که فردی مذهبی و از رزمندگان دفاع مقدس است با آگاهی از موضوع ارتباط سعید با آن دختر با پیگیری‌هایی که انجام می‌دهد باعث به هم خوردن ارتباطشان می‌شود. از طرفی سعید با وجود میل پدرش با ساسان که فردی بی‌مبالا و بی‌قید است دوستی خود را ادامه می‌دهد. او که پولی را از پدرش قرض گرفته و به ساسان داده است برای پس دادن پول پدرش نزول می‌گیرد و برای پراخت اقساط آن مجبور می‌شود کار کند. ساسان براساس نقشه قبلی، سعید را به یک مرکز تهیه غذا معرفی می‌کند. سعید در آنجا استخدام می‌شود. به مرور زمان



بین او و بیتا دختری که در آنجا کار می‌کند رابطه عاطفی شکل می‌گیرد و آنها با هم طرح دوستی می‌ریزند. با وجود رابطه خوبی که به تدریج بین محسن و سعید به وجود آمده است، اما محسن متوجه رفتارهای مشکوک سعید می‌شود و با پیگیری کارهای او متوجه می‌شود که او دانشگاه را ترک کرده و مشغول کار در تهیه غذای صبا شده است. او برای اینکه مانع از کارکردن سعید در آنجا شود به ملاقات صاحب محل کار او می‌رود. در آنجا لیلا و محسن که در دوره جنگ با هم نامزد بوده‌اند همدیگر را می‌بینند و روابط عاطفی بین آنها شکل می‌گیرد. محسن که در جریان مشکلات لیلا در رابطه با پیدا کردن دخترش قرار می‌گیرد، سعی می‌کند به او کمک کند، اما جریان رابطه‌اش با لیلا را از سعید مخفی می‌کند. سعید که به واسطه نقشه ساسان برای پیدا کردن چک و سفته‌های مهران داماد ناخلف لیلا وارد دفتر کار لیلا شده است عکس دوره نامزدی لیلا و پدرش را می‌یابد و به رابطه مشکوک بین آن دو پی می‌برد.

همین مسئله دست‌آویزی می‌شود برای او تا رابطه‌اش را با بیتا تحکیم ببخشد و با این بیان که این رابطه، رابطه‌ای مطلوب و سالم است به فکر ازدواج با بیتا بیفتد. محسن که تلاش‌هایش برای منصرف کردن سعید از رابطه‌اش با بیتا ناکام مانده است با تعقیب و تهدید بیتا می‌خواهد بین او و سعید جدایی بیندازد. در همین زمینه متوجه می‌شود که بیتا دختری فاسد است و به جز سعید با مردان هوس‌باز دیگر ارتباط دارد. همین مسئله محسن را تحریک می‌کند تا اینکه با یافتن محل زندگی بیتا او را می‌بیند و تهدیدش می‌کند تا دست از رابطه‌اش با سعید بکشد. بیتا که از این برخورد محسن به شدت ناراحت شده است، تصمیم می‌گیرد با تقویت رابطه‌اش با سعید به مقابله بیشتر با محسن بپردازد. بیتا با کتمان حقیقت و دروغ‌هایی که به سعید می‌گوید، سعی دارد رابطه او را با پدرش تخریب کند و خودش را به او نزدیک‌تر کند. سعید که حرف‌های بیتا را درباره پدرش باور کرده است با مطرح کردن آگاهی‌اش از مسئله ازدواج و ارتباط محسن و لیلا از آن برای نقطه‌ضعفی علیه پدرش استفاده می‌کند. رابطه بین سعید و محسن بدتر از قبل می‌شود. عمو رضا که از مسئله بین پدر و پسر آگاه است با راهنمایی سعید او را وامی‌دارد تا درباره بیتا بیشتر تحقیق کند. سعید که به کارهای و رفتارهای بیتا مشکوک شده است تصمیم به تحقیق درباره او

می‌گیرد تا اینکه متوجه می‌شود چیزهایی که دیگران درباره بی‌تتا به او می‌گفته‌اند حقیقت داشته است. بی‌تتا او را توجیه می‌کند که به دلیل تأمین دیه پدرش که برای نجات او از دست مردی متجاوز مرتکب قتل شده و در زندان است این کارها را می‌کند. در نهایت سعید که از بی‌تتا متنفر شده است رابطه‌اش را با او قطع می‌کند اگرچه به وسیله عمو رضا سعی در کمک کردن به پدر بی‌تتا را دارد. سعید دوباره رابطه‌اش را با پدر بهبود می‌بخشد و به او و لیلا کمک می‌کند تا به هم برسند. بی‌تتا همچنان به کارهای دزدی و فحشای خود ادامه می‌دهد و نتیجه شوم عمل خودش را می‌بیند.

## ۲-۶. تحلیل رمزگان

### ۱-۲-۶. رمزگان فنی

- زمان و مکان: سریال فاصله‌ها سریالی است که در اواخر دهه هشتاد تولید شد. این سریال به سه نوع سبک ازدواج می‌پردازد. سبک ازدواج سنتی که به صورتی کم‌رنگ و بیشتر در قالب حرف به آن اشاره می‌شود. در طول سریال دو زوج جوان دیده می‌شوند (نیما و زهره) که به سبک ازدواج آنها اشاره‌ای نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد که ازدواج آنها به گونه سنتی و با رسم و رسومات خاص صورت گرفته شده باشد. بیشترین نمود ازدواج را در دو نوع دیگر یعنی، ازدواج مدرن (سعید و بی‌تتا - شیدا و ساسان) و ازدواج نیمه مدرن (علی و ریحانه - محسن و لیلا) دیده می‌شود. در نهایت هم رسانه صدا و سیما مهر تأیید را بر گونه سوم یعنی، ازدواج نیمه مدرن می‌زند. به نظر می‌رسد رسانه ملی با پیگیری این سیاست در موجه یا طرد جلوه دادن گونه خاصی از سبک ازدواج سعی دارد هماهنگ با فرهنگ حاکم بر جامعه پیش برود تا اینکه خود نقشی سازنده در تولید فرهنگ داشته باشد. سبک ازدواج نیمه سنتی، سبکی رایج در ازدواج است که در بیشتر سریال‌های دهه هشتاد دیده می‌شود. شاید بالا رفتن سن ازدواج جوانان در جامعه، پاسخ‌گو نبودن سبک ازدواج سنتی با رویکردهای خاص آن و عدم مطلوب جلوه دادن آن بین قشر تحصیل کرده را بتوان از عواملی یاد کرد که جوانان را به سمت ازدواج مدرن و نیمه مدرن سوق می‌دهد. در این میان رسانه برای مدیریت فرهنگی در جامعه اقدام به ساخت و پخش سریال‌هایی می‌کند که به صراحت در آنها ازدواج به سبک مدرن طرد می‌شود و مضرات و خطرات آن را به جوانان یادآوری می‌کند.

ازسوی دیگر برای اینکه از فرهنگ جامعه عقب نماند و بتواند مخاطب بیشتری را به سوی خود جذب کند با تأکید بر سبک ازدواج نیمه مدرن آن را مطلوب و موجه جلوه می دهد.

از نظر رسانه، این گونه سبک ازدواج نه تنها بین جوانان مطلوب است که حتی نسل های گذشته هم می توانند بنیان زندگی خود را بر این پایه بنا کنند. بنابراین، می توان گفت که رسانه ملی در تبلیغ و ترویج سبک ازدواج همگام با جامعه، خود را تطبیق داده است. وقایع داستان در تهران رخ می دهد. اولین دلیلی که می توان برای آن ذکر کرد این است که غالب تولیدات تلویزیونی و سینمایی که در کشور تولید می شود در پایتخت رخ می دهد. بالا بودن امکانات و دسترسی آسان به امکانات و کم هزینه تر بودن فیلمسازی در پایتخت، سازندگان را ترغیب می کند تا در تهران پروژه های خود را تولید کنند. از طرف دیگر بیشتر تولیدکنندگان آثار سینمایی و تلویزیونی در تهران زندگی می کنند و برایشان مطلوب تر این است که درباره زندگی و سبک زندگی در پایتخت فیلم بسازند. فرهنگ شهرهای دیگر به دلیل عدم رواج و تبلیغ، تأثیری در فرهنگ مردم پایتخت نمی گذارد، اما هر فرهنگی که در پایتخت ایجاد می شود از راه تبلیغات و به ویژه از راه رسانه ملی به سرعت در شهرهای دیگر ترویج شده و مورد استقبال عموم قرار می گیرد. یکی از این فرهنگ ها سبک ازدواج است. در حالی که در بیشتر شهرستان ها و شهرهای کوچک، سبک ازدواج برمبنای رسم و رسومات سنتی صورت می گیرد، اما مخاطب جوان در رسانه ملی با گونه جدیدی از ازدواج روبه رو می شود که هیچ سنخیتی با فرهنگ و آداب و رسوم شهر خودش ندارد. مسئله زمانی مهمتر می شود که سبک ازدواج نیمه مدرن هم در فضای دانشگاه و هم در فضای بیرون آن رخ می دهد. این یعنی برای سبک ازدواج نیمه مدرن هیچ محدودیت مکانی وجود ندارد و حتی این مسئله به قشر خاصی هم تعلق ندارد. بنابراین، مخاطب سعی می کند سبک زندگی خودش را با سبک زندگی مطلوبی که در رسانه به آن تأیید می شود، هماهنگ کند. می توان گفت که تولید این نوع محصولات در پایتخت کشور به نوعی تولیدکننده و صادرکننده فرهنگ و به ویژه سبک زندگی و سبک ازدواج به سایر شهرهای کشور است.

-نمای دوربین: براساس نماهای گرفته شده از شخصیت‌های مختلف فیلم می‌توان نتیجه گرفت که نمای دوربین، زمان نشان دادن روابط بین افراد در هر دو مورد ازدواج به سبک مدرن یا نیمه مدرن در نمایی نزدیک نمایش داده شده‌اند. برای مثال در طول سریال در صحنه‌های متعددی نماهای دونفره‌ای از سعید و بیتا در موقعیت‌های دونفره دیده می‌شود که گاهی از نمای بسیار نزدیک و گاهی از نمای نزدیک هستند. همین نما در روابط بین ساسان و شیدا که نماینده سبک ازدواج مدرن هستند دیده می‌شود. ازسوی دیگر همین نوع رابطه در روابط بین ریحانه و علی و بین لیلا و محسن هم وجود دارد که به نوعی نماینده سبک ازدواج نیمه مدرن هستند. در مورد علی و لیلا چیزی که مجوز این دیدارهای دونفره را فراهم می‌کند اجازه رضا پدر ریحانه است. اگرچه این مورد در مورد لیلا و محسن به گونه دیگری است؛ یعنی رابطه آن دو فقط براساس آشنایی گذشته و محرمیتی است که حدود بیست سال پیش بین آنها بوده است، ولی به هم خورده است. درواقع گویی در سریال از نظر پرداخت، موازنه‌ای بین هر دو سبک ازدواج در ظاهر قائل است و تنها چیزی که بین این دو نوع سبک ازدواج تفاوت ایجاد می‌کند ماهیت و نهایت این روابط است.

-زاویه دوربین: بررسی زوایای دوربین به کار رفته برای تصویربرداری از شخصیت‌های فیلم نشان می‌دهد که شخصیت‌های مختلفی که درصدد ازدواج با یکدیگر بودند از زاویه دوربین هم طراز نشان داده شده‌اند. این زاویه موجب احساس همدلی و همدردی با شخصیت‌های سریال که درصدد ازدواج‌های مدرن و یا نیمه مدرن هستند، می‌شود.

-صداها (گفت‌وگوها): درگیر شدن عواطف و احساسات به جای عقل و منطق در ازدواج مدرن: «سعید: یه نیرویی آدمو می‌کشونه اینجا من نمی‌دونم چیه؟ چرا می‌خندی؟ بیتا: به قیافت نمیداد آخه این جور حرف بزنی». «سعید: یه چیزی بگم. من اون اولاً خیلی ازت بدم می‌اومد. فکر می‌کردم تو از اون دخترای بدجنس خودخواهی. بیتا: خب فهمیدی اشتباه کردی معذرت خواهی کن. سعید: آره من اشتباه می‌کردم. من اون دختری که تو رؤیاهام بهش فکر می‌کردم یه چیزی بود تو مایه‌های خودت. خیلی جدی گفتم. بیتا: خیلی خوب بابا حالا چرا فکر می‌کنی که

من به دردت می خورم؟ سعید: فکر کن حالا آدم گاهی وقتام تو زندگیش یه اشتباهایی می کنه. شوخی کردم».

## ۲. نمودهای ازدواج سنتی

«مرضیه: نیما تو یه مراسم زهره رو دید اومد به من و محسن گفت. محسنم پادرمیونی کرد و حق بزرگی رو به جا آورد».

## ۳. عنصر صداقت در ازدواج به سبک نیمه مدرن

«ریحانه: صداقت برای من خیلی مهمه. علی: برای منم مهمه، اما اگه اجازه بدین سعید رو پیدا می کنم و بهتون می گم کی صداقت نداشته. ریحانه: من کاری به سعید ندارم. علی: خب نباید اون حرفو می زد. ریحانه: چرا نباید؟ علی: چراشو خودش بهتر می دونه. ریحانه: ببخشید من کلاس دارم».

## ۴. پذیرفته نبودن روابط غیر متعارف در خانواده های مذهبی

«سعید: کاش تو هم میومدی. بیتا: اِراست میگی خب بریم. سعید: جدی میای؟ بیتا: آره. سعید: نمی شه که، من اول باید تو رو معرفی کنم یه جور. بیتا: خب بگو من یکی از دوستاتم. سعید: نه دوست که نمیشه. ما اصلاً از اون خانواده ها نیستیم. باید بگم به عنوان...».

## ۵. تعارض ازدواج مدرن با عقاید و مناسک مذهبی

«بیتا: این عمو فرهادت چه جور آدمیه؟ سعید: می بینیش حالا. بیتا: چی می بینمش؟ سعید: آره دیگه رابطه که از یه حدی بالاتر میره خانواده ها طبیعتاً باید در جریان قرار بگیرن. چرا می خندی؟ جدی دارم صحبت می کنم. من دارم دو قدم جلوتر و می بینم. کلاً به فکر آینده ام. بیتا: اصلاً فکرشم نکن. سعید: چرا؟ بیتا: به هزارویک دلیل. اولیش: همین نماز خونندن تو. سعید: ببینم تو واقعاً خدا رو قبول نداری؟ بیتا: ای بابا قبولش که دارم. کاری باهاش ندارم چون اونم کاری با من نداره. سعید: اشتباه میکنی.

بیتا: سعید، من و تو هیچ نظر مشترکی با هم نداریم. سعید: هرکسی آزاده هرطوری که می خواد فکر کنه مهم علاقه است که...».

## ۶. ادامه ارتباط دوستی بدون اندیشه ازدواج

«محسن: گفתי بهش علاقه داری گفتم می‌خوای باهاش ازدواج کنی؟ سعید: من حرف از ازدواج زدم. مگه دوستی هر دختر و پسری معنی‌ش ازدواجه؟ محسن: دوستی دختر و پسر؟ سعید: آره بابا دوستی. من و بیتا با هم دوستیم تصمیمی هم برای ازدواج نداریم».

## ۷. نامتعارف بودن رابطه پیش از ازدواج در افراد مذهبی

«محسن: سلام. لیلا: سلام حالتون خوبه؟ محسن: خوبم. لیلا: زنگ زد موبایلتون جواب ندادین این بود که اومدم اینجا. مرضیه: آخه بچه‌ها گوش‌ی محسن و بی‌صدا کردن که بتونه بخوابه. لیلا: آ... اِ ببخشید دست خالی اومدم. محسن: خواهش می‌کنم. حالا چرا وایسادی بفرمایید بفرمایید بشینید. لیلا: اِ نه ممنونم. ممنونم. همین‌طور خوبه. مرضیه: من پایین چایی تازه دم دارم، برم بیارم. محسن: آره خوبه. دستت درد نکنه مرضیه جان. لیلا: نه مرضیه جان همین الان پایین چایی صرف شد. اِ بهتره دیگه من برم».

## ۸. مخالفت خانواده سنتی با ازدواج به سبک مدرن

«سعید: سلام عمه میگم من با چیز اومدم. مرضیه: چیز چیه؟ سعید: بیتا دیگه همون دختری که براتون گفتم. مرضیه: تو چه غلطی کردی؟ سعید: هیس عمه ما که کاری نکردیم که ما نیتمون ازدواجه. بیتا: راست میگه عمه جون سلام. یه وقت فکر نکنین من از این دخترای بی‌فکرم. نه سعید اصرار داشت من و بهتون معرفی کنه...».

## ۹. تأکید بر رسم و رسومات در ازدواج سنتی

«مرضیه: سعید میگه که قصد ازدواج دارین؟ میدونی که ازدواج قانون خودش رو داره رسم و رسوماتی داره که باید رعایت بشه. بیتا: بله میدونم. مرضیه: اینم میدونی که اول پسر باید بره خونه دختر. اونم با خانواده. بیتا: الان یکم رسم و رسوما عوض شده. مرضیه: ولی رسم و رسوما ما عوض نشده».

## ۱۰. نقش مستقل جوانان در ازدواج نیمه‌مدرن

«ریحانه: بابا بگم امروز علی آقا بیاد باهاتون صحبت کنه؟ رضا: من چرا بابا، من که پیشنهادمو دادم حالا خودتون باید تصمیم بگیرید. ریحانه: خب ما موافقیم. رضا: خیلی خوب پس پنج شنبه آینده جشن میلاد است مراسم عقد رو همین جا برگزار می‌کنیم. دو سه ماه بعد مراسم عروسی چگونه؟».

## ۶-۲. موسیقی

در استفاده از موسیقی هم گاه در برخی ملاقات‌های بین سعید و بیتا از نوع موسیقی آرام و دلنشین استفاده می‌شود به طوری که این سبک استفاده از موسیقی باعث هم‌ذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌های داستان می‌شود. در واقع عشقی که مبنای غلط دارد با همراهی موسیقی، حالتی روحانی و مقدس پیدا می‌کند. هرچند در مواقعی که قرار است بیتا محور شرارت معرفی شود موسیقی حالتی مرموز و تفکربرانگیز دارد.

## ۶-۲-۱. رمزگان‌های اجتماعی

از آنجاکه در سریال، محوریت با افراد مذهبی است رمزگان‌های اجتماعی هم متناسب با این مسئله ارائه شده است. در نوع پوشش هم افراد مذهبی سریال پوشش متعارف قشر مذهبی را دارند. مردان سریال در فضاهای رسمی و بیرون از خانه از پوشش کت و شلوار و در خانه هم پوشش‌های معمولی دارند. خانم‌های مذهبی سریال هم در محیط‌های بیرون از خانه و هم در مقابل نامحرمان پوشش چادر دارند. در مقابل افراد غیرمذهبی و لاقید، پوشش‌هایی به ظاهر جدید دارند که بارزترین نمود آن‌را می‌توان در شخصیت‌هایی چون بیتا، شیدا، سعید و سامان دید، حتی نوع چهره‌پردازی در بیتا هم غلیظ و جلب‌توجه‌کننده است که به ظاهر با نوع تیپ شخصیتیش سازگاری دارد. نوع رفتار و برخورد در میان افراد مذهبی بیشتر مؤدبانه است. این افراد در نوع رفتار خود همیشه سعی می‌کنند احترام به بزرگ‌تر را حفظ کنند. مبادی آداب هستند. در میان آن‌ها حریم‌ها شناخته شده و قابل احترام است. کوچک‌ترها از بزرگ‌ترها حرف شنوی دارند

و بزرگ‌ترها همواره در حال راهنمایی و نصیحت کردن کوچک‌ترها هستند. نماز خواندن، به مسجد رفتن، شرکت در برنامه‌های اجتماعی، پرهیز از مال حرام، تلاش برای امرار معاش از راه حلال و کسب و کار از دیگر خصوصیات این گروه است که نماد مذهبی بودن را در این افراد تقویت می‌کند. پایبندی خود افراد به مناسک دینی و ترغیب فرزندان به رعایت و اجرای این مناسک نیز از دیگر ویژگی‌های این گروه است. می‌توان گفت که در این خانواده‌ها سبک زندگی اسلامی رواج دارد. به دلیل روابط خانوادگی هم خانواده در قشر مذهبی اهمیت زیادی دارد. چنانچه در طول سریال مشاهده می‌شود در موارد مختلف همه اعضای خانواده به کمک یکدیگر می‌آیند و از راه‌های مختلف سعی در کمک و یاری یکدیگر دارند. سرنوشت هریک از اعضای خانواده برای سایر اعضا اهمیت دارد همان‌طور که اعضای خانواده بسیج می‌شوند تا سعید را از مسیر غلطی که در آن افتاده است، نجات دهند و هم آنها تلاش می‌کنند تا ارتباط محسن و لیلا به مسیر ازدواج ختم شود.

#### ۶-۲-۲. رمزگان‌های ایدئولوژی

- مفهوم اصلی: مضمون اصلی داستان سریال فاصله‌ها ارائه سبک‌های مختلف ازدواج از جمله ازدواج‌های مدرن (ناشی از دوستی‌های خیابانی) است که البته به صورت نامحسوس و گاه ملموس عامل اصلی این امر را در فاصله نسل‌ها دانسته و این حقیقت را در قالب پرداختن به مسائل و مشکلات خانوادگی در خانواده‌های سنتی در جامعه در حال گذار ایران به تصویر می‌کشد. رسانه ملی با پرداختن به این مهم در دل یک درام خانوادگی با داستان‌های فرعی مختلف سعی دارد با ارائه راهکاری منطقی به اختلافات فیصله دهد. در طول داستان مشاهده می‌شود سعید که خود را پسری دانشجو و امروزی می‌داند طرز فکرش را در تضاد با پدرش می‌بیند. از همین رو نمی‌خواهد مانند سایرین خودش را زیر سیطره آداب و رسوم و سنت قرار دهد. او می‌خواهد خودش تجربه‌ای مستقل و متفاوت در ازدواج داشته باشد و برای یافتن فرد مورد علاقه‌اش تصمیم می‌گیرد از راه دوستی با جنس مخالف وارد کار شود. این تصمیم سعید او را در معرض نقد و انتقاد خانواده قرار می‌دهد. برخی از افراد خانواده از راه منازعه و تهدید و برخی از



راه منطقی و گفت‌وگو سعی دارند سعید را متوجه اشتباهی که مرتکب شده است، کنند. در نهایت هم سعید متوجه می‌شود که بیتا فرد سالمی نیست و نمی‌تواند شریک زندگی مناسبی برای او باشد. از طرف دیگر جوانی مانند سعید که به این فهم رسیده است که ازدواج از راه دوستی‌های خیابانی آخر و عاقبت خوشی ندارد، نیاز دارد که سبک ازدواج درست را بیاموزد. سبک ازدواجی که رسانه ملی به این دسته از جوانان ارائه می‌کند همان سبک ازدواج نیمه‌مدرن است که سبکی مطلوب و حتی قابل تجویز به نسل‌های گذشته هم هست.

-دسته‌بندی مفاهیم: مخالفت جمعی با ازدواج ناشی از دوستی‌های خیابانی: یکی از مسائلی که در فیلم بر روی آن به شدت تأکید شده و صداوسیما که رسانه‌ای تأثیرگذار بوده و درصدد مطرود به‌شمار آوردن آن است روابطی است که از راه دوستی‌های نامشروع ایجاد می‌شود. در این سریال دو رابطه عاشقانه به تصویر کشیده شده است: یکی رابطه بین ساسان و شیدا و دیگری رابطه بین سعید و بیتا که هر دو شکست می‌خورند و این یعنی، چنین روابطی عواقب خوشایندی ندارد. در صورت رسیدن به ازدواج هم مثل رابطه بین مهران و صبا - داماد و دختر لایلا - باز هم این زندگی محکوم به فنا و ازهم‌پاشیدگی است. نکته مهمی که در سریال از آن غفلت شده این است که به مخاطب القا می‌کند که این نوع روابط فقط برای دستیابی به موقعیت‌های مالی و مادی صورت می‌گیرد. در هر سه رابطه هم به صراحت روی این موضوع تأکید شده است. در صورتی که اگر این کار از اساس و بنیان نادرست و غیراخلاقی نشان داده شود باید سعی شود که مصادیق این نوع روابط عام‌تر شده و از سطح مادیات فراتر رفته و بعد عشقی و عاطفی قضیه را نیز دربرگیرد. در طول داستان دیده می‌شود که افراد خانواده نیز با این نوع روابط میانه خوبی ندارند و هریک از آنها در طول داستان با دیدن رابطه سعید و بیتا به شیوه‌ای اعتراض خود را نشان می‌دهند. برای مثال نیما و علی زمانی که سعید و بیتا را باهم می‌بینند نگاهی سرزنش‌آمیز به آن دو می‌اندازند. ریحانه با صحبت کردن با بیتا سعی دارد به رابطه بین این دو پایان دهد. محسن و مرضیه هم در برخوردهای خودشان مدام سعید را به دلیل داشتن این رابطه سرزنش می‌کنند. در واقع سریال به این مسئله اشاره دارد که این نوع روابط در فضاهای دینی و عرفی مرسوم جامعه نه تنها پذیرفته شده نیست، بلکه مورد مذمت

هم هست. عده قلیلی از افراد هم که پایبندی به اصول و اخلاقیات دینی ندارند نسبت به این روابط بی تفاوت هستند مانند پدر شیدا که با وجود اعتراض محسن به رابطه پسرش سعید با دختر او شهره نه تنها این رابطه را مذموم نمی‌داند، بلکه بر آن مهر تأیید هم می‌نهد.

#### ۷. گرایش برخی از جوانان مذهبی جامعه به ازدواج مدرن (از راه دوستی)

سعید در داستان، پسری دانشجویست که در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده است. او به اصول و عقاید دینی پایبندی دارد و حتی زمان دوستی با بیتا هم اگرچه مرتکب عملی مخالف با اصول و عقاید دینی خود شده است، اما باز هم دست از نماز خواندنش بر نمی‌دارد و حتی به این دلیل از طرف بیتا مورد اعتراض قرار می‌گیرد. ارائه این شخصیت به این گونه در واقع نشان دهنده این موضوع است که برخی از جوانان مذهبی هم در صورت فراهم بودن زمینه‌های نادرست ممکن است در این مسیرهای غیراخلاقی قرار بگیرند. درجایی سعید وجود این نوع رابطه را برای شناخت بیشتر برای فراهم شدن زمینه ازدواج معرفی می‌کند و در واقع با این برچسب درصدد مشروعیت بخشیدن به این نوع رابطه است. اهمیت این موضوع بیشتر به این دلیل است که به نظر می‌رسد صرف آموزه‌های دینی در جوانان به تنهایی عامل بازدارنده از کشیده شدن جوانان به این راه نیست. بنابراین، باید در این زمینه توجهات لازم برای آموزش صحیح جوانان صورت گیرد.

#### ۸. گرایش برخی از افراد مذهبی جامعه به ازدواج نیمه سنتی

در سریال فاصله‌ها مخاطب با دو ازدواج موفق یعنی، ازدواج علی و ریحانه و محسن و لیلا روبه‌روست که هر دو زوج هم افرادی مذهبی و متعلق به خانواده‌های مذهبی هستند. با وجود اینکه این افراد پایبندی به اصول و قواعد دینی دارند، اما دیده می‌شود که نوع رویکردها نسبت به ازدواج تطابق کافی با ازدواج سنتی ندارد. برای مثال علی صبوری برای اینکه با ریحانه حرف بزند معتقد است که باید از پدر او اجازه بگیرد. این مسئله توسط محسن بین خانواده رضا مطرح می‌شود و آنها هم بر اساس شناختی که از خانواده علی دارند پیشنهاد علی صبوری را می‌پذیرند. پس از کسب اجازه پدر، بدون اینکه جلسه خواستگاری صورت بگیرد صحبت‌های طرفین برای

شناخت بیشتر در محیط دانشگاه صورت می‌پذیرد. در طول داستان هم این ملاقات‌ها به کرات تکرار می‌شود و گاهی در جوی صمیمی، ولی همراه با احترام مسائل دیگری مانند مشکلات سعید هم بررسی می‌شود. در تمام طول سریال هم نسبت به سایر مسائل مربوط به ازدواج صحبتی صورت نمی‌گیرد و زمانی که این دو به این نکته می‌رسند که با هم تفاهم دارند جشن عقد و محرمیت صورت می‌گیرد.

در مورد لیلا و محسن هم باید گفت که آنها حدود بیست سال پیش با هم نامزد بوده‌اند، اما لیلا چون با جبهه رفتن محسن مخالف بوده باعث به هم خوردن این نامزدی می‌شود. ملاقات این دو پس از این همه سال به طور اتفاقی باعث بیدار شدن احساسات و عواطف پیشین در آنها می‌شود. در تمام طول داستان مشاهده می‌شود که این دو روابطی صمیمی باهم دارند، یکدیگر را با لفظ تو صدا می‌کنند، قرارهای ملاقات خصوصی ترتیب می‌دهند و در نهایت تصمیم می‌گیرند که با هم ازدواج کنند. نکته مهم در این مورد این است که سعید پسر محسن با دیدن نوع رابطه بین لیلا و محسن این نوع رابطه را چیزی شبیه رابطه خودش با بیتا می‌داند. از همین رو می‌خواهد با پدرش همان رفتاری را داشته باشد که پدرش با او داشته است. برعکس افراد موجه داستان مثل مرضیه و رضانه تنها این نوع رابطه را مذموم نمی‌دانند، بلکه با سکوت و رضایت ضمنی خود بر آن مهر تأیید می‌نهند.

## دوم) مفاهیم غایب

-عدم پرداختن به سبک ازدواج سنتی به‌طور خاص: در سریال فاصله‌ها به میزانی که روی دو نوع سبک ازدواج یعنی، سبک ازدواج مدرن و نیمه‌مدرن تأکید می‌شود روی سبک ازدواج سنتی تأکید نمی‌شود. اگر هم در این باره صحبتی می‌شود تنها صحبت‌هایی است که درباره رسم و رسومات می‌شود، حتی اشاره صریح به رسم و رسومات هم صورت نمی‌گیرد. نیما و زهره درگیر مشکلاتی هستند که بین عروس و پدر شوهر یعنی، بین زهره و فرهاد رخ داده است. درمقابل، علی و ریحانه و به‌ویژه محسن و لیلا که مظاهر ازدواج نیمه‌مدرن هستند درحالی مشاهده می‌شوند که روابط عاطفی عمیقی ناشی از عشق و احترام بین آنها برقرار است. درواقع در پرداختن به ازدواج

نیمه مدرن از نمودهای بیشتری استفاده شده است که پذیرش و هم‌ذات‌پنداری در این مورد برای مخاطب بیشتر و مطلوب‌تر است.

-کم‌رنگ جلوه دادن نقش خانواده در مسائل مربوط به ازدواج: یکی از مسائلی که در طول سریال به آن توجه نشده نقش خانواده در شکل‌گیری پیوند ازدواج است. در مورد ازدواج علی و ریحانه اجازه گرفتن از خانواده دختر تنها مجوزی برای دیدارها و گفت‌وگوهای بین ایشان است. درجایی دیده می‌شود که آنها قرار است به همراه خانواده به خرید عروسی بروند. وقتی ریحانه به پدرش می‌گوید که علی می‌خواهد او را ببیند و از او اجازه بگیرد پدرش به او می‌گوید که نیازی به این کار نیست و صرف توافق دختر و پسر را برای این کار کافی می‌داند. از طرفی مادر دختر هیچ نقشی در جریان ازدواج دخترش ندارد به جز اینکه اعلام می‌کند که خانواده علی را می‌شناسد و در هیچ‌جا نمی‌بیند که ریحانه از مادرش درباره علی نظرخواهی کند. در مورد محسن و لیلان هم خانواده به جز اینکه به روابط بین آن دو صحنه بگذارند و برایشان جشن عقد بگیرند هیچ نقش مهم دیگری ندارند. تنها مانعی که بر سر ازدواج محسن و لیلانست لجبازی سعید است که با سربه‌راه شدن آن مشکل برطرف می‌شود.

## ۹. نتیجه‌گیری

مسئله اصلی در پژوهش حاضر، بازنمایی سبک ازدواج در یکی از سریال‌های پربیننده تلویزیون یعنی، سریال فاصله‌ها در خانواده‌های مذهبی در دهه ۸۰ است. بنابراین، برای کشف چگونگی بازنمایی سبک‌های مختلف ازدواج از روش نشانه‌شناسی استفاده شده است. هرچند ازدواج واقعیتی تاریخی در ابعادی جهانی است که انواع مختلفی از الگوها را شامل می‌شود، اما شیوه نمایش تلویزیون از شیوه‌های همسرگزینی، همیشه صورتی محدود و هدفمند دارند. تلویزیون در فرایند نمایش ازدواج در دو دهه‌های اخیر سه‌نوع از الگوهای ازدواج را ارائه داده است: ازدواج سنتی، نیمه‌سنتی و مدرن. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در حال حاضر ترویج دو سبک ازدواج سنتی و مدرن چندان در برنامه‌های سیما انجام نمی‌شود. در دهه‌های قبلی سبک ازدواج سنتی تنها سبک مورد ترویج بود، اما با پیدایش تحولات اجتماعی در سال‌های اخیر در دهه ۸۰ و

به دنبال آن تغییرات ارزشی روی داده در جامعه، ازدواج سنتی به حاشیه رفت؛ زیرا با وجود الگوهای رقیب، تلویزیون نمی‌توانست مخاطبان را به سمت این الگو جذب کند.

از سوی دیگر تلویزیون در مورد ازدواج مدرن نیز برخورد سلبی در پیش گرفته است؛ زیرا این رویکرد با ارزش‌های فرهنگی جامعه چندان سازگاری ندارد. بر همین اساس از دهه ۸۰ به بعد تلاش شد که سبک ازدواج نیمه‌سنتی، الگوی مطلوبی در سیما باشد. این امر به این دلیل است که جامعه ایران در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است و از آنجاکه ارزش‌ها و الگوهای غربی متناسب با ساختار فرهنگی و ارزشی جامعه نیست و حتی در برخی زمینه‌ها در تضاد و تقابل است برنامه‌سازان تلاش دارند در برنامه‌های تلویزیونی آسیب‌ها و معایب سبک زندگی غربی و ابعاد آن از جمله سبک ازدواج را به تصویر بکشند. در چنین وضعیتی باید الگوی مناسبی را به جامعه معرفی کنند که جایگزین الگوی تأثیرپذیر از مدرنیسم شود. بر همین اساس است که به ترویج سبک ازدواج نیمه‌سنتی می‌پردازد. سبک ازدواجی که در سریال فاصله‌ها به آن تأکید شده است سبک ازدواج نیمه‌سنتی است. تلویزیون در ارائه این سبک ازدواج در سریال مذکور بر استقلال و اهمیت نظر فرد بدون دخالت مستقیم خانواده‌ها و همچنین ارتباط و آشنایی دختر و پسر با نظارت کم‌رنگ خانواده‌ها تأکید می‌کند. به نظر نویسندگان، تأثیر تلویزیون بر افراد جامعه در زمینه ازدواج، شامل ضرورت آشنایی‌های قبل از ازدواج دختر و پسر، ضرورت انتخاب فردگرایانه مستقل از دخالت والدین در فرایند انتخاب همسر و تشکیل الگوی جدیدی از خواستگاری است. این تأثیرهای نگرشی با توجه به بافت مذهبی و سنتی جامعه و همچنین محدودیت‌های فرهنگ و عرف جامعه ایرانی مربوط به روابط دختر و پسر می‌تواند نقش مهمی در تأخیر ازدواج<sup>۱</sup> ایفا کند. تأثیرات نگرشی مؤثر دیگر شامل: تمایل به ادامه تحصیل در دختران، گرایش به اشتغال در

دختران، ترس از ازدواج<sup>۱</sup> و عدم اعتماد به جنس مخالف است که از عوامل مؤثر در پدیده تأخیر ازدواج محسوب می‌شود.

## فهرست منابع

۱. احمدی، امیدعلی (۱۳۸۱). تنگنا و تأخیر ازدواج در ایران. تهران: ناشر راه‌دان.
۲. استوارت، هال (۱۳۸۷). گزیده‌هایی از عمل بازنمایی، نظریه‌های ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات فرهنگی و رسانه. مترجم: شاه قاسمی، احسان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. اُسولویان، تام، هارتلی، جان، ساندرز، دانی، و فیسک، جان (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات. مترجم: رئیس‌زاده، میرحسین. تهران: فصل نو.
۴. اسماعیلی، رفیع‌الدین (۱۳۹۰). بازنمایی الگوی شخصیت مرد در سینمای ایران (ارزیابی آن براساس فرهنگ اسلامی-ایرانی). پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی. قم: دانشگاه باقرالعلوم.
۵. بستان، حسین (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: چاپ زیتون.
۶. حبیب‌پورگتایی، کرم، و دیگران (۱۳۹۲). بازنمایی اشتغال زنان و نقش آن در ساختار خانواده. نشریه مطالعات سبک زندگی، سال دوم، شماره ۳، ۶۹-۱۰۴.
۷. جعفری، علی (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی بازنمایی ازدواج در سینمای ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۸. چندلر، دانیل (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. مترجم: پارسا، مهدی. تهران: سوره مهر.
۹. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
۱۰. صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۰). بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی. نشریه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۲، ۶۹-۹۴.
۱۱. ضیمران، محمد (۱۳۸۵). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: انتشارات قصه.
۱۲. فیسک، جان (۱۳۸۰). فرهنگ تلویزیون. مترجم: برومند، مژگان. نشریه ارغنون، شماره ۱۹، ۱۲۵-۱۴۲.
۱۳. مریجی، شمس‌الله (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در کج‌روی و نقش خانواده در آن. قم: دفتر نشر معارف.
۱۴. محبی، سیده فاطمه (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی تنگنای ازدواج در ایران. تهران: دفتر نشر معارف.
۱۵. مهکام، رضا (۱۳۸۳). تصویر ازدواج در رسانه ملی. نشریه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۷(۲۵)، ۲۴۱-۲۶۷.
16. Hal.s. (2003). *representatio*. london: sage publication
17. deely,j, hartley, j. (1990). *reading television*, oxford: routledge.
18. van leewen. T. Jewitt, c (2002) *handbook of visual analysis*, london: sage publication .
19. johanson, j.larsen, s. (2002). *sings in use: an introduction to semiotics*, new york: routledge

۱. به طور کلی به معنای عدم اطمینان به موفقیت ازدواج گفته می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱).

## موانع ازدواج جوانان و راهکارهای برون‌رفت از آن

هادیه زکی<sup>۱</sup>، سمیه اسلامی<sup>۲</sup>

### چکیده

اهمیت ازدواج بر هیچ‌کس پوشیده نیست. شاید بااطمینان بتوان گفت هر جوانی به ازدواج و تشکیل خانواده علاقه دارد و گزینه جنسی، او را در اقدام به آن دعوت می‌کند. بنابراین، باید هرچه زودتر خواسته طبیعت را اجابت کرده و کانون خانواده را تشکیل دهد. ازدواج در عمل چنین نیست و موانعی بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد که آن را از سنین طبیعی و مطلوب به سنین بالاتر به تأخیر می‌اندازد. هدف تحقیق حاضر بررسی موانع ازدواج جوانان و ارائه راهکارهای مناسب برای حل این معضل اجتماعی است. پژوهش حاضر، اهمیت ازدواج و فلسفه آن و موانعی مانند ادامه تحصیلات، سطح تحصیلات، خدمت سربازی، سن ازدواج، باورهای اشتباه و... را بررسی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** ازدواج، موانع، راهکار، جوانان، مهریه، جهیزیه.

### ۱. مقدمه

در اسلام تأکید شده است که اگر مقدمات ازدواج جوانان مهیا باشد به دلایل واهی و موانع و مشکلات، ازدواج به تأخیر نیفتد؛ زیرا اگر دختر و پسر با مهیا شدن مقدمات اولیه ازدواج به آن اقدام کنند از برکات ازدواج بهره‌مند خواهند شد، اما متأسفانه امروزه عوامل مختلفی باعث تأخیر

---

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی مطالعات زنان از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Zm2016395@gmail.com

۲. مربی گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، ایران.

Email: Eslami.s360@gmail.com

در امر ازدواج شده است. مقاله حاضر موانع ازدواج جوانان را بررسی و راه‌های برون‌رفت از آن را پیشنهاد می‌کند. ازدواج امری جهانی است که در طول تاریخ در جوامع مختلف وجود داشته است. بقای نسل و پرورش فرزندان، تحقق آرزوی دیرین کودکی برای پدر و مادر بودن، دستیابی به عالی‌ترین سطح دوستی و صمیمیت در دوران جوانی و بزرگسالی و تقسیم کار و همکاری و همراهی در طول زندگی از اساسی‌ترین کارکردهای خانواده است. دین اسلام نیز بر اهمیت ازدواج تأکید فراوان دارد و ارضای غرایز جنسی را در حد نیاز واقعی نه‌تنها نفی نکرده، بلکه تشویق نیز کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ازدواج سنت من است؛ هرکسی از سنت من اعراض کند از من نیست» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۲۷۱)؛ یعنی اگر فردی با وجود داشتن شرایط، ازدواج نکند از پیروان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. ازدواج فقط نیاز جوانان نیست، بلکه نیاز اجتماع است. اگر جامعه‌ای بخواهد امنیت و سلامت خود را حفظ کند باید سنت ازدواج در آن برقرار شود تا هر فردی به آرامش برسد.

تحقیقات نشان می‌دهد در جامعه‌ای که افراد مجرد زیاد باشد آن جامعه با مشکلات فرهنگی و اخلاقی بسیاری روبه‌رو می‌شود. نتیجه تحقیق پژوهشگران این است که زنان و دختران بدون همسر و مجرد در جامعه از نبود امنیت خاطر کافی در زندگی، محل کار و تحصیل رنج می‌برند. همچنین اماکن عمومی، خیابان‌ها، مراکز خرید و تفریح برای زنان مجرد امنیت کمتری دارد؛ زیرا انواع مزاحمت‌ها، متلک‌ها و کنایه‌ها، تبعیض‌ها و تنگ‌نظری‌ها مانع آرامش و آسایش زنان مجرد است. (ناستی زائی، ۱۳۸۵، ص ۲) خداوند برای حفظ و تکامل انسان، غرایز و استعدادهایی در نهاد او قرار داده است. شهوت جنسی و تمایل انسان به جنس مخالف در زن و مرد یکی از این غرایز است. اگر از این غریزه به شکل متعادل و صحیح استفاده شود انسان در مسیر تکامل قرار می‌گیرد و نتایج سودمندی برایش به همراه دارد، ولی اگر از حد تعادل خارج شود و در مسیری غیر از فطرت و شریعتی که برای انسان معین شده است، قرار گیرد عواقب خطرناکی به دنبال خواهد داشت؛ زیرا غریزه جنسی از نیرومندترین و سرکش‌ترین غرایز انسان است که می‌تواند به‌تنهایی با سایر غرایز برابری کند. دستورات و قوانین اسلام بر مبنای فطرت بوده و در آن سعی شده است



غرایز و نیروهای طبیعی و شر در مسیر صحیح قرار بگیرد. اسلام برای کنترل غریزه جنسی و هدایت و گرایش طبیعی بین زن و مرد به پیوند مشروع میان آن دو اهمیت ویژه‌ای داده است. دختر و پسر باید با شناخت کامل با یکدیگر ازدواج کنند؛ زیرا هرنوع سهل انگاری و تصمیم شتاب زده در آینده باعث بروز مشکلات متعدد و پشیمانی بسیار می‌شود. دامنه این اشتباهات خانمان سوز نه تنها متوجه خود شخص می‌شود، بلکه باعث ازهم گسستگی و ایجاد خلل در جامعه نیز می‌شود.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. ازدواج

ازدواج در لغت به معنای جفت گرفتن، زن کردن، شوهر کردن، بایکدیگر جفت و قرین شدن، باهم جفت شدن است. (معین، ذیل واژه ازدواج) واژه دیگری که بر امر ازدواج دلالت دارد واژه نکاح است. نکاح در لغت به معنای تقابل و در اصطلاح به معنی رابطه حقوقی است که برای همیشه یا مدت معین به وسیله عقد مخصوص بین زن و مرد حاصل شده و به آنها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند (مسعودی، ۱۳۹۷، ص ۲۵). مهریه در لغت به معنای مقدار مال یا وجهی است که شوهر هنگام ازدواج یا پس از آن در عوض تمتع به زن می‌دهد و باید مقدار آن معلوم باشد (معین، ذیل واژه مهریه). در اصطلاح به مالی که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود، مهریه گویند (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۱۳۸).

### ۲-۲. جهیزیه

جهیزیه در لغت به معنای اسباب، رخت، اثاث و چیزهای دیگر است که عروس با خود به خانه داماد می‌برد. (عمید، ۱۳۶۳)

## ۳. اهمیت ازدواج

در مورد فلسفه ازدواج و اهمیت تشکیل خانواده همین بس است که خداوند آن را از نشانه‌های خود دانسته و می‌فرماید: «از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا در کنار آنان به سکون و آرامش برسید و بین شما دوستی و مهربانی و صمیمیت

قرار دارد. در آن کار نشانه‌هایی است برای افرادی که اهل فکر و اندیشه هستند». (روم: ۲۱)  
 خداوند در سوره بقره آیه ۱۸۷ می‌فرماید: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن؛ زن و شوهر مکمل،  
 متمم، زینت و حافظ آبرو و رازیوش یکدیگر هستند و هریک به دیگری نیاز دارند.» بنابراین، ازدواج  
 برای رشد همه‌جانبه شخصیت و سلامت جسمی و روانی فرد امری اجتناب‌ناپذیر است.

#### ۴. موانع ازدواج جوانان

نیاز زن و مرد به ازدواج و درکنار هم بودن، نیازی طبیعی و انکارناپذیر است. وقتی دختر و پسر به  
 سن بلوغ می‌رسند و گزینه جنسی به شدت هجوم می‌آورد تنها ازدواج می‌تواند کامل‌ترین و  
 بهترین پاسخ‌گو باشد، پس هرگاه در برابر پاسخ فطری طبیعت به گزینه جنسی مانعی ایجاد شود  
 مشکلات بزرگی به بار خواهد آمد. (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷)

#### ۴-۱. بیکاری

شاید بتوان گفت در جامعه امروزی، بیکاری جوانان مهمترین علت ازدواج نکردن است. پیدا  
 کردن شغل، آن هم متناسب با تحصیلات و ویژگی‌های دلخواه بسیار مشکل است به گونه‌ای که تا  
 جوان بخواهد به کار و منبع درآمدی دست یابد و سپس ازدواج کند به دهه سوم یا حتی چهارم  
 زندگی گام خواهد نهاد. بدون داشتن شغل نیز ازدواج بسیار مشکل‌آفرین خواهد بود. راه حل این  
 است که انسان هر کاری که خلاف شرع و عقل نباشد را بداند و با پیش گرفتن همان کار زندگی  
 را ادامه دهد. امروزه کشاورزی و دامداری در روستاها و گوشه‌وکنار کشور روبرو عقب‌گرد است.  
 بچه‌های روستا به شهر آمده و از کار کشاورزی و دامداری که بسیار شغل مقدسی است سر باز  
 می‌زنند و با داشتن مدرک تحصیلی این کارها را سبک می‌دانند. در پاسخ به این مسئله باید به  
 جوانان عرض کرد که هیچ‌کس خاک کف پای پیامبران الهی و اولیای گرامی اسلام نمی‌شود  
 درحالی که آنها هم دامداری داشتند و هم کشاورزی، پس روی آوردن به این امور کسر شأن نیست.  
 همچنین حیات و زندگی انسان به دامداری و کشاورزی بستگی دارد. بنابراین، انسان باید به دنبال  
 کسب معیشت حلال با استفاده از دسترنج خود باشد. (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲)

## ۴-۲. ادامه تحصیلات علمی

باعث خوشبختی و سعادت است که جوانان امروز به دنبال ادامه تحصیلات علمی هستند و به تحصیلات پایین اکتفا نمی‌کنند، اما باید توجه داشت که این عمل مثبت و پسندیده، نقاط منفی و ناپسندی را به دنبال دارد. متأسفانه در جامعه امروزی، این عمل خوب و پسندیده مسائل ناپسند و فاجعه‌باری به دنبال دارد که ناشی از اشتباهات و کج سلیقگی‌های افراد است. انسان امر مفید و کمال‌آفرین تحصیل و علم را به انحراف کشانده است. برای رسیدن به درجات عالی تحصیل، پسر و دختر باید تا حدود ۲۵ سالگی و حتی بالاتر تحصیل کنند و تحصیل کردن را با ازدواج و پذیرفتن مسئولیت زندگی مشترک مغایر می‌دانند. این مشکل و مانع مانند بسیاری از موانع دیگر بر سر راه ازدواج، مصنوعی و ساختگی است و با برنامه‌ریزی می‌توان به خوبی آن را برطرف کرد، بلکه می‌توان از ازدواج، نردبانی برای بالا رفتن و پیشرفت در تحصیلات و مدارج علمی ساخت. (مظاهری، ۱۳۸۰، ص ۶۴) تحصیلات علمی از شریف‌ترین اطاعت‌ها و عبادت‌های خداوند است که همسران می‌توانند یکدیگر را در این راه یاری کنند. به قول طلاب علوم انسانی آنها حتی می‌توانند با هم هم‌مباحثه باشند (مظاهری، ۱۳۸۰، ص ۶۵).

ازدواج، آرامش و تعادل روحی و فکری را برای زن و مرد به دنبال دارد که در موفقیتشان در تحصیلات علمی بسیار مؤثر است. دانشجویانی که می‌گویند: «باید صبر کنیم تا تحصیلاتمان را به جایی برسانیم و مدرک تحصیلی‌مان را بگیریم و آن‌گاه کار کنیم تا پولدار شویم و زندگی شخصی‌مان را روبه‌راه کنیم و سپس ازدواج کنیم» باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که با عقب‌انداختن ازدواج ممکن است دچار ناراحتی‌های روحی و جسمی شوند و پس از گذراندن آن مراحل، دیگر سلامتی، شادابی و حوصله‌ای نداشته باشند که زندگی سعادت‌مندان‌ای تشکیل دهند و از آن لذت و بهره ببرند. این مشکل در بین طلاب علوم انسانی کمتر است. بسیاری از طلاب با اینکه وضع مالی پایینی نسبت به سایر دانشجویان دارند، اما به موقع ازدواج می‌کنند و تحصیلاتشان را هم ادامه می‌دهند (مظاهری، ۱۳۸۰، ص ۶۴).

### ۳-۴. سنگ اندازی و اشکال تراشی بزرگ‌ترها و اطرافیان

احترام به پدر و مادر و اطاعت از آنها از واجبات بزرگ الهی است. رنجاندن، ناراحت کردن، بی‌احترامی و سرپیچی از اطاعتشان از حرام‌های بزرگ است. پدر و مادر، تجربه‌های فراوانی در زندگی دارند و خیر و صلاح فرزندان را بهتر از خودشان می‌دانند و هرچه درباره فرزندان می‌گویند و هر تصمیمی می‌گیرند و هر عملی که انجام می‌دهند از روی خیرخواهی، صلاح‌اندیشی، تجربه و دلسوزی است. هیچ‌کس به اندازه پدر و مادر، خیرخواه و دلسوز فرزند نیست. جوانان و نوجوانان دختر و پسر باید به خیرخواهی، دلسوزی، صلاح‌دید و نظرات والدین توجه کرده و از تجربیات آنها در امر ازدواج استفاده کنند. ممکن است آنچه پدر و مادر عاقل و فهمیده در خشت می‌بینند فرزندان نوجوان در آینه نبینند. در برخی موارد متأسفانه پدر، مادر، بزرگ‌ترها و اطرافیان یا از روی خودخواهی و هوای نفس و یا از روی جهل و نادانی، تیشه به ریشه فرزندان، نوجوانان و جوانان می‌زنند و با کج‌سلیقگی و بهانه‌های خلاف عقل و شرع و اعمال نظرهای غلط و دخالت‌های بی‌جا بر سر راه آنها سنگ اندازی می‌کنند و باعث بدبختی و تباهی آنها می‌شوند. این افراد در امر ازدواج و انتخاب همسر نیز باعث به وجود آمدن مشکلات فراوانی برای نوجوانان و جوانان شده و گاهی باعث بدبخت شدن آنها برای یک عمر می‌شوند. برای مثال نظرات غلط خود را بر فرزندان تحمیل کرده و آنها را مجبور می‌کنند تا با کسی که خودشان انتخاب کرده‌اند، ازدواج کنند درحالی که فرزندان راضی به آن ازدواج نیستند. خواستگاران را براساس سلیقه خود می‌سنجند و بدون توجه به نظر فرزند هرکه را خواستند قبول یا رد می‌کنند، وقتی همسر مناسبی برای فرزندشان پیدا می‌شود با بهانه‌ها و شروط ناحق و توقعات نامشروع مانع انجام ازدواج و پیوند میان آنها می‌شوند.

(مظاهری، ۱۳۸۰، ص ۷۲)

### ۴-۴. سربازی

سربازی رفتن پسران مانعی برای ازدواج نیست و حمایت والدین در دوره کوتاه سربازی به آنها کمک می‌کند. مرد در دوران سربازی در محل سکونت خود و همسرش خدمت خواهد کرد و

حقوق سربازی او نیز دوبرابر می‌شود. گاه می‌توان با توافق همسر، مراسم عروسی را تا پایان دوران خدمت سربازی به تعویق انداخت. (آیت‌اللهی، ۱۳۹۲، ص ۵۲)

#### ۴-۵. وجود برادران و خواهران بزرگ‌تر

این مشکل مبنای عقلی و شرعی ندارد. اگر برادر یا خواهر بزرگ‌تر به هر دلیلی ازدواج نکرده است، لزومی ندارد که خواهر یا برادر کوچک‌تر که شرایط ازدواج را هم دارد ازدواجش را به تأخیر بیندازد. جوانان و والدین هرگز نباید به این مسئله اعتنا کنند و آن را مشکل بدانند، بلکه باید چنین سنت‌های غلطی را بشکنند و باعث بدبختی و تباه شدن آینده خود نشوند.

#### ۴-۶. سن ازدواج

اگر رشد فکری دختر و پسر به میزان مناسبی که برای زندگی مشترک به آن نیاز دارند، باشند نباید ازدواج آنها به تأخیر بیفتد. ازدواج در اوایل جوانی سبب می‌شود تا افراد از نعمت‌ها و برکات ازدواج زودتر بهره‌مند شوند و پیش از آنکه شخصیت آنها قالب محکمی پیدا کند درکنار یکدیگر رشد کنند. کم سن بودن باعث انعطاف‌پذیری، گذشت و نشاط روحی بیشتر به همراه توقعات پایین‌تر، آسیب‌پذیری کمتر، سازگاری بیشتر با همسر و آرامش بیشتر زندگی خواهد شد، البته تجربه و پختگی برای افراد مسن‌تر، مزیتی برای زندگی مشترک است. بالا رفتن سن موجب کسب تجربه بیشتر می‌شود و در نتیجه زندگی، آرامش بیشتری خواهد یافت. درباره نگرانی از بارداری خانم‌ها در سن بالا نیز باید توجه داشت که خانم‌ها تا پس از چهل سالگی هم باردار می‌شوند. علاوه بر آن چه بسا افرادی در سنین پایین نیز از موهبت بچه‌دار شدن محروم هستند، اما آرامش را در زندگی مشترک خود تجربه می‌کنند. (آیت‌اللهی، ۱۳۹۲، ص ۵۲)

#### ۴-۷. اختلاف در تحصیلات

اختلاف سطح تحصیلات دختر و پسر هم می‌تواند مانعی برای ازدواج باشد درحالی‌که اگر سطح تحصیلات پسر پایین‌تر از سطح تحصیلات دختر باشد او می‌تواند همسر شایسته‌ای باشد به شرط آنکه فهمیدگی و پختگی لازم برای پذیرش مسئولیت مدیریت خانواده را داشته باشد، دوست‌دار

دانش باشد و مانع تحصیل همسرش نشود، ویژگی برتری از نظر شغل یا اطلاعات عمومی یا سطح خانوادگی یا... داشته باشد، زن توان پذیرش مدیریت شوهری با تحصیلات کمتر را داشته باشد. (آیت‌اللهی، ۱۳۹۲، ص ۵۰)

#### ۴-۸. مسکن

کمبود مسکن یکی از موانعی است که باعث به تأخیر افتادن ازدواج جوانان شده است. سؤال معمولی که خانواده عروس پس از دانستن شغل داماد می‌پرسند این است که آیا خانه شخصی دارد یا نه. آیا قدرت پرداخت اجاره منزل مستقل را دارد یا نه، البته مسئله مسکن جزو مشکلات مهم قشر وسیعی از مردم است و با اینکه هرساله تعدادی منزل به وسیله افراد یا شرکت‌های خصوصی یا نهادهای وابسته به دولت ساخته می‌شود، ولی به هر حال عرضه به اندازه تقاضا نیست و همواره کمبود داشته و دارد. همچنین باتوجه به اینکه نیمی از کشور جوان هستند و به تدریج بزرگ می‌شوند و به سن ازدواج می‌رسند پیش بینی می‌شود که در آینده مشکل مسکن به ویژه در جمعیت شهرنشین شدیدتر شود. باتوجه به اینکه در اثر تورم شدید، قیمت خانه‌ها بالا رفته و قشر وسیعی از مردم کم درآمد و کارمند و حقوق بگیر، توان تهیه منزل و ملکی را نخواهند داشت ناچار به منازل اجاره‌ای روی می‌آورند و اجاره خانه‌ها هم بالاتر خواهد رفت به گونه‌ای که پرداخت اجاره منزل هم برای قشر کم درآمد بسیار دشوار خواهد بود. هم اکنون یک کارمند معمولی و یک کارگر ساده نیمی از درآمد خود را باید بابت اجاره منزل می‌پردازد. بنابراین، دولت باید در حل این مشکل به یک اقدام اساسی دست بزند و اقدامات لازم را انجام دهد. درست است که خانه مستقل و اختصاصی بهتر از منزل مشترک و اجاره‌ای است، اما نه در حدی که اگر توان تهیه آن را نداشتند ازدواج را ترک کرده و یا به تأخیر اندازند. زمان سابق چند خانوار در یک منزل زندگی می‌کردند و هرکدام یک اتاق داشتند و یک اتاق را به طور مشترک برای مهمانداری می‌گذاشتند. خانه برای سکونت است نه برای تشریفات و خودنمایی. خوشبختانه دولت در طرح بودجه جدید به مشکل مسکن نیز عنایت داشته و مبلغ وام مسکن را اضافه کرده است، ولی به نظر می‌رسد

به این صورت مشکل مسکن حل نمی شود. (امینی، ۱۳۹۰) گویا حل اساسی مشکل مسکن جز با تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختن خانه‌های کوچک و ارزان قیمت به طور انبوه برای فروش و اجاره امکان‌پذیر نیست که این هم نیاز به تأمین امنیت اقتصادی دارد و نیز همکاری جدی شهرداری‌ها، اداره برق، آب و فاضلاب، سازمان مسکن و شهرسازی و دیگر نهادهای مربوط را می‌طلبد (امینی، ۱۳۹۰).

#### ۴-۸-۱. راه حل درازمدت

باید طرح‌های وسیع و فراگیری در کل جامعه برای حل این معضل بزرگ ریخته و اجرا شود.

#### ۴-۸-۲. راه حل کوتاه‌مدت

##### اول) سکونت موقت در منزل والدین

در صورت امکان، عروس و داماد برای مدتی در منزل والدین یکی از آنها ساکن شوند تا منزل جداگانه‌ای تهیه کنند، اما باید توجه داشت که اگر بدانند این سکونت باعث دعوا، نزاع، توهین و تحقیر می‌شود به هیچ وجه صلاح نیست در آن خانه ساکن شوند یا بمانند.

##### دوم) اجاره‌نشینی

اجاره‌نشینی امری معمولی و رایج در کل جهان است. در بسیاری از جوامع و کشورهای خارجی آمار اجاره‌نشینی بیش از کشور ایران است. جوانان می‌توانند یک منزل ارزان و ساده را اجاره و تاحدی سختی اجاره‌نشینی را تحمل کنند تا خانه‌دار شوند. (امینی، ۱۳۹۰)

#### ۴-۹. باورهای نادرست

برخی از باورهای غلط در زمینه ازدواج عبارتند از:

- ترس از محدود شدن آزادی‌های دوران مجردی حال آنکه ازدست دادن برخی از آزادی‌های دوران مجردی بهای رشد و آرامش گران‌بهایی است که در دوران تأهل به دست می‌آید. برای اینکه حس عدم آزادی به وجود نیاید، بهتر است طرح تازه‌ای برای روابط با دوستان در نظر گرفته شود. این کار از یک سو فضای جدیدی به وجود می‌آورد و از سوی دیگر از روابط دوره مجردی نیز در حد

تبادل استفاده می‌شود. هنگام انتخاب همسر، نظر وی در مورد آزادی‌های دوران مجردی و حفظ مواردی که مهم است، سؤال شود تا در این زمینه تفاهم مشخص شود؛

- ترس از مشکلات زندگی حال آنکه نباید یاری خداوند را فراموش کرد. یادآوری سابقه پیروزی بر مشکلات باعث افزایش امید و در نتیجه کاهش ترس می‌شود. مشورت با افراد موفق در زندگی برای کاهش ترس از مواجهه با مشکلات زندگی مشترک بسیار مؤثر است. در انتخاب شریک زندگی باید به توانایی وی در حل مشکلات و تلاش برای مبارزه با آنها دقت شود. مشکلات و سختی‌ها با یاری خدا تمام می‌شود و اینکه پس از ازدواج برای حل مشکلات، همراهی به نام همسر وجود خواهد داشت؛

- مقایسه با دیگران: راز یک انتخاب صحیح، تناسب زن و مرد با یکدیگر است نه تناسب با دوستان و آشنایان. مقایسه خود با دیگران نتیجه‌ای جز یأس یا بالا رفتن توقعات ندارد. بنابراین، هرکس باید خود را فقط با توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود مقایسه کند تا با رسیدن به سطحی از خودشناسی، تصمیم بهتری برای ازدواج بگیرد. مقایسه فرصت‌های ازدواج خود با سایر افراد (دوستان، فامیل و...) گاه به بهای ازدست دادن موقعیت‌های مناسبی تمام می‌شود که هرگز قابل برگشت نیست. (آیت‌اللهی، ۱۳۹۲، ص ۵۵)

#### ۴-۱۰. مشکل در انتخاب همسر

یکی از مشکلات جوانان در ازدواج، مشکل در انتخاب همسر است. اینکه چه شخصی را با چه معیارها و خصوصیاتی برای همسر آینده خود انتخاب کنند. این مشکل مسئله‌ای حقیقی بوده و کذب نیست و صدها مسئله بسیار مهم است و جوانان و نوجوانان با آن مواجه هستند که اگر به آن توجه نشود مشکلات فراوانی برای آینده و زندگی آنها به وجود می‌آورد که قابل جبران نیست.

#### ۴-۱۰-۱. مشکلات طبیعی

پس از بررسی و حل مشکلات و موانعی که بیان شد برخی مشکلات باقی می‌ماند و باید گفت که تکلیف اینها چیست. جواب اینکه محال است که در این دنیا و در زندگی خانوادگی و در کل



مسائل و امور مربوط به جامعه هیچ مشکلی وجود نداشته باشد. بعضی از مشکلات نه تنها معضل نیست، بلکه برای یک زندگی پویا و درحال تکامل لازم است. این از حکمت خداوند است که زندگی در دنیا با مشکلات و سختی‌ها همراه است و چه بسا گاهی این مشکلات زندگی را شیرین‌تر می‌کنند.

#### ۴-۱۰-۲. آداب دست‌وپاگیر

یکی از موانع پیش‌روی دختر، پسر و والدین در امر ازدواج آداب و سنت‌هایی است که در جامعه نفوذ کرده و باعث پیدایش مشکلات زیادی شده است و مانند یک واجب و فریضه نه تنها نقض آن را جایز نمی‌دانند بلکه ضددینی می‌پندارند. متأسفانه به دلیل اینکه این سنت‌ها رنگ مذهبی به خود گرفته و در همه مراحل ازدواج گریبان‌گیر خانواده‌هاست پیمودن راه را دشوار می‌کند. تشریفات سنگین در شب خواستگاری و روز عقد، روز جشن و روز عروسی دعوت از تعداد زیاد میهمان، خرید طلا برای زن با بهای بسیار گزاف، خرید برای داماد، بعضی از سنت‌های محلی و لازم‌الاجرا و... از سنت‌های ناپسندی است که متأسفانه هنوز رواج دارد. بیشتر این آداب و سنت‌ها تنها به بهانه چشم‌وهم‌چشمی با دیگران برای روسفید شدن نزد همسایه‌ها، خویشاوندان و دوستان صورت می‌گیرد. رعایت این آداب محبت می‌آورد و بر بیهودگی آن سرپوش می‌گذارد. برای نمونه خرید طلاهای هنگفت را نشانه محبت و اظهار علاقه داماد و خانواده‌اش به عروس می‌دانند درحالی‌که گاهی بهای این طلاها از کل حقوق سالانه جوان تازه‌داماد بیشتر است. این آداب و سنت‌ها علاوه بر اینکه ریشه اخلاقی و انسانی ندارد ریشه شرعی و مذهبی نیز ندارد؛ زیرا در مراسم ازدواج بزرگان دین اسلام هیچ‌کدام از این موارد دیده نمی‌شود. مراسم ازدواج بهترین مرد و زن جهان یعنی، حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام به سادگی بسیار انجام شده است و چنین سنت‌های دست‌وپاگیری وجود نداشت (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰).

#### ۴-۱۰-۳. توکل نداشتن بر خداوند

برخی افراد شرایط اولیه برای ازدواج را دارند، اما مشکلاتی مانند گرانی و هزینه‌های بالای زندگی را مطرح می‌کنند. این مسئله نشان می‌دهد که آنها به خداوند توکل ندارند و از فضل الهی ناامید هستند. این مسئله آفت بزرگی است. خداوند در آیه ۳۲ و ۳۳ سوره نور می‌فرماید: «بی‌همسران خود و... را همسر دهید. اگر تنگ دستند خداوند آنها را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد» (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳).

#### ۴-۱۰-۴. ایده‌آل‌گرایی افراطی

این مانع چند جنبه دارد و متأسفانه روزبه‌روز در حال گسترش است. گاهی این بهانه‌جویی از سوی پسر و دختر و گاهی از سوی والدین آنها و گاهی به دلیل وضعیت اجتماعی خانواده‌ها صورت می‌گیرد. در این حالت هر شخصی می‌کوشد با همسری ازدواج کند که تمام ایده‌آل‌های او را داشته و هیچ‌گونه کمبود و اشکالی نداشته باشد. کوتاهی یا بلندی قد، پایین بودن میزان تحصیلات، نداشتن خانه، زندگی با مادر شوهر، شهرستان بودن، ناشناخته بودن در میان خویشاوندان و... برای دختر و پسر بهانه‌گیر، دست‌آویز خوبی برای رد خواستگار یا نرفتن به خواستگاری است. اگرچه دقت در شخصیت و ویژگی‌های اجتماعی، اعتقادی و تناسب تحصیلات در انتخاب همسر آینده اهمیت دارد، اما مانع مهم، دیدن هزار نکته باریک‌تر از مو در طرف مقابل است. در برخی موارد مدل لباس و مو، شخص را از ازدواج بازمی‌دارد. این درحالی است که باید دانست ازدواج براساس طبیعت انسان و دستور شرع، امری ضروری است. چه بسا دخترانی هستند که خواستگاران فراوانی دارند، ولی به دلیل نیافتن صددرصد ایده‌آل خود باوجود گذشتن چند دهه از عمرشان به ازدواج تن نمی‌دهند. چاره کار کم کردن سطح توقع‌ها و چشم‌داشت‌ها در ازدواج است و جنبه‌های، مالی، زیبایی و... نقشی فرعی داشته باشند نه اصلی. (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸)

#### ۴-۱۰-۵. جهیزیه‌های سنگین

این مسئله نیز یکی از مشکلات و موانع ازدواج در جامعه کنونی است. اسباب و اثاثیه‌ای که باید در آغاز زندگی مشترک مشکل‌گشای دو جوان باشد متأسفانه خود به مشکلی تبدیل شده که تنها با صرف هزینه‌های فراوان و به‌زانو درآمدن سرپرست خانواده در زیر فشار اقتصادی آن گشودنی است. نخستین اندیشه پدر و مادر دختر هنگام آمدن خواستگار این است که چگونه هزینه جهیزیه دخترشان را فراهم کنند. اگر این توانایی را در خود نمی‌بینند به‌ناچار دختر باید در خانه بماند و شوهر نکند تا خداوند دری بگشاید. متأسفانه بیشتر این اسباب و اثاثیه‌های اضافی برای رفع مشکلات دو زوج جوان نیست، بلکه برای آن است که تعداد ماشین‌هایی که جهیزیه دختر را می‌برند به اندازه یا بیشتر از ماشین‌های جهیزیه دختر فلان همسایه یا فلان خویشاوند باشد. (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱)

#### ۴-۱۰-۶. اجبار در همسرگزینی

در برخی موارد پدر و مادر پسر یا دختر در ازدواج فرزندشان چنان مستبدانه برخورد می‌کنند و می‌خواهند نظر خود را به کرسی بنشانند که جوان پس از مدتی میل به ازدواج را از دست می‌دهد و از ازدواج دلسرد می‌شود. (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳)

#### ۴-۱۰-۷. چشم‌وهم‌چشمی

بیشتر آداب، رسوم و مراسم‌های مربوط به خواستگاری، عقد و عروسی نتیجه همین بلای اجتماعی است. چشم‌وهم‌چشمی بر رفتار بیشتر خانواده‌ها در امر ازدواج تأثیر می‌گذارد و کار ازدواج را بیش از پیش دشوار، پرهزینه و پیچیده می‌کند. (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳)

### ۵. ثواب کمک به ازدواج جوانان

#### ۱-۵. برابر با یک سال عبادت

پیامبر ﷺ فرمود: «هرکس در راه به ازدواج درآوردن دو مؤمن بکوشد تا آن‌دورا به هم برساند خداوند هزار زن از حورالعین به همسری وی درمی‌آورد که هر زنی در کوشکی از در و یا قوت است و برای هر قدمی که در

این راه برمی‌دارد یا برای هر سخنی که در این راه می‌گوید عمل یک‌سال [عبادت] که شب‌های آن را به نماز بگذراند و روزهایش را به روزه‌داری، برایش نوشته می‌شود». (صدوق، ۱۳۶۸، ص ۳۴۰)

## ۲-۵. قسمت شدن حورالعین

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ امْرَأَةً يَأْتِسُ بِهَا وَتَشُدُّ عَضْدَهُ وَيَسْتَرِيحُ إِلَيْهَا، زَوْجَهُ اللهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَأَنْسَهُ بِمَنْ أَحَبَّ مِنَ الصَّدِيقِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ وَإِخْوَانِهِ وَأَنْسَهُمْ بِهِ؛ هرکس برادر مؤمن خود را به ازدواج زنی درآورد که همدم و کمک یار و مایه آسایش او باشد خداوند از حورالعین به همسری وی درمی‌آورد و او را با هریک از صدیقان اهل بیت پیامبرش که دوست داشته باشد و برادرانش مأنوس می‌کند و آنان را هم با او همدم می‌گرداند». (مجلسی، ۱۳۱۵، ۳۶۴/۷۵)

## ۳-۵. شامل نظر لطف الهی شدن

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «مَنْ زَوَّجَ أَعْرَبًا، كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هرکس بی‌همسری را همسر بدهد از کسانی است که خداوند عزوجل در روز قیامت به او نظر [لطف] می‌افکند». (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۱۶۱۷)

## ۴-۵. در سایه عرش الهی قرار گرفتن

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «ثَلَاثَةٌ يَسْتَنْظِلُونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ؛ سه کس هستند که در آن روزی که سایه‌ای جز سایه عرش خدا نیست در سایه عرش خدایند: مردی که برادر مسلمانش را همسر بدهد یا به او خدمت کند و یا رازی از او را پوشیده بدارد». (مجلسی، ۱۳۱۵، ص ۳۵۶)

## ۶. گناه تأخیر در ازدواج

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هرکس فرزندش به سن ازدواج برسد و توان ازدواج دادن او را داشته باشد [ولی این کار را نکند] و از فرزندش لغزشی سرزند گنااهش به گردن اوست». (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴، ۴۸۶/۳)

در تورات آمده است: هرکس دخترش به دوازده‌سالگی

برسد و شوهرش ندهد و او گناهی مرتکب شود گناهش به گردن آن [پدر] است». (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴، ۱۲۳/۴) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «خداوند عزوجل هر چیزی را که مورد نیاز [انسان] باشد به پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آموخته است. از جمله چیزهایی که به پیامبرش آموخت این است: روزی آن حضرت بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! جبرئیل، از سوی خدای لطیف آگاه نزد من آمد و فرمود: «إِنَّ الْأَبْكَارَ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَى الشَّجَرِ؛ إِذَا أُدْرِكَ ثَمَرُهُ فَلَمْ يُجْتَنَ أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَنَزَّتْهُ الرِّيحُ، وَكَذَلِكَ الْأَبْكَارُ إِذَا أُدْرِكَ مَا يُدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ، وَاللَّامُ يُؤْمَنُ عَلَيْهِنَّ فَالْفَسَادُ لِأَنَّهُنَّ بَشَرٌ؛ دوشیزگان به سان میوه‌ای بر درختند که هرگاه میوه‌اش برسد و چیده نشود آفتاب آن را تباہ می‌گرداند و باده‌ها پراکنده‌اش می‌سازد. دوشیزگان نیز چنینند. هرگاه به مرحله‌ای برسند که زنان می‌رسند (سن بلوغ) برایشان دارویی جز شوهر کردن وجود ندارد و گرنه از فساد در امان نیستند؛ زیرا آنان هم بشرند» (طوسی، ۱۳۶۵، ۳۹۷/۷).

## ۷. نتیجه‌گیری

ازدواج نوعی تکامل روانی و عاطفی برای انسان به‌ارمغان می‌آورد؛ زیرا هیچ انسانی به‌تنهایی کامل نیست. به‌همین دلیل پیوسته برای جبران نقص و کمبود خود تلاش می‌کند. انسان با قرار گرفتن در کانون زندگی مشترک در سایه انس، مودت، محبت و روابط نزدیک و صمیمانه، مستقل شده و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند. زندگی برایش هدف‌دار شده و ثمرات کسب و کار و تلاش خود در خانواده نوپنیا خود بهره می‌گیرد. دختر و پسری که قصد ازدواج دارند باید با شناخت کامل از یکدیگر و عوامل راهزن در امر ازدواج اقدام به شروع زندگی کنند؛ زیرا هر نوع سهل‌انگاری و تصمیم شتاب‌زده در آینده باعث بروز مشکلات متعدد و پشیمانی بسیار می‌شود. دامنه این اشتباهات خانمان‌سوز نه‌تنها متوجه خود شخص می‌شود، بلکه باعث ازهم‌گسستگی و ایجاد خلل در جامعه نیز می‌شود. از سوی دیگر برخی عوامل باعث شده تا جوانان قبل از ورود به ازدواج از تن دادن به این امر منصرف شوند که عبارت است از: عدم لحاظ کفویت، عدم توجه به ملاک دیانت و امانت و اخلاق، عدم وساطت در ازدواج، رواج فساد و بی‌بندوباری، ازدواج ناهنگام،

مشکلات مالی و... که البته با ارائه راهکارهایی مثل انفاق به مستمندان در امر ازدواج، ازدواج به‌هنگام، جلوگیری از فساد، واسطه‌گری در ازدواج و... می‌توان تا حدودی مشکل ازدواج جوانان را حل کرد. (رضایی، ۱۳۹۷، ص ۱۴)

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: انتشارات پیام عدالت.
۱. آیت‌اللهی، زهرا، و دیگران (۱۳۹۲). دانش خانواده و جمعیت. قم: نشر معارف.
  ۲. امینی، ابراهیم (۱۳۹۰). ازدواج، موانع و راه‌حل‌ها. قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه).
  ۳. حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۸). پیوند آسمانی: ازدواج از دیدگاه قرآن و عترت. قم: انتشارات مهدی نراقی.
  ۴. رضایی، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی موانع و راهکارهای ازدواج آسان از منظر اسلام. نشریه پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، سال اول، شماره ۱، ۳۵-۴۹.
  ۵. صدوق، محمد بن بابویه (۱۳۶۸). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. ناشر: رضی.
  ۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
  ۷. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
  ۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن.
  ۹. کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین (۱۳۸۴). الفردوس الاعلی. قم: دارانوارالهدی.
  ۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵). بحارالانوار. قم: دارالکتب اسلامیه.
  ۱۱. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
  ۱۲. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۷). فقه الحدیث (کاربردهای اجتماعی، آداب معاشرت). قم: دارالحدیث.
  ۱۳. مظاهری، علی‌اکبر (۱۳۸۰). جوانان و انتخاب همسر. قم: پارسایان.
  ۱۴. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.
  ۱۵. ناستی‌زایی، ناصر (۱۳۸۵). موانع ازدواج دختران. نشریه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، شماره ۱۲، ۹۱-۱۰۸.

## واکاوی حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در آموزه‌های اسلامی

مبینا بتول حمودی<sup>۱</sup>، مرضیه سادات سجادی<sup>۲</sup>

### چکیده

نظام حقوقی اسلام به‌گونه‌ای طراحی شده است که دربردارنده تمام حقوق انسانی افراد از جمله زن و مرد است. در این نظام زنان حقوق اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، عبادی و معنوی خاص خود را دارند. کرامت زن درکنار کرامت مرد، حرمت زن درکنار حرمت مرد و کمال او درکنار کمال مرد ذکر شده است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، تفاوتی در حقیقت و ماهیت زن و مرد نیست. در آیات قرآنی نیز هرگاه از کمالات و ارزش‌های والای انسانی سخن به میان می‌آید. پژوهش حاضر حقوق سیاسی و اجتماعی زن را بررسی می‌کند و به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام چیست. ابزار کار، استفاده از متن قرآن مجید، سنت معصومین علیهم‌السلام و کتب فقهی و حقوقی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان از نظر سیاسی حق آزادی بیان، بیعت، مشارکت سیاسی و حق جهاد در شرایط خاص و از نظر اجتماعی، حق ازدواج، انتخاب همسر، حق وکالت در طلاق و حق شهادت را دارند.

**واژگان کلیدی:** زن، حقوق سیاسی، اسلام، بیعت، جهاد، آزادی بیان، امر به معروف، حقوق اجتماعی.

---

<sup>۱</sup>. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی رشته مطالعات زنان از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: mobina.2887942@gmail.com :

<sup>۲</sup>. استادیار گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Ms. sajjadi@miu.ac.ir

ORCID ID: 0000-0001-7118-7093

جایگاه زنان در عصر نزول اسلام جایگاه درخور و شایسته‌ای نبود. براساس دیدگاه برخی نویسندگان، زنان در پیش از اسلام در حکم متاع و کالا و جزو دارایی پدر یا شوهر بودند. نظرهای تحقیرآمیز نسبت به زنان شایع بود از جمله: زن از مایه‌ای پست‌تر از مرد آفریده شده، مقدمه وجود مرد است و برای او آفریده شده است. با ظهور اسلام و برقراری پرچم عدل الهی، زنان نیز مانند مردان حقوق مادی و معنوی داشتند. اسلام دین مساوات است و تنها معیار و شاخص برتری افراد را ایمان و تقوا می‌داند. اینکه زن در اسلام چه جایگاهی دارد بر این مبتنی است که انسان در قرآن چه جایگاهی دارد؛ زیرا قرآن فقط برای هدایت و کمال مرد نیامده، بلکه برای هدایت همه انسان‌ها و عرب و عجم آمده است. خداوند می‌فرماید: «هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» (بقره: ۱۸۵). وقتی بحث کرامت و ارزش انسانی مطرح می‌شود پاسخ اسلام این است که جان، مال، دیدگاه و عقیده همه از زن و مرد محترم و محفوظ است. در پیش از اسلام با زنان مانند حیوان برخورد می‌شد و زنان از بدیهی‌ترین حقوق اولیه خود محروم بودند، اما در فرهنگ اسلامی، زن مانند مرد، مخلوق خدا و جانشین او در زمین مورد توجه و احترام بوده و همه موظف هستند این حرمت را همواره پاس نگه دارند. حقوقی که زن و مرد در آن یکسان هستند همان حقوق اجتماعی زن در اسلام است و در این مورد هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست. اسلام با انقلاب اجتماعی و فرهنگی خود برای نخستین بار حقوق واقعی زن را که در طول تاریخ از آن محروم بوده است به او برگرداند. این امر چهارده قرن قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد بود. در اسلام، مساوات و برابری زن و مرد اصل است؛ یعنی زن و مرد به حکم انسان بودن باهم برابر هستند و براساس این قاعده، اصل مساوات در روابط آنها حکم فرماست مگر آنکه بنا به مصلحت خود آنها استثنایی وارد شده باشد. این اصل از نظر اعطای حقوق زن و به رسمیت شناختن آن اصل بسیار مهمی است. اسلام حقوق اقتصادی، سیاسی، قضایی، اجتماعی و دیگر حقوق زن را که در طول تاریخ، سنت‌ها و آداب و رسوم اجتماعی آن‌را خاص مرد می‌دانست به وی بازگرداند و مساوات و تعادل به هم خورده را دوباره برقرار کرد.



## ۲. مفهوم‌شناسی

حق در لغت به معنای عدالت، ثابت، راستی، یقینی که در آن جای تردید و انکار نباشد، شایسته و سزاوار، راستی در گفتار، مال، ملک و سلطنت، بهره و نصیب، ثبوت، امر صورت پذیرفته و انجام شده، امتیاز باری تعالی، قرآن، امر مقضی و انجام شده، صالحیت، کار حتمی و قطعی و واقع‌شدنی، گفتار حق و مطابق با واقع، امر نبی ﷺ و صفت خدا آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ص ۲۵۵) در لغت معانی متعددی برای واژه حق به کار رفته است، اما از بین آنها معانی مطابق با واقع بودن، سلطنت، ثبوت و همچنین ثابت که معنای وصفی دارد ظهور و نمود بیشتری دارد. امروزه واژه حقوق کاربردهای متفاوتی دارد. این کاربردها و معانی گوناگون اگرچه با یکدیگر بی‌ارتباط نیستند، اما از بعضی جنبه‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. در این مورد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حقوق به معنای دستمزد. حق الزحمه‌ای که افراد به صورت ماهانه از دولت دریافت می‌کنند را حقوق گویند؛

- حقوق مجموعه مقرراتی است که بر روابط افراد یک جامعه در زمان معین حکم فرماست. حقوق، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آن هستند و دولت ضمانت اجرای آن را برعهده دارد. تمام جوامع انسانی از دوران ماقبل تاریخ تا امروز به نوعی با این الزام‌های حقوقی همراه بوده‌اند. در این معنا از نظر اسلامی واژه شرع و شریعت به کار می‌رود چنان‌که می‌گویند: «شرع موسی ﷺ یا شرع اسلام»؛ زیرا از دیدگاه اسلام منشأ حق، خداوند متعال است. حقوق عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که ازسوی خداوند برای برقراری نظم، قسط و عدل در جامعه بشری تدوین شده است تا سعادت جامعه را تأمین کند (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۷۵). حقوق در این معنا جمع حق نیست، بلکه با آن مانند کلمه‌ای مفرد معامله می‌کنند گویا مجموعه احکام و مقررات حاکم بر یک جامعه را یک واحد اعتباری دانسته و نام حقوق بر آن نهاده‌اند. حقوق در این معنا با قانون مرادف است. برای مثال به جای حقوق اسلام یا حقوق روم می‌توان گفت: «قانون اسلام یا قانون روم» (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۲۴). حقوق، جمع کلمه حق است. بنابراین، حقوق به معنای امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد یک

جامعه است که گاه از آن به حقوق فردی تعبیر می‌شود مانند حق حیات، حق مالکیت، حق ابوت، حق بنوت و حق زوجیت (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۴۳/۱). حقوق به معنای علم حقوق و منظور از آن، دانش حقوق است که در مقابل سایر علوم و دانش‌ها به کار می‌رود مانند علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی. در اسلام در این معنا واژه فقه را به کار برده‌اند.

برخی حق را در اصطلاح حقوقی چنین تعریف کرده‌اند: «حق، امری است اعتباری که برحسب آن، شخص یا گروه خاصی قدرت قانونی پیدا می‌کند که نوعی تصرف خارجی در شیء یا شخص دیگر انجام دهد و لازمه آن، امتیازی برای ذی حق بر دیگران و اختصاص متعلق حق به وی است.» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱، ص ۵۲) در کلام فقها مانند شیخ انصاری، حق به توانایی و سلطنت فعلی قائم به دو طرف تعریف شده است. ایشان معتقد هستند که ممکن نیست من له الحق و من علیه الحق، شخص واحدی باشد. برخلاف ملک که نسبت میان مالک و مملوک نیازی به من یملک علیه ندارد (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۲۰). جواد تبریزی معتقد است که حق، نسبت خاص و سلطنت مخصوصی است که به دو طرف من له الحق و من علیه الحق استوار است. من له الحق بر من علیه الحق سلطه دارد. (تبریزی، ۱۳۷۴، ص ۱۰) حق در اصطلاح فقهی به معنی سلطنت است: «من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا؛ هرکس مظلوم کشته شود برای وارثش تسلطی قرار داده‌ایم» (اسراء: ۳۳). مراد از سلطنت در این آیه، سلطنت و امتیازی است که ولی دم در قصاص از قاتل و یا گرفتن دیه از او می‌تواند اعمال کند. همچنین است وقتی گفته می‌شود فرد، حق خیار دارد و مقصود، سلطنتی است که صاحب حق بر فسخ معامله پیدا می‌کند. در حق شفعه، حق ارث، حق نفقه و مانند آن مراد سلطنتی است که صاحب حق به سبب شراکت یا وراثت یا زوجیت و امثال آن به دست می‌آورد. بنابراین، می‌توان گفت وقتی فقها در ابواب مختلف فقهی از حق سخن می‌گویند حق به معنای سلطنت است.

حق در دو ترکیب حق بودن و حق داشتن به کار می‌رود. مراد از حق در نوشتار حاضر اصطلاح مورد نظر در ترکیب حق داشتن است مثل حق حیات، حق مالکیت، حق رأی و حق انتخاب همسر داشتن نه ترکیب حق بودن. اسلام حقوق افراد در اجتماع را مهم می‌داند و برای احقاق

حقوق افراد آنها را ذکر و به این نکته تأکید می‌کند که جامعه مدنی برای رشد و سعادت خود به حقوق اجتماعی محتاج است و تشکیل جامعه مدنی مستلزم رعایت حقوق اجتماعی است. قوانین بین‌المللی نیز برای احقاق این حقوق تلاش کرده و قوانینی را وضع کرده‌اند تا تمام نیازهای یک جامعه تأمین شده و حقوق اساسی انسان‌ها تزییع نشود و انسان در پرتو رعایت این قوانین و قواعد به آرمان‌های خود دست یابد. هرچند هیچ تعریف معین و همگانی از حقوق اجتماعی وجود ندارد، ولی می‌توان گفت که حقوق اجتماعی، مجموعه حقوق فرد در پیوند با اجتماع است. (خاتون، ۱۳۹۸، ص ۴۳)

### ۳. جایگاه حقوقی زن در جاهلیت

گزارشی که از وضعیت زن در جامعه عرب جاهلی به دست رسیده گزارشی تاریک و اسفناک است. آیات قرآن نیز این دیدگاه را نسبت به عصر جاهلیت تأیید می‌کند. مرد در جاهلیت، مالک خانواده بود و بر زن حق حیات داشت. در جاهلیت، زن در ردیف انسان‌های درجه دو محسوب می‌شد. خلیفه دوم درباره وضعیت زنان اعتراف می‌کند که زنان در جاهلیت هیچ بودند: «كُنَّا فِي الْجَاهِلِيَّةِ لَا نَعْبُدُ النِّسَاءَ شَيْئًا» (بخاری، ۱۴۲۲، ۴۷/۷). تصریح قرآن به عمل زشت زنده‌به‌گور کردن دختران در عصر جاهلیت و تکرار آن، نشانی از توجه اسلام به این مسئله است (نحل: ۵۸، ۵۹؛ تکویر: ۸۹).

### ۳-۱. حقوق سیاسی زن در عصر جاهلیت

مشارکت سیاسی زنان در دوران جاهلیت مشارکتی تأثیرانگیز بود؛ زیرا زنان جنس درجه دو و در خدمت منافع مردان بودند. نقش زنان در جنگ‌ها نقش محرک و عامل انگیزه‌ساز برای نبرد بود. جنگجویان برای فرار از ننگ اسارت زنان و دختران خود نبرد می‌کردند و دشمن نیز به طمع اسیر کردن آنها شمشیر می‌زد. (سعد زغلول، بی‌تا، ص ۳۱۰) فرماندهان جنگی که از این روحیه خبر داشتند زنان و دختران جنگجویان را در جنگ‌ها به همراه می‌آوردند تا برای حفظ آبروی خود هم که شده است تمام تلاششان را به کار ببرند. زنان با سرودن اشعار و نواختن دف، مردان را به مقاومت و مبارزه فرامی‌خواندند (طبری، ۱۴۰۹، ص ۵۱۰).

### ۳-۲. حقوق اجتماعی زن در عصر جاهلیت

#### ۳-۲-۱. حق انتخاب همسر

قبل از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، مرد حق انتخاب همسر نداشت و زن کمتر در این باره نقشی ایفا می‌کرد چنان‌که حق اول نسبت به هر دختر، پسرعموی او بود و اگر پسرعمو به ازدواج با دختر تصمیم داشت دیگران حق پیش قدم شدن نداشتند. (عبدالهادی، ۱۹۸۷، ۳۶۶/۱) تعدد زوجات در جاهلیت هیچ محدوده‌ای نمی‌شناخت و این درحالی بود که برقراری عدالت بین ایشان هیچ لزومی نداشت و هرکدام که نزد مرد محبوب‌تر بود وضع بهتری داشت (علی، ۱۹۷۰، ۵۴۷/۵).

#### ۳-۲-۲. طلاق

در آن دوران طلاق با مرد بود و مرد این کار را به راحتی و سهولت و بدون هیچ مشکلی انجام می‌داد. بیشتر طلاق‌ها از روی غضب، جهالت و به قصد انتقام جویی یا تنبیه زن تحقق می‌یافت. (رشیدرضا، بی تا، ۳۸۱/۲) زن پس از طلاق، حق ازدواج با مرد دیگری را نداشت؛ زیرا تعصب افراطی مرد اجازه نمی‌داد همسر سابق خود را با مرد دیگری ببیند (رشیدرضا، بی تا، ۵۵۲/۲).

### ۴. جایگاه حقوقی زن در اسلام

بعد از ظهور اسلام زنان حقوق و جایگاه متمایزتری نسبت به قبل از اسلام داشتند. این منزلت و جایگاه و امدار نگاه الهی به زن و آفرینش اوست. خداوند در موضوع خلقت زن و مرد تصریح می‌کند که زنان را از همان سرشت مردان آفریده است. (ر.ک.، نساء: ۱) به تصریح قرآن هیچ تفاوتی بین زن و مرد در ایمان، تقوا، عمل صالح و قرب الهی وجود ندارد. هدایت، عمل دنیوی، پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست. اصول دین ناظر به سه اصل مبدأشناسی، پیامبرشناسی و معادشناسی است که در فهم هیچ یک از اینها جنسیت دخالت ندارد. خداوند می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هرکس از مرد و زن کار شایسته انجام دهد درحالی که مؤمن باشد یقیناً او

را به زندگی دلپذیر و پاکی زنده می‌داریم و پاداش همه آنان را برپایه بهترین عملی که همواره انجام می‌دادند خواهیم داد» (نحل: ۹۷). خداوند که انسان را خلیفه خود (ر.ک.، بقره: ۳۰)، مسجود ملائکه (ر.ک.، بقره: ۳۴) و امانت‌دار الهی می‌شناسد (ر.ک.، احزاب: ۷۲) و قرآن را برای هدایت او فرستاده است هرگز تفاوتی بین زن و مرد در این موارد قائل نشده است. قرآن از زنان بزرگی که در ساختن تاریخ ایفای نقش کرده‌اند به نیکی یاد می‌کند. همسران حضرت آدم علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام و مادران حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام نمونه‌هایی از زنان مورد تکریم و تجلیل در قرآن هستند. اگر همسران حضرت نوح علیه السلام و حضرت لوط علیه السلام در قرآن افرادی ناشایست معرفی شده‌اند و می‌فرماید: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةٌ نُوحٍ وَامْرَأَةٌ لُّوطٍ» (تحریم: ۱۰) از همسر فرعون در قالب زنی بزرگ یاد می‌شود که با وجود همسری فرعون، شخصیت و کرامت خود را از یاد نبرد: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ» (تحریم: ۱۱). قرآن حتی از شایستگی و کمال زنی مانند بلقیس سخن می‌گوید که با درایت و شایستگی خاص خود، قوم سبأ را با دموکراسی و نظام شورا اداره می‌کرد (ر.ک.، نمل: ۳۵-۳۴) (قریان‌نیا، ۱۳۸۴، ۴۵/۱-۴۴).

زنان برگزیده‌ای مانند حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه علیها السلام شخصیتی والا تر از دیگر انسان‌ها و مردان دارند. حضرت ولی عصر (عج) حضرت زهرا علیها السلام را مقتدای خود می‌داند: «فی ابنته رَسُولُ اللَّهِ لِي أَسْوَأَ حَسَنَةً» (مجلسی ۱۴۰۳، ۱۸۰/۵۳). حضرت زهرایی که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از وجود او دوام یافت. وقتی اعراب از داشتن فرزند دختر خشمگین، عبوس و سرافکنده می‌شدند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْبَنَاتِ، الْبَنَاتُ مُبَارَكَاتٌ مُّحَبَّبَاتٌ وَ الْبَنُونَ مُبَشَّرَاتٌ وَ هُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ؛ رحمت خدا بر پدیری که دارای چند دختر است. دختران، بابرکت و دوست‌داشتنی و پسران مژده‌آور هستند. دختران باقیات صالحات (بازماندگان شایسته) هستند» (نوری طبرسی، ۱۴۰۱، ۱۵۵/۱۵). پیامبر صلی الله علیه و آله حب النساء را از اخلاق انبیا می‌داند: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۳۴۶، ۳۲۰/۵).

یکی از افتخارات نظام حقوقی اسلام این است که از بدو تشکیل جامعه اسلامی برای زنان حقوق خانوادگی مانند حق انتخاب همسر، حق برخورداری از معاشرت به معروف با همسر، حقوق قضایی مانند حق رجوع به مراجع قضایی و طرح شکایت و حقوق عبادی مانند تشریف به حج واجب، حقوق اقتصادی مانند حق مالکیت، مهر، نفقه و ارث، حقوق سیاسی مانند بیعت و انتخاب را به رسمیت شناخته است. اسلام با در نظر گرفتن مهریه، نفقه و لزوم خوش رفتاری با همسر، حقوق مادی و معنوی زن را در نظام خانواده تأمین کرده است. این در حالی است که زن در قرون گذشته و در تمدن‌های بزرگ جهان همواره مورد ظلم بود و باتوجه به حقوق مختلفی که اسلام برای زن قائل شده است هیچ‌گاه حقوق انسانی او احقاق نشده بود.

#### ۴-۱. حقوق سیاسی زن در اسلام

جایگاه زنان در نظام سیاسی اسلام و نقش آنها در پیشبرد اهداف سیاسی اسلام کمتر از مردان نیست. برای مشارکت زنان در این عرصه راهکارهای مختلفی مطرح است که یکی از آنها مسئله بیعت است. جهاد و هجرت از عناصر مهم فرهنگ سیاسی اسلام است که زنان مسلمان هم‌پای مردان در این عرصه حضور داشتند. خداوند می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ مردان و زنان باایمان، دوست و یار یکدیگرند. مردم را برای ترویج نیکی‌ها به کارهای شایسته فرمان می‌دهند و برای برچیده شدن فساد و فتنه از کارهای زشت بازمی‌دارند» (توبه: ۷۱). زنان مانند مردان مسئولیت بزرگ سرپرستی، ولایت و مدیریت اصلاحی دارند. از این رو، به هدایت کردن و امر به معروف و بازدارندگی از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌پردازند. با گسترده‌گی مفهوم منکر و معروف در اسلام گستره دخالت‌های اجتماعی زن روشن می‌شود. بنابراین، در همه عرصه‌هایی که مردان می‌توانند دخالت کنند زنان نیز می‌توانند دخالت کنند. مسائل سیاسی و حکومتی در رأس هرم مسائل اجتماعی قرار دارد و زنان نیز مانند مردان باید در آن دخالت کرده و نقش داشته باشند. در صدر اسلام زنان در مسائل سیاسی دخالت و در صحنه حاکمیت حضوری روشن داشتند (کلینی، ۱۳۴۶، ۵/۳۲۰).

بیعت در اصطلاح، پیمان فرمانبرداری بستن و پذیرفتن امارت یا ریاست کسی مانند فرمانروا یا رئیس دولت است. در دین اسلام از این رسم برای وجود اطاعت در میثاق و پیمان با رهبر و امام جامعه استفاده شده است. قرآن کریم بیعت با حکومت را که از بارزترین مظهر میثاق سیاسی جامعه است برای زنان می پذیرد. تاریخ صدر اسلام نیز نشان دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان است. ابن سعد در کتاب طبقات، صفحاتی را به چگونگی بیعت زنان با پیامبر ﷺ و مضمون بیعت‌ها اختصاص داده است و نام ۷۰ زن را برمی شمرد که در بیعت‌ها شرکت داشتند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۱۱/۸) اولین حضور زنان در بیعت با پیامبر ﷺ در عصر رسالت ایشان بانام عقبه اولی یا بیعه النساء در تاریخ ثبت شده است. در این بیعت، زنی به نام عفره که دختر عبید بن ثعلبه بود، حضور داشت. برخی مورخان معتقدند چون حضور یک زن در امری چنین مهم، آن هم در زمانه‌ای که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بود بسیار شگفت‌آور بود این بیعت، بیعه النساء نامیده شد (زمانی، بی تا، ۴۱).

بیعت زنان با رسول خدا ﷺ بیعت با زبان بود. در صلح حدیبیه و فتح مکه گروهی از زنان با پیامبر ﷺ بیعت کردند. آیه ۱۲ سوره ممتحنه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ» در همین مورد نازل شده است. (ابوالفتوح رازی، بی تا، ۱۶۹/۱۹) خداوند در این آیه به پیامبر ﷺ دستور می دهد: «ای پیغمبر! چون زنان باایمان نزد تو آیند تا بر پایه این شرایط با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، فرزندانشان را نکشند، از نسبت دادن فرزندی که از راه نامشروع حاصله شده‌اند به شوهرانشان بپرهیزند و در هیچ کار پسندیده‌ای از تو روی برنتابند بیعتشان را بپذیر» (ممتحنه: ۱۲). بدیهی است بیعت مردم با پیغمبر ﷺ نه بیعت بر نبوت ایشان است و نه بیعت بر ریاست ایشان؛ زیرا اینها همه محرز و مسلم بود. بنابراین، بیعت و پیمانی بود بر اینکه آنچه این پیغمبر می گوید، عمل کنند، ولی تاریخ، بیعت بر خود خلافت را نشان می دهد. در مسئله خلافت، زنان نیز می آمدند و بیعت می کردند (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۵۹). حضرت علی علیه السلام به صراحت فرمود: «زن‌ها با من بیعت کردند و

دختران جوان هم درحالی که صورت‌های خودشان را بازکرده بودند به سوی این بیعت آمدند: «و حَسْرَتٍ إِلَيْهَا الْكِعَابُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۹).

#### ۴-۱-۲. جهاد

زنان در بخش مهمی از امور مربوط به جهاد می‌توانند حضور داشته باشند؛ زیرا جهاد فقط در سنگر بودن و تیراندازی کردن نیست. علاوه بر کمک‌های تدارکات پیشتیبانی جبهه و متن جبهه، نقشه کشیدن و راهنمایی کردن نیز بخش‌های مهمی از جهاد است. زن‌ها فقط امور تنگاتنگ نظامی که کار شاق و دشواری است را به عهده نمی‌گیرند نه اینکه از فیض جهاد محروم باشند. اینکه گفته می‌شود جنگ، جهاد و مبارزه وظیفه زن نیست مربوط به جهاد ابتدایی است که مربوط به امام معصوم است و تنها بعضی از فقها فرموده‌اند که اختصاص به امام معصوم ندارد. در جنگ‌های دفاعی و رد کید اجانب، اگر زن فرمانده لشکر زنان شود نه تنها جایز، بلکه واجب است؛ زیرا دفاع، اختصاصی به زن و مرد ندارد. هر جا دفاع باشد زن همتای مرد و در همه مسائل جنگی و غیرجنگی حضور دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص ۴۱۲).

#### ۴-۱-۳. امر به معروف و نهی از منکر

معنای لغوی واژه معروف، پسندیده، شناخته شده، معلوم و خوب است. اهل منکر را به بد، ناپسند و عمل زشت تعبیر کرده‌اند. فقها در تعریف فقهی و اصطلاحی این دو واژه می‌گویند: «معروف، هر کار خوب و پسندیده‌ای است که شارع از آن به نیکی یاد کرده و فاعل آن به خوبی و نیکی آن عمل آگاه است. منکر هر کار زشت و ناپسندی است که فاعل آن، زشتی و قباحت آن را شناخته و یا به آن ارشاد و راهنمایی شده است» (نجفی، بی تا، ۳۵۱/۲۱). اساس و شالوده اجرای همه احکام و دستورات دین اسلام امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا بدون آن، اجرای همه احکام معطل می‌ماند. این مسؤولیت به نهاد، گروه یا افراد خاصی اختصاص ندارد، بلکه به صراحت برعهده همه زنان و مردان مسلمان که واجد شرایط آن هستند نهاده شده است. آیه ۷۱ سوره توبه می‌فرماید: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعضی یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛



مردان و زنان باایمان، دوست و یار یکدیگرند، به کارهای شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت بازمی‌دارند». یکی از مهمترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر، امور سیاسی و اجتماعی است؛ یعنی معروف و منکر سیاسی و اجتماعی. باتوجه به این مطلب مشارکت سیاسی صبغه فرهنگی دارد. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر از نظر اسلام از مصادیق مشارکت سیاسی است و جواز انجام آن برای زنان ازسوی قرآن پذیرفته شده است.

آیه دوازدهم سوره ممتحنه می‌فرماید: «یا ایها النبی اذا جائک المؤمنات یبایعنک علی؛ ای پیغمبر چون زنان مؤمن آیند که با تو بیعت کنند که...». علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌گوید: «این آیه حکم بیعت زنان مؤمن با رسول خدا ﷺ را معین می‌کند و در آن اموری را برای آنها شرط کرده که بعضی مشترک بین زنان و مردان است مانند شرک نوزیدند و در کارهای نیک از رسول خدا ﷺ نافرمانی نکردند و بعضی دیگر ارتباطشان با زنان بیشتر است» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴۱۱/۱۹). به نظر می‌رسد بیعت زن مسلمان با رئیس حکومت اسلامی از مصادیق مشارکت سیاسی است که در این آیه بیعت با شرط عدم ارتکاب بعضی از جرایم اجتماعی برای زن پذیرفته شده است، پس جواز مشارکت سیاسی نیز براساس این آیه برای زن پذیرفته شده است (جوانمرد، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶).

#### ۴-۱-۴. آزادی بیان

آزادی بیان، یکی از مصادیق فعل سیاسی است. در قانون اساسی، اصل بیستم به ضابطه کلی حقوق و آزادی‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». از مصداق‌های مهم این اصل، آزادی بیان است. آزادی بیان به دلیل اهمیت و مطرح بودن آنها در ساختار سیاسی جامعه مورد توجه ویژه قرار گرفته است برای نمونه می‌توان به اصل بیست و چهارم قانون اساسی اشاره کرد. در این اصل آمده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند» (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲).

## ۴-۲. حقوق اجتماعی زن در اسلام

مبنا و پایه احکام و حقوق خاص زن در اسلام، فطرت است؛ زیرا وظایف اجتماعی و تکالیف ناشی از آن ریشه در طبع و طبیعت انسانی دارد و اعمال حیاتی که انسان را به سعادت می‌رساند با دستگاه فطرت آفرینش تطابق دارد. آنچه فطرت درباره حقوق اجتماعی افراد اقتضا دارد این است که همه انسان‌ها فطرت بشری و حقوق مساوی و مشابهی دارند، اما مقتضای مساوات این نیست که هر مقام اجتماعی به هر فردی واگذار شود، بلکه افراد دارای حقوق اکتسابی متفاوتی هستند که به نحوه عملکرد و انجام وظایف آنها بستگی دارد. در اسلام مرد و زن، مواهبی مانند فکر، اراده و اختیار دارند. بنابراین، هر دو می‌توانند در تحصیل احتیاجات زندگی که حیات انسان مبتنی بر آن است، فعالیت کنند. زن می‌تواند مانند مرد به‌طور مستقل، اراده کند، کار کند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود و نفع و ضرر کارش نیز مربوط به خود او باشد. او حتی می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی تصرفاتی انجام دهد؛ زیرا اسلام به زن، نعمت آزادی و استقلال داد که تا آن روز صفحات تاریخ از آن خالی بود. زن در پرتو این نعمت الهی، استقلال اراده و عمل را به‌دست آورد (وکیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳).

### ۴-۲-۱. ازدواج

ازدواج به دلیل منطبق بودن بر قانون آفرینش و هم‌راستا بودن با فطرت انسان برای داشتن یک زندگی خوب، آرامش روحی و جسمی و بقای نسل لازم و ضروری است. تعابیر زیبای قرآن و نبی گرامی اسلام از این رخداد مهم است: «مَا بَتِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ در اسلام هیچ بنایی نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج ساخته نشده است» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ۱۴/۲۰). در قرآن نیز خداوند به ازدواج سفارش کرده است و ازدواج را عامل زودده شدن فقر می‌داند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ بی‌همسران از مرد و زن و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید، اگر تهیدست و نیازمند باشند خداوند از احسان خود آنان را بی‌نیاز می‌کند، خداوند بسیار عطاکننده و داناست» (نور: ۳۲). اسلام همواره به زن به دید یک انسان می‌نگرد و حقوق و آزادی‌هایی برای

وی قائل می‌شود و زن نیز در استفاده از این حقوق آزاد است. در برخی موارد بنا به مصلحت زن، این آزادی‌ها محدود می‌شود تا راه انحراف، اشتباه و سقوط او بسته شود. این محدودیت‌ها نقش راهنمایی و هدایت دارند نه سلب اختیار. این محور از دو جنبه قابل بررسی است:

#### ۴-۲-۲. حق انتخاب همسر

یکی از موارد آزادی زنان در اسلام حق انتخاب همسر است. در حقوق اسلامی برای حفظ مصالح زن قوانینی وضع شده است تا ازدواج و تشکیل خانواده برای دختر، سعادت‌آفرین باشد و بنای خانواده استحکام لازم را داشته باشد. حق انتخاب همسر برای هر انسانی محفوظ است و هیچ‌کس، حتی پدر نمی‌تواند دخترش را به ازدواج با شخص دیگری مجبور کند، البته با توجه به برخی مصالح، اجازه پدر برای دختر در انتخاب همسر و ازدواج لازم است، ولی برای دخترانی که یک‌بار ازدواج کرده‌اند این اجازه لازم نیست.

#### ۴-۲-۳. حق وکالت در طلاق

انحلال عقد نکاح دائم به وسیله صیغه خاص و با رعایت تشریفات ویژه طلاق نامیده می‌شود. در اسلام اختیار طلاق با شوهر است و بدون اذن یا وکالت او باطل است. در پاره‌ای از موارد زن می‌تواند برای طلاق اقدام کند از جمله:

- اگر ضمن عقد شرط شده باشد که زن از طرف شوهر، وکیل در طلاق باشد. بدین صورت که اگر مرد مسافرت کند یا برای مثال شش‌ماه خرجی ندهد از طرف او برای طلاق خود وکیل باشد. چنانچه پس از مسافرت مرد یا شش‌ماه خرجی ندادن، خود را طلاق دهد، صحیح است؛

- در فرض مفقود شدن شوهر: زنی که شوهر او غایب شده است اگر نفقه او داده نمی‌شود، می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و بعد از فحوص (تا چهارسال از زمان رجوع) و پیدا نشدن شوهر، حاکم شرع یا مأمور از طرف او زن را طلاق دهد و طلاق قبل از چهارسال باطل است هرچند از پیدا شدن شوهر مایوس شوند؛

-در مواردی که شوهر از پرداخت نفقه و ادای حقوق واجب استنکاف ورزد (یوسفیان و الهام‌نیا، ۱۳۷۵، ۱۰۸/۱).

#### ۴-۲-۴. حق شهادت

اخبار شخصی از امری به نفع یکی از طرفین دعوا و به زیان دیگری را شهادت گویند. به تعبیر دیگر، شهادت عبارت است از خبر دادن قطعی شخص غیرحاکم نسبت به حق لازمی برای دیگری. با استفاده از تعریف ارائه شده از سوی فقها و حقوق دانان، در شهادت حق، امتیاز و نفعی برای شاهد وجود ندارد و می‌توان تکلیف و نه حق بودن شهادت را استنباط کرد. افزون بر تصریح فقها بر تکلیف بودن شهادت، عدم جواز اخذ اجرت و پاداش در برابر ادای شهادت نیز از آثار تکلیف بودن است. (قربان‌نیا، ۱۳۸۴، ۲۳۱/۱) شهادت یعنی، دست یافتن با واسطه یا بی‌واسطه به علم نسبت به رفتار فرد دیگر و بیان آن در موقع نیاز. شاهد کسی است که هنگام وقوع فعل یا واقعه‌ای در صحنه حضور دارد و مآوقع را می‌بیند و می‌شنود. بنابراین، شاهد باید مآوقع را دیده یا شنیده باشد تا بتواند آن را بیان کند. شهادت دو جزء دارد: تحمل و ادا. تحمل شهادت همانا حضور داشتن هنگام وقوع فعل یا علم یافتن به مآوقع به صورت مستقیم است و ادای شهادت یعنی، بیان مشاهدات و شنیده‌ها (وسقمی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴؛ فرزند وحی، مرادی و حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰). در قرآن در چند جا درباره شهادت صحبت شده است، اما در هیچ یک از آیات تصریحی بر مرد بودن شاهد دیده نمی‌شود جز آیه ۲۸۲ سوره بقره که در آن بر مرد بودن شاهد تصریح شده است و ارزش شهادت دو زن را معادل شهادت یک مرد قرار داده است (فرزند وحی، مرادی و حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰).

#### ۵. شهادت در قرآن

در سوره مائده از شهادت دو مسلمان عادل برای وصیت سخن به میان آمده و تصریح شده است که در صورت فقدان مسلمان می‌توان از شهادت غیرمسلمان استفاده کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ أَحْرَانٍ مِّنْ غَيْرِكُمْ؛

ای مؤمنان چون مرگ یکی از شما فرارسد، لازم است هنگام وصیت دو عادل از هم‌کیشان خود را گواه وصیت بگیریدند». (مائده: ۱۰۶) آیه ۲ سوره طلاق به صورت عام بوده و به مرد یا زن بودن تصریح ندارد و فقط تصریح به عام دارد و می‌فرماید: «وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ؛ دو شاهد عادل از بین خودتان بر طلاق گواه بگیرید» (طلاق: ۲). (کاظم‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳) در مورد زنا و ضرورت وجود چهار شاهد برای اثبات و اجرای مجازات حد، سه آیه وجود دارد: آیه ۱۵ سوره نساء: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ؛ هرکدام از زنانتان مرتکب زنا شوند چهار مرد مؤمن را در مورد آنها شاهد بخواهید». آیه ۴ سوره نور: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً؛ کسانی که زنان پاکدامن را متهم به زنا می‌کنند، سپس برای ادعای خود چهار شاهد نمی‌آورند به آنان هشتاد تازیانه بزنید». آیه ۱۳ سوره نور درباره نکوهش افترا و مذمت تهمت زنا بدون چهار شاهد است: «لَوْلَا جَآؤُوهَا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَٰئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ؛ چرا بر آن چهار شاهد نیاوردند، پس چون شاهدان را نیاوردند مسلماً خود آنان نزد خداوند محکوم به دروغ‌گویی هستند».

خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ؛ و دونفر از مردانتان را که در جلسه حضور دارند بر این حق شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن را از بین حاضرانی که مورد پسند شما هستند شاهد بگیرید». (بقره: ۲۸۲) این آیه درباره نوشتن قرض و نسیه در معاملات است و در آن به صراحت، اولویت اول به دو شاهد مرد داده شده است. در درجه دوم نیز شهادت زن پذیرفته شده، ولی در صورتی که به ضمیمه مرد باشد و شهادت دو زن، معادل شهادت یک مرد قرار گیرد. رشیدرضا نویسنده تفسیر المنار در تفسیر این آیه می‌نویسد: «برخی مفسران اظهار داشته‌اند علت اینکه در این آیه، زن در معرض اشتباه و فراموشی قلمداد شده است و ارزش شهادت او نصف شهادت مرد است نقصان خرد زنان است. برخی دیگر غلبه سردی بر مزاج زنان را علت پنداشته‌اند که نتیجه آن، کمی حافظه و سرعت فراموشی است، ولی اینها مسلم و ثابت نیست. علت صحیح در این مسئله آن است که شأن زن

در این نیست که به معاملات و امور اشتغال ورزد و از همین روست که حافظه وی در این زمینه ضعیف است، ولی در پرداختن به امور منزل که شغل اوست حافظه‌اش از مرد قوی‌تر است. اصولاً طبیعت بشر اعم از زن و مرد این است که در اموری که به آن اهتمام می‌ورزد و با آن سر و کار دارند بیشتر و بهتر می‌توانند مسائل مربوط به آن را به خاطر سپارند. ملاک و معیار وضع قوانین و جعل احکام ملاحظه غلبه و اکثریت است و در مورد زنان چون غلبه و اکثریت با عدم اشتغال و توجه به آنان به امور مالی و معاملاتی است، پس در این زمینه‌ها ضعیف بوده و بیشتر در معرض فراموشی و اشتباه قرار می‌گیرد» (رشیدرضا، بی تا، ۱۳۴/۳).

## ۶. شهادت در فقه

در کتب فقهی، جرائم و دعاوی باتوجه به قبول شهادت زن به سه دسته تقسیم می‌شود:

- برخی امور فقط با شهادت مردان قابل اثبات است و شهادت زنان در این مورد پذیرفته نیست. این موارد عبارتند از: ارتداد، طلاق، قذف، شرب خمر، حد سرقت، اسلام یعنی، مسلمان بودن شخص، بلوغ (جرح و تعدیل شاهد)، خلع، عفو، قصاص، وکالت، رؤیت هلال ماه و...؛

- در برخی از دعاوی، شهادت زنان به تنهایی قابل قبول است مانند شهادت در ولادت کودک یا عیوب زنان که موجب فسخ نکاح می‌تواند باشد و یا در وصیت به مال؛

- در برخی جرائم و دعاوی، شهادت زنان به انضمام مردان پذیرفته می‌شود مانند زنا، جلد که با شهادت دو مرد و چهار زن (به جای دو مرد) و زنا، موجب رجم با شهادت سه مرد و دو زن (به جای یک مرد) جرم ثابت می‌شود.

اینکه می‌گویند برای مثال شهادت زن در طلاق یا وکالت و جنایت موجب قصاص و مانند آن جایز نیست چه معنایی دارد؟ آیا مقصود این است که زن نباید برای ادای شهادت حاضر شود؟ آیا مقصود این است که با استناد به شهادت زن، قاضی نمی‌تواند رأی صادر کند، حتی اگر شهادت زن برای قاضی مفید علم قطعی باشد؟ اگر عدم جواز این گونه معنا شود راه احقاق حق، بی دلیل محدود و اقامه عدل مخدوش می‌شود. برای مثال، اگر فرض شود فقط یک زن، شاهد قتل بوده

است یا فقط زن، شاهد عقد وکالت بوده است آیا در این صورت می‌توان به شهادت زن بی‌اعتنا بود هرچند به بهای اتلاف حق مظلوم؟ به‌طور مسلم، عدم جواز در روایاتی که ناظر بر قوانین مدنی و کیفری است مفهوم حرمت ندارد؛ یعنی اقامه شهادت زن به‌طور قطعی حرام نیست. بهره‌گیری از این شهادت هم حرام نیست و اگر قاضی باتوجه به شهادت زن به علم برسد و رأی دهد رأی او نافذ و معتبر است. بنابراین، جواز و عدم جواز در این‌گونه روایات مفهوم عرفی دارد و ناظر بر فرهنگ و بینش متداول مردم است. امروز در ایران و بسیاری از جوامع دیگر مردم چنین بینشی ندارند که شهادت زن را نپذیرند و ممکن است از زنان برای تحمل و ادای شهادت دعوت شود. مسلمانان اولیه به‌تبع عرف فرهنگ خود مایل نبودند زنان را برای تحمل شهادت دعوت کنند تا بدین ترتیب مجبور شوند آنها را برای ادای شهادت بخوانند. به‌طور مسلم شاهد بودن و شهادت دادن تبعاتی به‌دنبال دارد. مسلمانان اولیه از زن فقط هنگام ضرورت در شهادت استفاده می‌کردند. این خود‌گویای آن است که اسلام شهادت زن را محدود نمی‌داند و محدودیت‌هایی که در شهادت زن مطرح شده عرفی است (وسقمی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). استاد مطهری بر این باور است که این تدبیری است برای اینکه زن به اجتماع کشانده نشود. در مسائل خیلی مهم مثل حق‌الناس، زن هم باید شهادت دهد، ولی در برخی مسائل که چندان اهمیت ندارد تا حد امکان باید کاری کرد که زن به اجتماع کشانده نشود؛ زیرا شهادت موضوعی است که فرد به‌دلیل آن به محکمه کشیده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۲۲).

## ۷. نتیجه‌گیری

قبل از ظهور اسلام در شبه‌جزیره عربستان وضعیت زنان از نظر اقتصادی، اجتماعی و... بسیار نابسامان بود. با ظهور اسلام و اجرای احکام اسلامی در جامعه نوپای اسلامی وضعیت زنان متحول شد و زنان موقعیت انسانی و اجتماعی پیدا کردند. باتوجه به تعالیم دین اسلام مردان از نظر انسانی بر زنان برتری ندارند و تنها عامل برتری تقواست، اما تفاوت‌هایی که در حقوق اجتماعی بین زن و مرد وجود دارد مثل تفاوت در شهادت، دیه، انتخاب همسر و... هریک

مصالحی دارد. براساس آنچه علم الهی آن را برای رشد و پیشرفت زنان، مردان و جامعه اسلامی لازم می‌دانسته اگر در احکام اسلامی با مذاقه نگریده شده شود، روشن می‌شود آنچه در مرحله اول محدودیت به نظر می‌رسد برای این بود که زنان خسارت‌های کمتری در عرصه اجتماع ببینند. در جامعه اسلامی زنان باید مانند مردان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی حضور فعال داشته باشند و در حفظ حریم جامعه اسلامی کوشا باشند.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: انصاریان، حسین. قم: دانش.
۱. نهج البلاغه (۱۳۸۵). مترجم: دشتی، محمد. قم: انتشارات قدس.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى. محقق: عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (بی تا). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مصحح: یاحقی، محمدجعفر. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۱۰). کتاب المکاسب. بیروت: منشورات مؤسسه النور للمطبوعات.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲). صحیح البخاری. بیروت: دار طوق النجاة.
۷. تبریزی، الشیخ جواد (۱۳۷۴). ارشاد الطالب. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). زن در آیین جلال و جمال. قم: اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر. قم: اسراء.
۱۰. جوانمرد، طاهره (۱۳۸۷). زن و مشارکت سیاسی در اسلام. نشریه طهورا، شماره ۲، ۱۲۶-۱۵۰.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲). وسائل الشیعه. تهران: انتشارات مکتب اسلامی.
۱۲. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. خاتون، صائمه (۱۳۹۸). حقوق فردی و اجتماعی زن در صدر اسلام. نشریه تخصصی تاریخ‌نامه اسلام، شماره ۱، ۴۳-۶۰.
۱۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۸۱). درآمدی بر حقوق اسلامی. تهران: سمت.
۱۵. رشیدرضا، محمد (بی تا). تفسیر المنار. بیروت: دار الفکر.
۱۶. زمانی، حبیب، و فرقانی، قدرت‌الله (بی تا). زنان و سیاست در اسلام. بی جا: اداره آموزش عقیدتی-سیاسی نمایندگی ولی فقیه.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، محمدباقر. قم: چاپخانه دفتر انتشاراتی اسلامی.
۱۸. طبرسی، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹). تاریخ طبری. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.



۲۰. عبدالهادی، عباس (۱۹۸۷). المرأه والأسره فی حضارات الشعوب و انظمتها. دمشق: طلاس.
۲۱. علی، جواد (۱۹۷۰). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دار العلم للملایین.
۲۲. فرزند وحی، جمال،، حسینی، سارا،، مرادی، پریا (۱۳۹۳). نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام. نشریه معارف قرآنی (آفاق دین)، شماره ۱۶، ۱۲۴-۱۵۱.
۲۳. فرماندهان سعد زغلول، عبد الحمید (بی تا). فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دار النهضة العربیه.
۲۴. قربان نیا، ناصر (۱۳۸۴). بازیژهشی حقوق زن. تهران: انتشارات روز نو.
۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۶. کاظم زاده، علی (۱۳۸۶). تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران. تهران: نشر میزان.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۶). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۹. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۷). حقوق و سیاست در قرآن. قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). زن و مسائل قضایی و سیاسی. قم: انتشارات صدرا.
۳۱. نجفی الجواهری، محمدحسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. وسقمی، صدیقه (۱۳۸۷). زن و فقه اسلام. تهران: صمدیه.
۳۳. وکیلی، الهه (۱۳۸۷). بررسی حقوق انسانی و اجتماعی زن در قرآن. نشریه بینات، سال پانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۵۹، ۱۳۷-۱۵۵.
۳۴. یوسفیان، نعمت الله،، و الهام نیا، علی اصغر (۱۳۷۵). احکام خانواده. تهران: حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه.



## آسیب‌های تربیتی ازدواج با محارم با تأکید بر آیات قرآن

خدیدجه ضیایی<sup>۱</sup>، طاهره ماهرزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

در اوامر و نواهی الهی، سعادت دنیوی و اخروی انسان تضمین شده است. امر به ازدواج در اسلام آثار مثبتی مانند تأمین‌کننده نیاز جنسی، استمرار نسل، حفظ انساب، ایجادکننده آرامش و مودت میان اعضای خانواده و... دارد، اما شریعت اسلام برخی ازدواج‌ها را براساس قوانین شرعی و عرفی نمی‌داند. مقاله حاضر باهدف بررسی فلسفه حرمت ازدواج با محارم و تأثیرات تربیتی منفی آن بر فرد و اجتماع به روش تحلیلی و اسنادی و از میان کتب و مقالات فقهی و تفسیری با تکیه بر آیات قرآن به نتایج ذیل رسیده است: در ازدواج با محارم، اهداف اصلی ازدواج محقق نمی‌شود، بلکه برعکس تهدیدی علیه سست شدن بنیان خانواده‌هاست و ازطرفی مخالف با نیازهای فطری بشر است و به همین دلیل ممنوع شده است. با انجام این ازدواج تبعات سوء مانند تنزل کمالات معنوی، فقدان عفت و نزدیکی به گناه و فساد و فقدان احساس مسئولیت در فرد به وجود می‌آید و جامعه با داشتن چنین افرادی ناخودآگاه گرفتار مشکلات تربیتی مانند فقدان سلامت و امنیت، ضعف در تثبیت صفات جنسی، عدم رشد فضائل اخلاقی و انسانی، عدم آرامش و امنیت و عدم تداوم نسل و حفظ انساب می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ازدواج با محارم، آسیب تربیتی ازدواج با محارم، فلسفه

ازدواج، قرآن کریم.

۱. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم ایران. (نویسنده مسئول)

Email: kziaii@yahoo.com

ORCID ID: 0000-0001-6393-241x

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث، مجتمع آموزش بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: mahrozadeh@miu.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-2140-0885

## ۱. مقدمه

آیات قرآن سرشار از معارف نابی است که راهگشای بشر است. خداوند به تمام جنبه‌های زندگی بشر و نیازهای فطری او توجه کرده و برای آن برنامه‌هایی در نظر گرفته و آیاتی نیز پیرامون بحث مهم ازدواج دارد. قرآن ازدواج را امری آرامش‌بخش و حیاتی و حلال بسیاری از مشکلات بشر می‌داند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). هدف پژوهش حاضر دستیابی به حرام بودن ازدواج نامشروع با محارم و آسیب‌های تربیتی ناشی از آن است. سؤال اصلی تحقیق، آسیب‌شناسی تربیتی ازدواج با محارم است که بر آینده فرد، بعد دینی زندگی او و آینده جامعه اسلامی را تأثیر می‌گذارد. تاکنون درباره ازدواج با محارم تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است از جمله: مقاله ازدواج‌های باطل (ازدواج با محارم و غیرمسلمان) و مبانی فقهی آن نوشته حسین انگورج تقوی و پریناز پاسدارهیر که باهدف بررسی دقیق فقهی-حقوقی بطلان ازدواج با محارم و غیرمسلمان ارائه شده است. کتاب افسانه ازدواج با محارم در ایران باستان نوشته علیرضا شاهپوری شهبازی در سال ۱۳۹۴ به بررسی رایج و روا نبودن ازدواج با محارم در ایران باستان می‌پردازد. تحقیق حاضر با توصیف و تحلیل و به‌شیوه کتابخانه‌ای از این نگاه به ازدواج با محارم می‌پردازد که این ازدواج چه آسیب‌های تربیتی بر فرد و اجتماع می‌گذارد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. ازدواج و نکاح

ازدواج برگرفته از زوج و به معنای جفت و دوچیز همراه و قرین است چه مثل هم باشند چه متضاد. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۹۵) براین اساس به هرکدام از زن و شوهر، زوج و به هردوی آنها زوجین می‌گویند: «وَأَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (نجم: ۴۵). در قرآن از پیمان زناشویی به نکاح نیز تعبیر شده و نکاح در دو معنا استفاده شده است: یکی آمیزش جنسی و دیگری عقد ازدواج. برخی مفسرین و لغویون معنای حقیقی نکاح را آمیزش و کاربرد آن را مجاز می‌دانند

(نجفی، ۱۴۳۰، ۲۹/۵). برخی معنای حقیقی آن را عقد ازدواج می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۸۲۳). گروهی نیز اشتراک لفظی را مورد توجه قرار داده‌اند. نظر مشهور نکاح را در لغت به معنای هم‌خوابگی و در شرع به معنای عقد می‌دانند. صاحب جواهر می‌گوید: «نکاح و ازدواج به معنای حق هم‌خوابگی و به وحدت رسیدن است که معنایی است لغوی و عقد حامل پیدایش این حق است هرچند فقها در بسیاری از موارد مقصودشان از نکاح و ازدواج، عقد خاص است» (نجفی، ۱۴۳۰، ۲۹/۵).

ازدواج در اصطلاح به معنای پیمان زناشویی است که بین زن و مرد به واسطه عقد ایجاد می‌شود و زن و مرد به واسطه آن بر یکدیگر حلال می‌شوند و علاوه بر آن برای زن، حق مهر ایجاد می‌شود و برای مرد کام‌جویی از زن و درست مانند دیگر عقود، ایجاب و قبول لفظی دارد. (امینی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۴) الفاظ ایجاب عبارتند از: «زوجتک: تو را به زناشویی خود درآوردم»، «انکحت: تو را به همسری خود درآوردم»، «متعکت: تو را به زناشویی خود درآوردم». قبول نیز عبارت است از: «قبلت التزویج أو النکاح: ازدواج یا نکاح را پذیرفتم» (امینی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۹). ایجاب در عقد نکاح از جانب زن و قبول از جانب مرد است. در اینکه آیا ازدواج و نکاح دلالت بر وطی می‌کنند یا عقد یا میان هر دو مشترک لفظی هستند اختلاف نظر وجود دارد و معروف و مشهور آن است که نکاح در لغت به معنای وطی و در شرع به معنای عقد است (محقق داماد، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

### ۳. ضرورت و اهمیت ازدواج در قرآن

خانواده اولین بستر اجتماعی بودن انسان را با نظر به اینکه خداوند موجودات عالم را به صورت زوج خلق کرده است، محقق می‌کند: «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا». (فاطر: ۱۱) زوجیت، سر بقای نسل و اساس دوام حیات در موجودات است. علامه طباطبایی ذیل آیه: «وَ تَدْرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَوْجَادِكُمْ» (شعرا: ۱۶۶) غرض صنع و ایجاد از این صورت‌گیری مختلف و از این غریزه شهوتی را جمع به وسیله عمل تناسل می‌داند که حافظ بقای نوع انسانی تاکنون بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۰۹/۱۵). ازدواج امری است فطری که در تمام اعصار و

امکنه وجود داشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴/۴۹۴). تعادل غریزه جنسی از راه پیوند مشروع زن و مرد میسر می‌شود: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ. إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۵ و ۶). ازدواج ضرورت اجتماعی و نیاز طبیعی است که از فطرت انسان سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، هرگونه آسیب به این بنیان مقدس پیامدهای منفی در رابطه با افراد و تحول ساختار کلی جامعه و نظام‌های ارزشی و فرهنگی به دنبال دارد و این اهمیت ازدواج را می‌رساند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (نور: ۳۲).

پس از اهمیت و ضرورت بحث ازدواج مردان و زنان نباید طوری آمیزش کنند که انساب و شجره دودمان آنها درهم شود و فحشا و سفاح که باعث قطع نسل و فساد انساب است در آن دیده شود. اینها اصول معتبری است که بسیاری از امت‌ها آن را محترم شمرده‌اند. در قرآن زنانی هستند که ازدواج با آنها حرام است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَالْأُمَّهَاتُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ» (نساء: ۲۳)؛ زیرا انسان بیشتر تماس و سروکارش با همین چهارده صنف است. همین باعث شده حتی افراد شهوت‌ران و بی‌بند هرگز به فکرشان نیفتند (طباطبایی، ۱۴۱۷).

#### ۴. فلسفه ازدواج در قرآن

##### ۴-۱. پاسخ به ندای فطرت و ارضای صحیح میل جنسی

غریزه جنسی در صورت عدم هدایتگری درست، سبب تزلزل شخصیت فرد می‌شود. از طرفی خداوند از خلق این غریزه، غایتی داشته و برای آن حد مشخص کرده است. ازدواج طبیعی‌ترین و بهترین طریقی است که این نیاز را مهار و زن و مرد را از انحرافات مصون می‌دارد: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون: ۵) مگر نسبت به همسران و کنیزانشان. «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۶). شهوت قابلیت طغیان دارد و باید کنترل شود:

«حَافِظُونَ». از طرفی در ارضای این گزینه، محدودیت لازم است نه ممنوعیت: «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ». خداوند حدود ارضای گزینه جنسی را تنها از راه ازدواج و ازدواج با کنیزان بیان می‌کند؛ یعنی کسانی که حد را رعایت کنند: «فَأَيْتُهُمْ غَيْرَ مَلُومِينَ»؛ زیرا شهوت‌هایشان را در محل مناسب خود به کار برده‌اند. کسانی که غیر از این دو مسیر را بجویند مصداق این بخش از آیه می‌شوند: «فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون: ۷). از نظر روان‌شناسی، میل جنسی در سایه ازدواج می‌تواند تبدیل به عشق شود و مودت و رحمت را برای زن و مرد به ارمغان آورد و در سایه این مودت، زن و مرد به تولید نسل و تربیت فرزندان سالم می‌پردازند (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۷۴).

#### ۲-۴. حفظ عفت و جلوگیری از گناه

حفظ عفت فرد و جامعه با ازدواج مشروع زن و مرد میسر می‌شود. بنابراین، کسی که عفت و پاک‌دامنی‌اش را حفظ کند از مؤمنین است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ. وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَوْنَ حَافِظُونَ» (مؤمنون: ۱-۶). با ازدواج، انسان در سنگر محکمی قرار می‌گیرد تا وسوسه‌های شیطانی در او اثری نگذارد: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ. مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ» (نساء: ۲۴).

#### ۳-۴. تداوم نسل و حفظ انساب

زن و مرد در سایه ازدواج موجب بقای نسل خود هستند: «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّوكُمْ فِيهِ». (شوری: ۱۱) «يَذُرُّوكُمْ» به معنای تکثیر و «فیه» یعنی: «در نتیجه این تدبیر که همان تزویج است نسل شما زیاد می‌شود». خداوند انسان‌ها و حیوانات را زوج خلق کرده تا میان مذکر و مؤنشان توالد و تناسل برقرار باشد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ۵۸۲/۲۷). «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱). اسلام هیچ‌گاه روابط نامشروع را تجویز نمی‌کند؛ زیرا فلسفه ازدواج این است که نسلی باصل‌ونسب به وجود آید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّي سِئْتُمْ» (بقره: ۲۲۳). حرث به معنی محل کشت است؛ یعنی ارحام زنان کشتزار هستند و نطفه مرد همچون بذراست و فرزند ثمره این کشت است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ۴۲۱/۶). خداوند تأکید می‌کند: «شما باید بذرتان را در کشتزار

خودتان بکارید». در عبارت: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»؛ ضمیر «كُمْ» سه بار تکرار شده و تکرار برای تأکید این مطلب است که: «فقط زنان شما محل کشت شمایند». همچنین آیه در ادامه باتعبیر: «قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» اشاره زیبایی به هدف نهایی آمیزش جنسی یعنی، پدید آمدن و پرورش فرزندان شایسته که مفید دین و دنیا باشند، می‌کند.

#### ۴-۴. ایجاد آرامش و سالم بودن جسم و روح

با پیوند زناشویی نوعی همبستگی روحی و عاطفی میان زوجین برقرار می‌شود که زوجین را به سوی فلاح و خوشبختی یکدیگر سوق می‌دهد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». (روم: ۲۱) خداوند در ادامه آیه می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». اگر کسی بخواهد از گروه «قَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» باشد نیازمند تفکر و تدبیر نکات موجود در آیه است. «أَزْوَاجٍ» در معنای مذکر و مؤنث به کاررفته است: «تَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ» (انعام: ۱۴۳). «کم» در اینجا به معنای کل بشر است از مذکر و مؤنث که برای هریک از آن دو زوجی از جنس خودش خلق شده است، پس زوج زن، مرد و زوج مرد، زن است و «ل» در «لَكُمْ» برای انتفاع است؛ زیرا هریک از زوجین از یکدیگر نفع زیادی عایدشان می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۱۳۵/۲۳). مطلب دیگر معنای آرامش در آیه «جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹) است؛ یعنی همسر وسیله آرامش است. متعدی شدن «سَكَنَ» با حرف «إِلَى» یعنی، زوجین در سایه سار ازدواج به آرامش می‌رسند. بیماری‌های ناشی از ترک ازدواج مانند عدم تعادل روحی و ناآرامی‌های روانی، کم‌وبیش بر همه روشن است. از این رو تشکیل خانواده می‌تواند سهم اساسی در آرامش روانی و سازندگی‌های اخلاقی و اجتماعی ایجاد کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۹۲/۱۶). در مورد اینکه منشأ این آرامش چیست باید گفت که: «ل» در «لِتَسْكُنُوا» لام تعلیل است؛ یعنی: «ما برای شما ازواج را از جنس خودتان آفریدیم تا آرامش بگیرید».



#### ۴-۵. رسیدن به محبت، دوستی و مودت

دست‌یابی به مودت و دوستی از رهاوردهای بسیار مهم ازدواج در قرآن است: «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (روم: ۲۱) یکی از ابعاد اظهار محبت، محبت و صمیمیت فیزیکی است که بیشتر به صورت صمیمیت جنسی بروز و ظهور می‌یابد (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵). رحمت به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی است که کمالی ندارد و محتاج به رفع نقص است و در دل پدید می‌آید. زن یا مرد متعهد به همسرش اعتماد دارد، او را راهنمایی و حمایت و نیازش را درک می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۴۹/۱۶)، هنگام بروز مشکل به او کمک می‌کند و این باعث می‌شود که همسر در شرایط سخت احساس آرامش کند (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳). بنابراین، عبارت «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» موجب می‌شود که هردو از ضرر زدن به دیگری گریزان باشند.

#### ۴-۶. ایجاد جامعه‌ای سالم و انسانی

از حکمت‌های تشریح ازدواج، تشکیل جامعه سالم و نمونه است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». (فرقان: ۷۴) این امر باید از مقدمات ازدواج و سپس لحظه تولد فرزند آغاز و در همه مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت پیگیری شود تا باعث شکل‌گیری جامعه‌ای سالم شود.

#### ۴-۷. انس دادن دل‌ها به یکدیگر و پیوند با بیگانگان

قرآن می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا». (فرقان: ۵۴) با ازدواج رشته‌های پیوند الفت و انس خویشاوندی مستحکم‌تر می‌شود. همچنین می‌توان دایره خویشاوندی را از اقوام نسبی به خویشاوندان سببی گسترش داد.

#### ۴-۸. تکمیل و تکامل

زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و خداوند در قرآن برای فهم این مطلب از تمثیل و تشبیه استفاده کرده است مانند اینکه زن و مرد را به لباسی برای یکدیگر تشبیه کرده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ

لِبَاسٍ لَّهُنَّ». (بقره: ۱۸۷) و یا زن و مرد مایه آرامش یکدیگرند: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ» (غافر: ۶۱).

#### ۴-۹. تقوای الهی و رسیدن به سعادت و رستگاری

ازدواج یکی از برنامه‌ها برای رسیدن به هدایت، پیشرفت، تکامل و فلاح است و تمام اهداف و حکمت‌هایی که برای ازدواج مطرح شده است راهی برای رستگاری و رسیدن به تقوای الهی هستند.

#### ۵. محارم

محرم در لغت به معنای خویشاوندی آمده و جمع آن محارم است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۲۲/۳) محرم یعنی، کسانی که به دلیل خویشاوندی هرگز نمی‌تواند با یکدیگر ازدواج کنند (یوسفیان، ۱۳۸۳، ۳۱/۱). محرم در اصطلاح فقه اسلامی شامل گروهی از خویشاوندان نزدیک است که ازدواج با آنها حرام است و محرم کسی است که در نگاه به او محدودیت سایر افراد نیست و ازدواج با او حرام است به جز همسر که محرمیت او با ازدواج است و احکام خود را دارد (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۲/۲۷۷). در تعریف دیگر آمده است: «محارم در اصطلاح فقهی به معنای خویشاوندانی است که ازدواج با آنها حرام است» (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸). بنابراین، هر نوع خویشاوندی داخل در محارم نخواهد بود. علاوه بر حرمت نکاح در محارم، احکام دیگری مانند عدم وجوب پوشش به جز عورت، جواز نظر و لمس به جز عورت، جواز اجتماع در محل خلوت و غسل هریک از غیر مماثلین، دیگری را بعد از موت، در صورتی که مماثل نباشند، دارند (مشکینی، ۱۳۹۳، ص ۴۷۹).

#### ۵-۱. اقسام محارم در قرآن

براساس آیات ۲۲ و ۲۳ سوره نساء: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» سه گروه از افراد نمی‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند که این سه گروه عبارتند از:

منظور خویشاوندانی که از راه اشتراک در نسب با یکدیگر محرم هستند. این محارم برای مردان شامل مادر، مادربزرگ، دختر و نوه‌های دختری، خواهر، دخترخواهر و نوادگان او، دختران برادر و نوادگان او، عمه و عمه والدین، خاله و خاله والدین و برای زنان شامل پدر، پدربزرگ، پسر و نوادگان پسری، برادر و نوادگان برادر، پسر خواهر و نوادگان خواهر، عمو، عموی والدین، دایی، دایی والدین است. (عاملی، ۱۴۱۰، ۱۵۴/۵)

۵-۱-۲. فلسفه حرام بودن ازدواج با محارم نسبی

برخی مفسرین حرام بودن این ازدواج را بر وجه تعبد دانسته‌اند و برخی دیگر درباره حکمت این تحریم نظراتی ارائه داده‌اند که عبارتند از:

**تضاد با فطرت:** حرمت ازدواج با محارم از احکام ثابت و محکم الهی است و ناظر بر تنافر فطری و ذاتی انسان با این نوع ازدواج‌هاست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۲۸/۳)

**عدم گسترده شدن خانواده‌ها:** از آنجاکه نسب، خود موجب مودت و محبت است برای حصول آن اجتماع لازم نیست. بنابراین، نکاح اقارب و نزدیکان نیز مشروع نشده است؛ زیرا اجتماعی که مطلوب خداوند باشد به دست نمی‌آید. (شاذلی، ۱۴۱۲، ۶۱۰/۱)

**ایجاد نسل‌های مریض و حامل بیماری:** احتمال انتقال ژن‌های بیماری‌زا در خویشاوندان درجه‌یک که در فقه از آنان بانام محارم نسبی یاد می‌شود، وجود دارد. (سروری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱)

از طرفی فقها این موضوع را این‌گونه توجیه کرده‌اند که تحریک میل جنسی نسبت به محارم کمتر است و هرچه تمایل کمتر باشد ضعف شهوانی بیشتر است و در نتیجه فرزند ضعیف‌تر خواهد شد. (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۵/۷)

**تولید نفاق و شقاق:** اگر در یک خانواده ارحام نزدیک زناشویی کنند محبت بین آنها باید تبدیل به علقه زوجیت شود که در اثر آن عداوت و کینه نسبت به سایر افراد خانواده تولید می‌شود و در نتیجه در پی اضرار یکدیگر برآمده و دستگاه تشکیل عائله که باید براساس محبت باشد مختل و برچیده می‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَا تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ عَلَى قَرَابَاتِهِنَّ، فَإِنَّهُ يَكُونُ

مِنْ ذَلِكَ الْقَطِيعَةُ» (فتنی، ۱۳۴۳، ص ۱۲۷). ازدواج حرام بر مسئله ارث نیز تأثیرگذار است و رقابت بر سر کسب این امتیازات موجبات دشمنی و کینه در بین افراد خانواده می‌شود.

**عدم احترام و حفظ جایگاه افراد خانواده:** ازدواج با محارم بسیاری از جایگاه‌ها را در خانواده متزلزل کرده و در نتیجه ارتباط افراد با یکدیگر دچار دوگانگی می‌شود.

**تسهیل در اختلاط:** این حکمت را فخر رازی مطرح کرده است که اگر افرادی مانند پسر، برادر، داماد، پدرشوهر و... بر انسان محرم نبودند بر زن لازم بود که خود را مدام از این افراد مخفی کند و هیچ‌کدام از این افراد حق داخل شدن بر زن را نداشتند، اما با حصول محرمیت، اختلاط میان افراد خانواده آسان، طمع‌ها و رغبت‌ها قطع و شهوت‌ها محبوس می‌شود. (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۸۲/۲)

#### ۵-۱-۲. محارم سببی

محارم سببی افرادی هستند که از راه پیوند زناشویی و مصاهرت محرم می‌شوند. مصاهرت عبارت است از علاقه و پیوند میان زن با خویشاوندان شوهر و میان شوهر با خویشاوندان زن که به سبب نکاح پدید می‌آید و موجب حرمت ازدواج بین زن و شوهر با خویشاوندان طرف دیگر می‌شود. این محارم برای مردان عبارتند از: مادر و مادر بزرگ زن، دختر زن و نوادگان او (در صورت آمیزش مرد با همسرش)، زن پدر، زن پسر. (عاملی، ۱۴۱۰، ۱۷۶/۵)

#### اول) فلسفه حرام بودن ازدواج با محارم نسبی

**زن پدر:** در گذشته و در میان اعراب جاهلی اگر پدر فوت می‌کرد و یا همسرش را طلاق می‌داد پسر آن مرد، زن پدر را به عقد خود درمی‌آورد. قرآن این ازدواج را گناهی بزرگ می‌داند: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» (نساء: ۲۲) و با توجه به آیه، برای این نهی و تحریم سه دلیل می‌آورد:

دلیل شرعی: ازدواج با زن پدر در حکم زناست: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجِيَّ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: ۳۲)؛ زیرا زن پدر در حکم مادر برای فرد است (قاسمی، ۱۴۱۸، ۳/۶۳). در فقه اسلامی پدر

جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که ازدواج با زن پدر با تعظیم آبا و حرمت نگه‌داشتن برای ایشان منافات دارد. در نتیجه از آن نفی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۳۲۵).

دلیل عقلی: توجه به این بخش از آیه: «مَقْتَأٌ وَسَاءَ سَبِيلًا» می‌تواند اشاره به این باشد که این عمل تخم نفاق را در میان فرزندان یک شخص می‌پاشد؛ زیرا ممکن است بر سر تصاحب نامادری میان فرزندان اختلاف واقع شود. (بحرانی، ۱۴۱۶، ۵۰/۲)

دلیل عرفی: باتوجه به: «سَاءَ سَبِيلًا» ازدواج با زن پدر، راه ازدواج با سایر محارم را بازمی‌کند. بنابراین، ازدواج صحیح یعنی، ازدواجی که همه حدود و قیود الهی در آن رعایت شود؛ زیرا نکاحی که خداوند به آن دعوت می‌کند غیر از آن عاقبت خوبی در دنیا و آخرت برای شخص به دنبال ندارد.

**جمع بین دو خواهر:** اگر کسی زنی را بگیرد، نمی‌تواند مادام که در زوجیت او باقی است با خواهرش ازدواج کند. در مورد فلسفه حرمت جمع دو خواهر باید گفت: «هوو قرار دادن دو خواهر موجب کینه و دشمنی آن دو و قطع رحم می‌شود و قطع رحم حرام است» (ثعالبی، ۱۴۱۸، ۲/۲۰۲). آنچه امر بدیهی است آن است که زن نسبت به هوو احساس حسادت و دشمنی دارد. حال اگر خواهر این زن هووی او باشد این حسادت و کینه بیشتر خواهد بود و این درحالی است که خداوند ازدواج را مایه تحکیم خانواده قرار داده است. بنابراین، خداوند متعال از هرگونه ازدواجی که تهدیدی علیه بنیان خانواده است، نهی فرمود تا این بنیان مقدس حفظ شود.

**سایر محرام نسبی:** سخن پیامبر ﷺ که فرمود: «نزدیکان همسر خود را هووی آنان قرار ندهید که به قطع روابط می‌انجامد» ناظر به همه محارم نسبی نیز است. بنابراین، ازدواج با این افراد موجبات گسستگی و دشمنی را در افراد خانواده و خویشاوندان فراهم می‌کند (شاذلی، ۱۴۱۲، ۱/۶۱۱).

صاحب تفسیر «من هدی القرآن» فلسفه این تفاوت را این‌گونه توجیه می‌کند: «ازدواج با دختر زن موطوئه، اهانت به حق همسر است؛ زیرا زوج از آن زن فقط برای ارضای غریزه جنسی خود بهره برده و هنگامی که حاجتش برطرف شد دختر زن را جانشین مادر او می‌کند، اما قبل از مجامعت جایز است که مرد با دختر زن ازدواج کند؛ زیرا این فلسفه منتفی است». (فاضل مقداد،

(۱۳۸۸، ۵۱/۲)

## ۵-۱-۳. محارم رضاعی

محارم رضاعی خویشاوندی است که از راه شیر دادن به دست می‌آید و تمام کسانی که به واسطه ارتباط نسبی با آنها حرام بود به واسطه ارتباط با شیر خوردن نیز ازدواج با آنها حرام است. (عاملی، ۱۴۱۰، ۱۵۵/۵) قرآن در مورد این ازدواج می‌فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ. وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» (نساء: ۲۳). در این آیه تنها به دو دسته از محارم رضاعی اشاره شده است، ولی براساس حدیث معروف که از پیامبر ﷺ نقل شده است تمام کسانی که در محارم نسبی ذکر شد مثل آنها از راه رضاع نیز حرام می‌شوند: «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۴۶/۵). بنابراین، رضاع به منزله نسب دوم است.

## اول. فلسفه حرام بودن ازدواج با محارم رضاعی

موضوع حرمت نکاح به واسطه قرابت رضاعی از جمله احکام امضایی اسلام است. آیت الله مکارم مسئله حرمت نکاح به سبب رضاع را از تعبدیات می‌دانند که دلیل عقلی در آن راه ندارد. بنابراین، آنچه بیان می‌شود از استحسانات ظنی است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۷/۳) شاید فلسفه تحریم محارم رضاعی این باشد که وقتی کودک از شیر زنی می‌خورد شباهتی میان کودک شیرخوار با زن شیرده و فرزندان و سایر خویشاوندان نسبی او شکل می‌گیرد که گویی آن کودک فرزند واقعی آن زن و از گوشت و پوست اوست. همان‌طور که وحدت خون، خویشاوندی نسبی بین افراد ایجاد می‌کند که موجب پیدایش مفاصد طبیعی و اجتماعی در فرزندان متولد شده از آنها می‌شود شیر انسان نیز در کودکانی که از آن تغذیه می‌کنند تأثیر بسزایی دارد و وضعیت طبیعی و روحی شیردهنده در کودکانی که از آن تغذیه می‌کنند تأثیر بسزایی دارد و وضعیت طبیعی و روحی شیردهنده را در کودک به ودیعه می‌گذارد. به همین دلیل نوعی خویشاوندی بین کودکانی که از یک زن، شیر خورده‌اند و همچنین بین کودک و زنی که به او شیر داده و همچنین مردی که کودک از شیر زن او خورده است، ایجاد می‌شود (امامی، ۱۳۸۷، ۲۹۲/۴). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِلرِّضَاعِ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ، فَإِنَّ الرِّضَاعَ بَعِيرُ الطَّبَاعِ» (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ۳۱۷/۱۱).

## ۶. آسیب‌شناسی ازدواج با محارم

### ۱-۶. آسیب‌های تربیتی در بعد فردی

ازدواج اولین گام انسان برای ایجاد و تکوین زندگی مشترک با فردی از جنس مخالف است. چنانچه این گام در چارچوب قوانین و مقررات الهی و به شکل صحیح و سنجیده برداشته شود کارکردهای مناسب و پیامدهای سازنده آن در طول زندگی مشترک ملموس خواهد بود. در غیر این صورت فرد دچار برخی آسیب‌ها می‌شود که در این قسمت بدان‌ها اشاره می‌شود.

#### ۱-۱-۶. تنزل کمالات معنوی

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بَرَّوَجَةٍ». (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۰/۱۴) ازدواج موجب حفظ دین، افزایش ثواب عبادات و به وجود آورنده مودت و رحمت میان افراد و همچنین عاملی مؤثر در حفظ پاک‌دامنی و طهارت دل هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۰۷/۱۷). «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷) این در کنترل غریزه جنسی است. به عبارتی ارضای غریزه جنسی میل به انحراف را در انسان کاهش داده و هوای نفس که منشأ بسیاری از ناهنجاری‌هاست تا حد زیادی مهار می‌شود و مهار هوای نفس از یک سو و رحمت و مودت الهی که در ازدواج حاصل می‌شود از سوی دیگر موجب کمال نفس و نورانیت دل می‌شود؛ زیرا کسی که به طرف گناه و ناهنجاری نرود و مشمول عنایات الهی باشد به نورانیت درون و قلب نایل می‌شود (پناهی، ۱۳۹۲). بنابراین، خداوند متعال تنها بر ازدواج‌های حلال و مشروع تأکید داشته است.

ازدواج با محارم گویای تضاد آن با فطرت ذاتی انسان است. ازدواجی که به جای رشد دینی و معنوی انسان، تنفر و انزجار روحی و روانی در او ایجاد می‌کند و موجب تضعیف و سست جلوه نمودن دین در انظار عمومی و ادیان دیگر و نیز سبک نشان دادن دین را سبب می‌شود. بنابراین، با وجود اینکه ازدواج امری مستحب مؤکد است و با ارضای نیازهای جنسی، انسان را از تحریفات حفظ کرده و زمینه کمال معنوی را در وی به ثمر می‌نشانند، اما تصدیق کردن اینکه مردی می‌تواند با دختری که خود او بزرگ کرده باشد ازدواج کند، موجب می‌شود که مردم با اخلاق و فقه بیگانه

شوند. بنابراین، در ازدواجی که ارضای غریزه جنسی مشروع جایگاهی ندارد و بسیاری عوامل که موجب دوری انسان از کمالات حقیقی که مورد تأکید اسلام بوده است تکامل معنوی جایی ندارد و برعکس، انسان در صورت انجام این ازدواج مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

#### ۶-۲. فقدان عفت و نزدیکی به گناه

از جمله فلسفه‌های مهم ازدواج، عفت و دوری از گناه است. در اثر ازدواج غریزه جنسی که یکی از قوی‌ترین غرایز انسانی است در مسیر طبیعی خود قرار می‌گیرد و این پدیده به نوبه خود موجب می‌شود تا انسان از گناهانی که به دلیل میل جنسی انجام می‌دهد تا حد زیادی مصون بماند. همچنین ازدواج موجب می‌شود تا انسان در مسیر کمال و خودسازی معنوی بیشتر قدم بگذارد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ما مِنْ شَأْنٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سَيِّئَةٍ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ؛ يَا وَيْلَهُ! يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ. فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴/۱۵۰). همچنین درباره عفت به واسطه ازدواج می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنِ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَعْصَى لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصُّومِ؛ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴/۱۵۳).

انگیزه اصلی گناهان و انحرافات اخلاقی و تربیتی، سه قوه است: قوه شهویه، غضبیه و وهمیه. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۸) این سه قوه در مرز تعدیل خود در وجود انسان برای دفع مفساد و جلب ارزش‌ها لازم هستند. نیروی غضب برای دفاع و مبارزه با تجاوزات بیگانه، نیروی شهوات در مسیر طبیعی برای بقای نسل و لذت‌ها و تفریحات سالم و نیروی وهمیه برای کسب امور عادی در حد طبیعی لازم است، ولی طغیان و یا تعطیل آنها موجب افراط و تفریط شده، انگیزه انحراف و فساد می‌شود (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۸). مهمترین عامل تعدیل صحیح در قوه شهویه در شهوت جنسی، ازدواج است. ازدواج موجب کنترل این قوه شده و آن را از تجاوز و طغیان بازمی‌دارد. وقتی جلوی طغیان شهوات گرفته شود زمینه برای کسب عفت و دوری از گناه مهیا می‌شود و انگیزه گناه از بین خواهد رفت (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۹).

غریزه جنسی مانند آب رودخانه منبع حیات است. اگر در مقابل آن سدی بسته شود و دریچه‌ای پشت سر آن قرار گیرد آب‌های رودخانه، مایه حیات دام‌ها و گیاهان خواهد بود و جمع



شدن آب نه تنها موجب ضرر و سیلاب نمی‌شود، بلکه با بازکردن سد در هنگام نیاز به آب می‌توان از آن استفاده بهینه و منطقی کرد. کنترل شهوات و ارضای آن از راه ازدواج مانند آب رودخانه و پشت سد مایه حیات و به‌ارمغان آورنده عفت و پاک‌دامنی در جامعه است. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۹) این درحالی است که در ازدواج با محارم، آن جاذبه و کشش جنسی که از سوی خداوند به زوجین ازدواج‌های حلال افاضه می‌شود، وجود ندارد؛ زیرا محارم اغلب باهم بزرگ می‌شوند و برای یکدیگر فرد عادی و معمولی هستند درحالی که یکی از شرایط استحکام پیوند زناشویی، جاذبه جنسی است. بنابراین، اگر ازدواج درمیان محارم صورت گیرد، فشار انحرافات جنسی که در اثر عدم ارضای غریزه جنسی به وجود می‌آید فرد را در برابر تبلیغات حاصل از تهاجم فرهنگی سست می‌سازد و در نتیجه بی‌غیرتی به جای عفت و دوری از گناه و بی‌زگی افراد جامعه شده و عقیده آنها نسبت به شرافت انسانی سست می‌شود. چنانچه در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» (نساء: ۱) ازدواج با محارم زمینه محرّمات دیگر را فراهم می‌کند که همگی آنها در پیشگاه خداوند مبعوض و موجبات سقوط افراد جامعه را فراهم می‌کند.

### ۳-۱-۶. فقدان احساس مسئولیت‌پذیری

انسان تا وقتی تنهاست، احساس مسئولیت هم در او کمتر دیده می‌شود، اما با ازدواج فکر می‌کند مسئولیت زن و فرزند خود را برعهده دارد. از این رو بی‌بندوباری را رها کرده و ازدواج مانند سدی او را کنترل می‌کند. شواهد بسیاری وجود دارد که جوانان بسیاری پس از ازدواج سربه‌راه شده‌اند و سبک‌سری و بیراهه‌رفتن‌های گذشته را ترک کرده‌اند. این سخن جوانان ازدواج کرده که می‌گویند: «ما دیگر ازدواج کرده‌ایم و مثل سابق نمی‌توانیم به هر جا برویم. برای ما که زن و بچه داریم عیب است به هر راهی پایبندیم، (پناهی، ۱۳۹۲، ۶/۵) همان احساس مسئولیت است که به این صورت جلوه می‌کند. بنابراین، احساس مسئولیت موجب مراقبت، کنترل و دوری از هرگونه انحرافات خواهد شد و احساس مسئولیت همان وجدان اخلاقی و نفس لوآمه است که نقش بسیاری در پاک‌زیستن و نظم رفتاری دارد. هنگام انجام عمل پسندیده و عمل به وظیفه، احساس آرامش

درونی در فرد به وجود می‌آید و روح انسان را لبریز از شادی و نشاط می‌کند. وجود چنین احساسی نیروی مهمی برای جلب سعادت و دوری از هرگونه انحراف است که با ازدواج صحیح، چنین احساسی در انسان ایجاد می‌شود. در ازدواج با محارم که مخالف با روح شریعت است و حکمت‌هایی در باب حرمت این ازدواج‌ها وجود دارد نه تنها مسئولیت‌پذیری‌ها نسبت به اعضای خانواده بیشتر نمی‌شود، بلکه تخم نفاق در بین اعضای خانواده برای تصاحب مادیات پاشیده می‌شود، احترام و جایگاه‌ها از میان افراد خانواده رخت برمی‌بندد، هتک حرمت میان اعضای خانواده به چشم می‌خورد و کینه و عداوت جای مودت و محبت را می‌گیرد.

#### ۶-۲. آسیب‌های تربیتی در بعد اجتماعی

##### ۶-۲-۱. فقدان تداوم نسل و عدم حفظ انساب

از مفاهیم مهم و مرتبط با توسعه و پیشرفت نظام اجتماعی، تعداد افراد آن جامعه و روابط صحیح و سالم بین آنهاست. این امر هماهنگ با هدف آفرینش یعنی، ازدواج است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ». (نحل: ۷۲) ازدواج موجب پیوند و ازدیاد نسل‌ها، پرورش فرزندان صالح و مؤمن، اصلاح جامعه انسانی و گسترش روح بندگی که هدف اساسی خلقت انسان است در عرصه گیتی می‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتُمُوا فَانِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ جمعیتی که با بندگی خدا از طریق انجام وظایف دینی و انسانی، موجب آبادانی مادی و معنوی جهان می‌گردند» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴/۱۵۳). بنابراین، فلسفه ازدواج گسترش و توسعه خانواده و ارتباط آنها با بیگانگان است که این امر در ازدواج با محارم وجود ندارد. توضیح آنکه ازدواج با محبت بین زوجین به دست می‌آید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). پس اجتماع و انس هردو مطلوب خداوند است، اما از آنجاکه نسب، خود موجب مودت و محبت است برای حصول آن اجتماع لازم نیست. بنابراین، نکاح اقارب و نزدیکان به دلیل مخالفت با مقاصد شرع، مشروع نیست و در نتیجه این نهی الهی، اجتماعی که مطلوب خداوند باشد به دست نمی‌آید؛ زیرا از طرف شارع، پسندیده و مطلوب نیست و هدف اصلی ازدواج در آن محقق نمی‌شود. همچنین با استناد

به حدیث پیامبر ﷺ که فرمود: «لَا تَنْكُحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَخْلُقُ ضَاوِياً» (جزری، ۱۴۰۵، ۱۰۶/۳) و با مراجعه به علم پزشکی و ژنتیک به دلیل تشابه زیاد ژنتیکی میان خویشاوندان نزدیک، ایجاد نسلی مریض و حامل بیماری در ازدواج با محارم وجود دارد که فقها آن را این گونه توجیه کرده‌اند که تحریک تمایل جنسی نسبت با محارم کمتر است. در نتیجه هر چند تمایل کمتر باشد ضعف شهوانی بیشتر و در نتیجه فرزند ضعیف‌تر خواهد شد (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۵/۷). نسل بیمار و ناتوان آسیب‌های جدی از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... به اجتماع وارد می‌کند و وجود همین آسیب‌ها مانع روند رشد و پیشرفت جامعه می‌شود.

#### ۲-۲-۶. فقدان سلامت و امنیت اجتماعی

با پیوند زناشویی، نوعی همبستگی روحی و عاطفی و عشق و محبت میان زوجین برقرار می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱) و این امر موجب می‌شود که طرفین از یکدیگر از نظر جسمی، روحی، فردی و اجتماعی نفع زیادی ببرند. سلامت و امنیت اجتماعی از فواید مهم اجتماعی ازدواج در جامعه است که طی آن زمینه ارتکاب جرم و بزهکاری در جامعه کاهش می‌یابد. به‌مخاطره افتادن امنیت و سلامت اجتماع با گناه و ناهنجاری مجردها بیشتر صورت می‌پذیرد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُزَابُ» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۲۰/۲۰). در ازدواج با محارم باید گفت که این ازدواج نه منشأ آرامش خود را از لطف و رحمت خدا بر بندگان به‌دست می‌آورد و نه بر مبنای دستورات الهی که نیازهای فطری بشر را مدنظر قرار داده باشد، قرار دارد. بنابراین، افراد در این ازدواج نمی‌توانند مصداق آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱) قرار گیرند. در این صورت آثار زیان بار این ازدواج حرام بسیار تأمل برانگیز می‌شود که با روح اخلاق و جامعه سازگار نیست و موجبات فساد در جامعه را ایجاد می‌کند. برای مثال اگر در یک خانواده ارحام نزدیک زناشویی کنند افراد خانواده باید بر سر کسب مسائل مادی که موجبات دشمنی و کینه را در بین افراد خانواده که پایه اصلی جامعه است را فراهم آورند و یا احترام و جایگاه‌های افراد در جامعه متزلزل شده و آنها دچار مشکل شوند و در این صورت پایه‌های اجتماع لغزان و امنیت و سلامت جامعه خدشه‌دار می‌شود.

### ۶-۲-۳. فقدان و ضعف در تثبیت صفات جنسی

گذشتن از دوران کودکی و رسیدن به بزرگسالی نیازمند دستیابی به هویت جنسی و نقش جنسیتی است که این دو بر اثر ازدواج و انتخاب همسر میسر می‌شود؛ زیرا هنگامی که در اجتماع به فردی همسر یا شوهر خطاب شود در او این حس به وجود می‌آید که به مرحله بزرگسالی رسیده است و از او انتظار می‌رود تا مثل یک بزرگسال رفتار کند. از این رو احساس مسئولیت بیشتری کرده و سعی می‌کند نقش جنسی خود را بهتر انجام دهد. دختر و پسر به واسطه ازدواج به شناخت خود عمق می‌دهند و زنانگی و مردانگی خود را ابراز می‌کنند، به بسیاری از دل‌مشغولی‌های خود پایان می‌دهند، باورها و ارزش‌های محوری جامعه را در درون خود تثبیت کرده نسبت به آن متعهد می‌شوند و در نتیجه خود را از پراکندگی نقش‌ها رها کرده به انسجام در هویت جنسی روی می‌آورند. ازدواج با محارم که در تضاد با فطرت است و حرام بودن آن ناظر بر تنافر فطری و ذاتی انسان با این نوع ازدواج‌هاست ساختاری که بتواند پیوسته روی زنان و مردان تأثیر بگذارد تا به رفتار خود شکل منطقی دهند و از همه مهمتر موجب شود تا احساس زن و مرد بودن در آنان تقویت شود را ندارند. (استیون، ۱۳۹۰، ص ۷۸) اگر اجتماعی براساس روابط نامشروع بی‌بندوباری و آزادی‌های افراطی شکل گیرد، نمی‌تواند جامعه‌ای انسانی و سالم باشد. زن و مرد با چنین ازدواجی اگر از راه نامشروع فرزندی به دنیا آورد در برابر او احساس مسئولیت نمی‌کند، در تعلیم و تربیت او نمی‌کوشد و در فراهم آوردن امکانات برای او بی‌تفاوت است؛ زیرا به درک صحیح از هویت جنسی و نقش جنسیتی خود نرسیده‌اند.

### ۶-۲-۴. فقدان رشد و شکوفایی فضایل اخلاق و انسانی

ازدواج زمینه‌ساز بروز خلاقیت‌ها و پیروزی‌ها در زوجین و به فعلیت رساندن فضایل اخلاقی و انسانی در آنهاست. وقتی از مرد خانواده انتظار می‌رود تا هنگام ضرورت برای پشتیبانی از خانواده خود ایستادگی کند روحیه دفاع و جوانمردی در او تقویت می‌شود. به وجود آمدن وظایف مادری برای زنان موجب می‌شود تا با تحمل مشکلات فرزندپروری و شوهرداری به کمال روحی بیشتری دست یافته و روح خود را با صبر و ایثار بالنده کنند و با مسئولیتی که در خانه و خانواده دارد

استعدادهای خود را برای اداره مناسب خانواده به کار گیرند و درنهایت به موفقیت بیشتری برسند. افروز در این باره می‌نویسد: «ازدواج آغاز لطیف‌ترین و گرمابخش‌ترین رابطه‌ها و به‌فعلیت رساندن همه استعدادها و قابلیت‌ها و بهره‌مندی از عالی‌ترین تکریم‌هاست» (افروز، ۱۳۸۱، ص ۶). ازدواج با محارم تبعات روحی و روانی، فروپاشی خانواده و اختلال در نظم عمومی را به دنبال دارد. بنابراین، عنصر مصلحت در این ازدواج در نظر گرفته نشده است. اگر کسی عمری شخصی را پدر خود می‌دانسته و تنها با او رابطه پدری داشته و پدر هم به چشم فرزند به او نگاه کرده است یک‌باره ببیند نظر شخص، نظر جنسی و شهوانی به اوست چه خواهد شد. از مقررات قطعی شریعت اسلام در رابطه با زندگی اجتماعی سالم حفظ عفت فرد و جامعه، حفظ حرمت و جایگاه افراد و از طرفی هدایت صحیح‌گریزه جنسی است تا انسان به گناه و آلودگی‌ها کشانده نشود و عفت او به مخاطره نیفتد.

#### ۶-۲-۵. فقدان آرامش و امنیت خاطر

مهمترین نیازی که در سایه ازدواج برآورده و تأمین می‌شود نیاز به آرامش و امنیت خاطر است که در ذات و سرشت انسان ریشه دارد و از راه ازدواج میسر می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (روم: ۲۱) براساس آیه شریفه با ازدواج، جوانی که در اوایل جوانی با احساس تنهایی، بیهودگی و نداشتن پناهگاه عاطفی دست‌به‌گریبان است به جایگاه امن رهنمون می‌شود و همسران با اتکا به هم درمقابل امواج گرفتاری‌های زندگی مقاومت کنند و با امید بخشیدن به یکدیگر به زندگی محبت‌آمیز خود ادامه می‌دهند. امام رضا علیه السلام در این درباره می‌فرماید: «ما أفادَ عبدٌ فائدةً خيراً من روجهِ صالحةٍ، إذا رآها سرتَهَ وإذا غابَ عنها حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۳۹/۲۰). آرامش و امنیت خاطر زوجین گاهی از راه ارضای‌گریزه جنسی به دست می‌آید؛ یعنی هنگامی که این‌گریزه ارضا شود از هیجانانگاسته شده و انسان به نوعی آرامش دست می‌یابد.

## ۷. نتیجه‌گیری

تمام احکام و باید و نبایدهای شریعت، معلول مصالح و مفاسدی است که شارع مقدس در تشریح احکام بدان‌ها نظر داشته است. ازدواج با قوانین اسلام با فطرت انسان هماهنگ است. علاوه بر رسیدن به آرامش و مودت، جامعه‌ای سالم را به وجود می‌آورد. خدای تعالی هر آنچه بنیان خانواده که مهمترین اصل اجتماع است را بلرزاند منع کرده است. ارضای غریزه جنسی در ازدواج با محارم به نوعی منفور و مخالف با فطرت است و از طرفی با نکاح محارم بسیاری از جایگاه‌ها متزلزل شده و ارتباط افراد با یکدیگر دچار نوعی دوگانگی می‌شود؛ به طوری که هریک نفع خود را بیش از هرکس دیگر طالب است. بنابراین، باید خانواده و روابط سالم میان افراد خانواده حفظ شود تا اجتماع حفظ شود. براساس این توضیحات گزاره نیست اگر گفته شود همه حدود و قیودی که خداوند متعال در زمینه ازدواج بیان فرموده بازگشت آن برای حفظ اسلام است؛ زیرا که همه قوانین وارد شده است در زمینه نکاح برای حفظ بنیان خانواده است؛ زیرا خانواده شکل دهنده جامعه است و جامعه نیز بستری برای به اجرا درآمدن قوانین اسلام است و همین جایگاه و کارکرد مهم خانواده است که آن را محبوب‌ترین بنیان نزد خداوند کرده است. تحریم محارم از ناحیه خدای سبحان از آنجاکه تحریمی است قطعی و بدون شرط و مسلمانان برای همیشه مایوس از کام‌گیری از آنها شده‌اند در صورتی که نادیده گرفته شود آسیب‌های جدی به فرد مانند تنزل کمالات معنوی، فقدان عفت و نزدیکی به گناه، فقدان احساس مسئولیت‌پذیری و نیز آسیب‌های جدی به اجتماع مانند فقدان تداوم نسل و عدم حفظ انساب، فقدان سلامت و امنیت اجتماعی، فقدان آرامش و امنیت خاطر، فقدان رشد و شکوفایی فضایل اخلاق و انسانی وارد می‌کند که بسیار قابل تأمل است.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات شریعت.
- ۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴). التحریر و التنبیر. تونس: دار التونمیه للنشر.
- ۲. استیون، ناک (۱۳۹۰). ازدواج در زندگی مردان. مترجم: غفاری، سعید. تهران: نشر رشیدی.
- ۳. افروز، غلامعلی (۱۳۸۱). مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.

۴. امامی، سید حسن (۱۳۸۷). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامیه.
۵. امینی، علیرضا؛ محمدرضا آیتی (۱۳۸۹). ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه. قم: کتاب طه.
۶. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
۷. پناهی، علی احمد (۱۳۹۲). ازدواج در اسلام. [iec-md.org](http://iec-md.org).
۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. جززی، ابن الاثیر مبارک بن محمد (۱۴۰۵). النهایه فی غریب الحدیث و الأثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۱. حسن زاده، رمضان (۱۳۹۰). روان شناسی خانواده، عشق و ازدواج. تهران: سالوان.
۱۲. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران: دوستان؛ ناهید.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۶۲). المفردات فی غریب القرآن. قم: کتابفروشی مرتضوی.
۱۴. سروری، علی اصغر (۱۳۸۰). اصول ژنتیک پزشکی در ازدواج. اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
۱۵. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.
۱۶. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
۱۸. عاملی، شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۹. عاملی، شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: کتابفروشی داوری.
۲۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۸۸). کنزالعرفان فی فقه القرآن. مترجم: بخشایشی عقیقی، عبدالرحیم. قم: نوید اسلام.
۲۱. فتنی، محمد طاهر بن علی (۱۳۴۳). تذکره الموضوعات. حلب: اداره الطباعه المنیریة.
۲۲. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.
۲۴. قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸). محاسن التأویل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. محبوبی منش، حسین (۱۳۸۳). تغییرات اجتماعی ازدواج. نشریه کتاب زنان، شماره ۲۶، ۵۴-۶۶.
۲۷. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۹). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۸. محمدی اشتهااردی، محمد (۱۳۷۷). ازدواج و شیوه همسررداری. تهران: انتشارات کتاب یوسف.
۲۹. مشکینی اردبیلی، علی اکبر (۱۳۹۳). ازدواج در اسلام. قم: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). زنا، آثار و توابع آن. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۳۰). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۳۴. نوری، میرزا حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.
۳۵. واسطی زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۶. یوسفیان، حسن (۱۳۸۳). عقل و وحی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.





## بررسی رویکرد رحمانی به زن در قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان

زلیخا زاهد<sup>۱</sup>، نرجس رودگر<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین رحمانی جایگاه و شخصیت زن در قرآن است، موضوعی که باعث اتهامات ناروایی به‌ویژه در جوامع غربی به دین اسلام شده است. اگرچه در نوشتار حاضر تمام مضامین و اوصاف قرآن نسبت به زنان را نمی‌توان به‌تصویر کشید، اما با تأمل در آیات قرآن ثابت می‌شود که خداوند بر اساس رحمت خود برای زنان او صاف و ویژگی‌هایی مانند مردان در نظر گرفته و در بیشتر آیات به عظمت و شخصیت زن جایگاه رفیعی داده و زن را عضو مؤثری در جامعه انسانی معرفی کرده است. بنابراین، زنان در کرامت، خلقت، ارزش عمل و الگو بودن، همسان مردان معرفی شده‌اند که نشانگر نگاه رحمانی قرآن به زنان است.

**واژگان کلیدی:** زن، رویکرد، رحمانی، قرآن کریم، تفسیر المیزان.

### ۱. مقدمه

انسان جلوه جامع و کامل تمام اسماء و صفات خداوند است و در این نسبت میان زن و مرد فرقی نیست. بر همین اساس است که اسلام برخلاف مکاتب بشری برای حفظ شأن و جایگاه زن با معرفی او در قالب خطاب رویکرد رحمانی خداوند متعال، مجموعه احکام و قوانینی ارائه کرده است تا زن را به مقام مظهریت کامل جمال الهی برساند. در این راه زن باید بر اساس حکمت پروردگار

---

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

(نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه فلسفه، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

صفات زنانه، زیبایی ظاهری، روحیه احساسی و عاطفی اش را که خداوند برای استحکام نظام خانواده و گسترش مودت و رحمت فراهم کرده است به سمت اهداف حکیمانه خداوند به کار گیرد. احکام و قوانین اسلامی مربوط به زنان در این مورد وضع شده‌اند. مقاله حاضر به رویکرد رحمانی به زن در قرآن کریم می‌پردازد. یکی از مسائل اساسی در موضوع زنان این است که آیا زن و مرد از صفات و ارزش‌های واحد برخوردارند و آثاری همانند از هردو انتظار می‌رود یا اینکه هر یک صفاتی متفاوت دارند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از آیات قرآن به این نتیجه می‌رسد که تفاوتی در ماهیت زن و مرد وجود ندارد. هردو در سرشت و سیرت انسانی مشترک هستند. بنابراین، انسانیت وجه مشترک این دو است.

## ۲. مهمترین صفات و ویژگی‌های زن و مرد در قرآن

### ۲-۱. کرامت زن در قرآن

اسلام اهمیت زیادی به کرامت انسان داده است؛ زیرا کرامت و ارزش انسانی زن و مرد از مفاهیم بنیانی در انسان‌شناسی قرآنی و وحیانی و تعالیم دینی است. برهمن اساس در قرآن نسبت به انسان‌ها توصیف‌های زیادی شده است و با قیاس به سایر ادیان، اسلام بیشترین اهمیت و ارزش را برای بشر داده و کرامت انسان را تکمیل‌کننده حقیقت انسان می‌داند. بنابراین، عدم توجه به کرامت انسان به‌ویژه نسبت به زنان یکی از مهمترین سبب‌گرایش به تحریف شخصیت زنان است. نوشتار حاضر، کرامت زن از منظر قرآن و نقش آن در حقوق را بررسی می‌کند.

### ۲-۲. مفهوم کرامت

کرامت در لغت به معنای نزاهت، پاکی و بزرگی است. فراهیدی در کتاب العین درباره کرامت می‌نویسد: «تکرم عین الشائئات، آی: تتره. المکرمانی: الکریم، نقیض الملامانی». (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳۹۸/۵) کرامت به معنای نزاهت و پاکی از زشتی‌ها و نقیض کرامت، ملامت است. از نگاه ابن منظور کرامت به معنای منزلت، بزرگی و نزاهت است و صفت کریم را برای کسی می‌داند که جامع تمام انواع خیر، شرف و فضائل باشد. ایشان در لسان العرب می‌نویسد: «الکریم: الجامع لأنواع الخیر و الشرف و الفضائل» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۴۵/۵). راغب اصفهانی نیز کرامت را به معنای اخلاق و

کردار نیک و ستوده می‌داند چنان‌که می‌نویسد: «إذا وصف به الإنسان هو إسم للأخلاق والأفعال المحمود التي تظهر منه و كل شيء شرف في بابه فإنه يوصف بالكرم» (راغب الاصفهانی، ۱۹۹۶، ص ۷۰۷). کرامت به معنای خوی و کردار ستوده و پسندیده است که بالفعل از او ظاهر شود و هر چیزی که در مجموعه و نوع خود شرافت پیدا کند موصوف به کرامت است. بنابراین آنچه گفته شد وجه مشترک همه دیدگاه‌ها این است که کرامت بدون مقایسه است، اما تفضیل با مقایسه است. آقای مصطفوی در این زمینه می‌نویسد: «کرامت عبارت است از عزت و برتری در ذات چیزی بدون در نظر گرفتن برتری آن نسبت به چیزی که فروتر است. کرامت در مقابل پستی و خواری قرار می‌گیرد، همان‌گونه که عزت در مقابل ذلت و بزرگی در مقابل خردی و، اما شرافت بیشترین مورد استعمال آن در برتری‌ها و امتیازهای مادی است» (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۴۶/۱۰).

## ۲-۳. انواع کرامت

دومین نکته‌ای که لازم است روشن شود انواع کرامت است؛ زیرا کرامت هدیه‌ای است که تنها مخصوص آدمی است و هیچ موجود زمینی دیگری به این شرافت توصیف نشده است. قرآن می‌فرماید: «کرمنا بنی آدم». بنابراین، کرامتی که انسان به آن متصف می‌شود دو نوع است: کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی. علامه طباطبایی درباره کرامت ذاتی می‌نویسد: «اولی عبارت از امور ذاتی و ملحقات آن از غرایز است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۱۹/۱۳). علامه در تعریف کرامت اکتسابی می‌نویسد: «دومی عبارت از امور کسبی است که خود او باید تحصیل کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۱۹/۱۳). علامه در المیزان تفاوت کرامت ذاتی و اکتسابی را در مثال بشر و ملائکه این‌گونه مطرح می‌کند: «فرق میان کرامت ملائکه و کرامت بشر هر چند که در هر دو موهبتی است این است که این موهبت را به بشر از راه اکتساب می‌دهند، ولی به ملائکه بدون اکتساب» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۳۸/۱۴). از بیانات علامه دریافت می‌شود که کرامت دو نوع است: ذاتی و اکتسابی. مهمترین تفاوت کرامت ذاتی و اکتسابی این است که کرامت ذاتی، غیرارادی است و بی‌اینکه انسان در این امر دخالتی داشته باشد خالق هستی، آن را در وجود و ضمیر وی ودیعت نهاده است، اما کرامت

اكتسابی، ارادی و اختیاری است و به اراده و اختیار انسان و تلاش و کوشش وی وصول به آن بستگی دارد و هرچه در این راه بیشتر به تکاپو و تلاش افتد به درجاتی بالاتر از کرامت می‌رسد و هرچه کاهل‌تر و بی‌اراده‌تر باشد حرمان او افزون‌تر خواهد بود (آراسته جوان، ۱۳۸۹). در کرامت ذاتی اراده و کسب انسان دخالت ندارد، اما در کرامت اکتسابی کسب و اراده انسان تأثیرگذار است.

### ۳. دیدگاه مفسرین درباره کرامت انسان

#### ۳-۱. برتری انسان از همه مخلوقات

اولین دیدگاه درباره انسان این است که انسان در جهان نسبت به همه مخلوقات خداوند فوقیت دارد و کرامت باعث فضیلت آنها میان مخلوقات شده است. مکارم در این زمینه می‌نویسد: «بعضی از مفسران آیه فوق را دلیل بر فضیلت فرشتگان بر کل بنی آدم دانسته‌اند؛ زیرا قرآن می‌گوید ما انسان‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم و طبعاً گروهی در اینجا باقی می‌ماند که انسان برتر از آنها نیست و این گروه جز فرشتگان نخواهند بود، ولی با توجه به آیات آفرینش آدم و سجود و خضوع فرشتگان برای او و تعلیم علم اسماء به آنها از سوی آدم، تردیدی باقی نمی‌ماند که انسان از فرشته برتر است. بنابراین، کثیر در اینجا به معنی جمیع خواهد بود و به گفته مفسر بزرگ طبرسی در مجمع البیان در قرآن و مکالمات عرب بسیار معمول است که این کلمه به معنی جمیع می‌آید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۹۹/۱۲). همین دیدگاه را ابن جوزی اختیار کرده است و می‌نویسد: «فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ جَمِيعِ مَنْ خَلَقْنَا (اسرا: ۷۰) و العرب تضع الأکثر و الکثیر فی موضع الجمع، کقوله تعالی: «يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْتَرُهُمْ كَادِبُونَ» (شعرا: ۲۲۳) (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ۴۰/۳).

صاحب مجمع البیان دیدگاه کسانی که به وسیله این آیه بر افضلیت ملائکه بر انبیا استدلال کرده‌اند را نقد کرده است و می‌نویسد: «و ایشان را بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم. بعضی به این آیه استدلال کرده‌اند که: فرشتگان برتر از پیامبرانند؛ زیرا از این جمله استفاده می‌شود که اولاد آدم بر همه مخلوقات برتری ندارد، بلکه بر بسیاری از آنها. پس آنها بر حیوانات برتری دارند، ولی بر فرشتگان برتری ندارند، اما به چند دلیل این عقیده باطل است». (طبرسی، ۱۳۷۲،

۱۷۸/۱۴). اگرچه ایشان افضلیت همه انسان‌ها را تصریح نکرده است، ولی از سخنان دریافت می‌شود که ایشان قائل هستند که انسان بر همه مخلوقات افضل است.

### ۲-۳. برتری انسان بر برخی از مخلوقات

دومین دیدگاه درباره برتری انسان این است که انسان نسبت به برخی مخلوقات برتری دارد نه بر همه مخلوقات. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این زمینه می‌نویسد: «بنابراین معنای آیه این می‌شود که ما بنی‌آدم را از بسیاری از مخلوقاتمان که حیوان و جن بوده باشند، برتری دادیم و اما بقیه موجودات که در مقابل کلمه بسیار، کثیر قرار دارند یعنی، ملائکه خارج از محل گفتار هستند؛ زیرا آنها موجوداتی نوری و غیرمادی هستند و داخل در نظام جاری در این عالم نیستند و آیه شریفه هرچند درباره انسان بحث می‌کند، ولی از این نظر مورد بحث قرارش داده که یکی از موجودات عالم مادی است که او را به نعمت‌های نفسی و اضافی تکریم کرده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۱۷/۱۳). علامه زمخشری می‌نویسد: «علی کثیر مَمَّنْ خَلَقْنَا. هو ما سوی الملائکه؛ غیر از ملائکه بر خیلی از مخلوقات فضیلت دادیم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲۸۱/۲). پس دومین دیدگاه درباره کرامت این است که انسان‌ها نسبت به برخی مخلوقات برتری دارند نه همه مخلوقات خداوند. براساس همین دیدگاه ملائکه را از این برتری خارج کرده‌اند.

### ۳-۳. تبیین نقش کرامت انسان در حقوق زنان

پنجمین نکته مهم درباره کرامت، نقش آن در رویکرد رحمانی به زن است؛ زیرا خداوند این کرامت را نسبت به انسان‌ها چه زن باشد چه مرد براساس رویکرد رحمانی عطا کرده است و همین باعث می‌شود که زن نیز مانند مرد تکریم شود. در این زمینه آمده است: «از مهمترین و بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که خداوند به انسان بخشیده است، نعمت کرامت و شرافت ذاتی است که ظرفیت زیادی را در او برای برقراری تحول تکاملی و پیدا کردن سرچشمه‌های زندگی آسوده و حیات طیبه در دنیا و آخر ایجاد می‌کند و این امر در رابطه با زنان اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا زایش و تولد انسان‌ها در دامن آنها صورت می‌گیرد» (دره‌بیدی، ۱۳۸۶، ص ۳۵). در جای دیگر آمده است: «آفتاب اسلام

زمانی طلوع کرد که زنان با ازدست دادن حیثیت انسانی‌شان در آتش ستم بی‌عدالتی و تبعیض می‌سوختند. اسلام با تبعیضات رایج در بین زن و مرد به مبارزه برخاست و زن را به‌عنوان یک عنصر اصلی انسانی برخوردار از هر نوع حقوق انسانی و اجتماعی معرفی کرد. قرآن برترین کرامت را برای زن بیان کرده و عالی‌ترین دفاع را از حقوق آنان کرده است به‌گونه‌ای که موافق با مصالح اجتماعی و مطابق با وظیفه طبیعی آنان می‌باشد» (اصغری و محمدجواد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). بنابراین، روشن می‌شود که خداوند متعال زن را در قالب انسان، تکریم کرده است. زن نقش ویژه و برجسته‌ای دارد و تمام احکام و قوانین خداوند متعال براساس کرامت زن جعل شده است.

#### ۴. خلقت

واژه خلقت در دانش‌های متعددی بررسی شده و ساخت ظاهری انسان مورد توجه دانشمندان بوده است. از آنجاکه در جامعه انسانی دو موجود برجسته و نمایان یعنی، زن و مرد تشکیل دهنده انسان هستند، پس خلقت آنها نیز در ابعاد مختلف بررسی شده است. قرآن نخستین و مهمترین منبع وحیانی در جامعه است، پس برخی ابعاد مهم خلقت از نگاه قرآن بیان می‌شود تا رویکرد رحمانی به زنان روشن شود.

#### ۴-۱. اشتراک در سرشت خلقت

اولین نکته مهمی که از قرآن به‌دست می‌آید این است که زن و مرد حقیقت و سرشت واحدی دارند؛ یعنی حقیقت وجودی و انسانی آنها تفاوتی ندارد. بر همین اساس است که زن و مرد در خلقت اولیه از یک خمیر نشأت گرفته‌اند که حتی در نخستین خلقت انسان نیز زن و مرد از نظر خلقت هیچ تفاوتی ندارند، اگرچه برخی دانشمندان دیدگاه متفاوتی درباره سرشت زن در خلقت بیان کرده‌اند. براساس نظر جوادی آملی در خلقت اولیه میان زن و مرد فرقی وجود ندارد و دیدگاه‌های دیگر را مخالف قرآن می‌داند. علامه طباطبایی می‌نویسد: «اسلام بیان می‌کند که زن نیز مانند مرد، انسان است و هر انسانی چه مرد و چه زن فردی است از انسان که در ماده و عنصر پیدایش او دو نفر انسان نر و ماده شرکت و دخالت داشته‌اند و هیچ‌یک از این دو نفر بر دیگری

برتری ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۳۱۳/۵). در واقع اساس و بنیاد زن و مرد را یکی می‌داند. ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «این آیه می‌خواهد مردم را به تقوا و پروا داشتن از پروردگار خود دعوت کند؛ مردمی که در اصل انسانیت و در حقیقت بشریت باهم متحدند و در این حقیقت بین زنشان و مردشان، صغیرشان و کبیرشان، عاجزشان و نیرومندشان فرقی نیست، دعوت کند تا مردم درباره خویش به این بی‌تفاوتی پی‌ببرند تا دیگر مرد به زن و کبیر به صغیر ظلم نکنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۳۱۳/۵). از نظر قرآن تمام انسان‌ها از منشأ اولیه خلقت زنان و مردان یعنی، از خاك (حج: ۵)، گل (ر.ک.، انعام: ۲)، گل چسبنده (ر.ک.، الرحمن: ۱۴) و لجن سیاه بدبو (ر.ک.، حجر: ۲۵) آفریده شده‌اند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» (ص: ۷۱). خداوند به واسطه خلقت زن و مرد به خودش فرمود: «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴) و هردو را مایه خیر و برکت معرفی کرده است.

#### ۴-۲. اشتراك در ماده خلقت

دومین نکته‌ای که قرآن بر آن تأکید دارد مسئله اشتراك در ماده خلقت انسان است. درباره انسان نخستین در قسمت‌های مختلف قرآن با تعابیر مختلف مطالبی مطرح شده است؛ اما این اختلافات درباره خلقت نخستین انسان‌هاست و نسل‌های بعدی بشر از یک جنس خلق شده‌اند و همگی در آن نطفه شریک هستند و تفاوتی در خلقت آنها نیست. قرآن در این باره به تعبیرهای مختلف مانند واژه ماء (ر.ک.، فرقان: ۵۴)، نطفه (ر.ک.، یس: ۷۷)، ماء مهین (ر.ک.، مرسلات: ۲۰)، ماء دافق (ر.ک.، نحل: ۴) و نطفه امشاج (ر.ک.، دهر: ۲) اشاره کرده است. علاوه بر آنها تعبیر به منی نیز شده است: «أَلَمْ يَكُنْ مِنْ نُطْفَةٍ مِنْ مَنِيِّ يَمْنَىٰ» (قیامت: ۳۷). باتوجه به اینکه در قرآن آمده است که نسل‌های بعد از آدم از نطفه هستند، پس می‌توان گفت که نقش نطفه در زن و مرد یکی است و از یک گوهر شکل می‌گیرد و تفاوتی در آن وجود ندارد. قرآن نیز به این نکته تأکید دارد. آقای مصباح درباره تعبیر به ماء درباره نطفه می‌نویسد: «پس اطلاق ماء بر نطفه در قرآن ناآشنا نیست و بعید به نظر نخواهد آمد اگر منظور از ماء در آیه: «خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا» (فرقان: ۵۴) نطفه

باشد. بعداً خواهیم گفت که این آیه و آیات دیگری که تصریح به نطفه در آفرینش انسان دارد، عمومیت ندارد چنان که عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و آدم عَلَيْهِ السَّلَام از نطفه خلق نشده‌اند، پس این آیات فقط جریان طبیعی خلقت انسان را بیان می‌کند و آن افراد استثنایی از سیاق آیات خارج هستند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۵۷).

شیخ طوسی در تفسیر ماء مهین می‌نویسد: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷) «ای ابتداء خلق الإنسان من طین، برید انه خلق آدم الذی هو أول الخلق من طین» و «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» و قوله «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ» (سجده: ۸)؛ یعنی: «نسل الانسان الذی هو آدم و ولد من سلالة، و هی الصفوة التي تنسل من غيرها خارجة». (طوسی، بی تا، ۲۹۷/۸) آغاز انسان از گل بوده است؛ یعنی مراد، خلقت حضرت آدم است که نخستین مخلوق از گل است؛ اما نسل او را از آب خلق کرده است؛ پس بین نخستین بشر و نسل او در خلقت تفاوت وجود داشته است که نخستین انسان از گل و نسل او از نطفه خلق شده است.

از بیانات دانشمندان روشن می‌شود که ماده همه انسان‌ها یکی است و آن نطفه است. اگرچه درباره انسان‌های نخستین اختلاف نظر است، اما درباره نسل حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام هیچ اختلافی وجود ندارد؛ یعنی نسبت به خلقت زنان نیامده است که در نطفه نیز تفاوت داشته است، پس از نظر ماده خلقت بین زن و مرد فرقی نیست و قرآن نیز بر آن تأکید دارد و خداوند متعال نیز براساس رحمت عامه همه نسل آدم را از یک ماده خلق کرده است.

#### ۴-۳. اشتراك در خلقت متعادل

سومین نکته نسبت به خلقت انسان و به‌ویژه زنان در قرآن مسئله تعادل و تسویه در خلقت است. از نگاه قرآن در تخلیق همه انسان‌ها تعادل و تسویه برقرار است. می‌توان گفت که از نظر قرآن، استواری در خلقت مادی از ویژگی‌های مهم خلقت زن و مرد است. به‌همین دلیل در قرآن آمده است: «ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى؛ و پس از نطفه، خون بسته شد و آن‌گاه (خدایش به این صورت زیبای حیرت‌انگیز) آفرید و آراسته ساخت» (قیامت: ۳۸). در سوره اعلی آمده است: «الَّذِي خَلَقَ



فَسَوِّى؛ آن خدایی که (عالم را) خلق کرد و (همه را) به حد کمال خود رساند» (اعلی: ۲). تعبیر آفرینش احسن و تقویم نیز به همین معنی است، پس یکی از ویژگی‌های مشترک بین زن و مرد در نظام خلقت تعادل و تسویه است. علامه طباطبایی می‌فرماید: «استوای در خلقت به این معناست که هرکدام از اجزای بدن زن و مرد به گونه‌ای شایسته و به بهترین شکل در جای خود قرار گرفته و آنان را مصداقی بالارزش و متعالی، اما متفاوت در نظام احسن خلقت قرار داده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۲). مکارم شیرازی تسویه را در کل نظام هستی تسری داده است و می‌نویسد: «سوی از ماده تسویه به معنی نظام بخشیدن و مرتب کردن است و مفهوم گسترده‌ای دارد که تمام نظامات جهان را شامل می‌شود اعم از نظاماتی که بر منظومه‌ها و کواکب آسمان حاکم است و یا آنچه بر مخلوقات زمینی مخصوصاً انسان از نظر جسم و جان و اینکه بعضی از مفسران آن را تنها به نظام خاص دست و پا و چشم‌های انسان و یا راست قامت بودن او تفسیر کرده‌اند درحقیقت بیان مصداق محدودی از این مفهوم وسیع است. به هر حال نظام عالم آفرینش که بزرگ‌ترین منظومه‌های آسمانی را شامل می‌شود تا موضوعات ساده‌ای مانند خطوط سرانگشت‌های انسان که در سوره قیامت به آن اشاره شده: «بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِيَ بَنَانَهُ» (قیامت: ۴) شاهد گویایی بر ربوبیت او و اثبات وجود پروردگار است و در این تعبیر کوتاه يك دنيا مطلب نهفته است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۳۸۵/۲۶).

آنچه از قرآن برمی‌آید این است که مواهب و نعمت‌هایی که در این آیه ذکر شده است به قشر خاصی از انسان تعلق ندارد و قرینه خاصی نیز برای آن یافت نمی‌شود تا برمبنای آن برتری دسته خاصی از انسان‌ها یعنی، مردان یا زنان استخراج شود. تجهیزات و مزایا برای همه است تا با آن به تعالی دست یابند. در آیه یادشده، مقام احسن چنان بوده که خداوند به خود بالیده و تبارک‌الله آورده است. (برهانی‌نژاد، ۱۳۹۸) خداوند در همه نظام هستی و در این نظام آفرینش انسان تعادل و تسویه ایجاد کرده است.

#### ۴-۴. اشتراك در مقومات انسانیت

از نظر قرآن خداوند همه آنچه را که در قوام انسانیت دخالت دارد به بشر به بهترین شکل عطا کرده است. برخلاف جوامع بسیاری که زن را از حوزه انسانیت خارج می‌دانسته‌اند، قرآن در مقومات که برای انسان بیان کرده فرقی بین زن و مرد نگذاشته است. علامه جوادی آملی می‌نویسد: «قرآن کریم وقتی مسئله زن و مرد را مطرح می‌کند، می‌گوید: این دو را از چهره زکورت و انورت شناسید، بلکه از چهره انسانیت بشناسید و حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد نه بدن او. انسانیت انسان را جان او تأمین می‌کند نه جسم او و نه مجموع جسم و جان. اگر جسم نقشی در انسانیت انسان می‌داشت به عنوان تمام ذات یا جزو ذات ممکن بود سخن از مذکر یا مؤنث قابل طرح باشد و باید بحث شود که آیا این دو صنف متساویند یا متفاوت. ولی اگر حقیقت هرکسی را روح او تشکیل داد جسم ارزیابی بیش نبود و این ابزار گاهی مذکر است و گاه مؤنث و روح نه مذکر است و نه مؤنث. قهراً بحث از تساوی زن و مرد یا تفاوت این دو صنف در مسائل مربوط به حقیقت انسان رخت می‌بندد؛ یعنی سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود نه به انتفاء محمول و چون تساوی و تفاوت، عدم و ملکه هستند نه سلب و ایجاب اگر در یک موردی سخن از تساوی به میان نیامده سخن از تفاوت هم پیش نخواهد آمد. قرآن حقیقت هر انسان را روح او دانسته و بدن را ابزاری می‌داند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۷۹).

از نگاه آقای جوادی، حقیقت روح، انسان را تشکیل می‌دهد و روح متصف به مذکر و مؤنث نمی‌شود. بنابراین انسان من حیث المذکر و المؤنث هیچ تفاوتی ندارد. ایشان در کتاب کرامت انسان می‌نویسد: «اگر گفته شود زن و مرد یکسانند به آن معنا نیست که روح دو قسم است که یک قسم مذکر است و یک قسم مؤنث و این دو قسم مساوی هم‌اند، بلکه ارشاد به نفی موضوع است؛ یعنی روح اصلاً مذکر و مؤنث نیست. روح انسان موجود مجرد است و همه فضائل اخلاقی به روح آدمی برمی‌گردد. بنابراین، نه ذکورت مایه فخر است و نه انوشت مانع کرامت. چنان‌که وابستگی به شعبه‌ها و قبیله‌ها و نژادها هم نه مانع کرامت است و نه موجب آن» (جوادی، ۱۳۸۶، ص ۷۹). علامه نیز می‌نویسد: «مشاهده و تجربه این معنا را ثابت کرده که مرد و زن دو فرد از یک نوع و از یک

جوهرند. جوهری که نامش انسان است، چون تمامی آثاری که از انسانیت در صنف مرد مشاهده شده در صنف زن نیز مشاهده شده است (اگر در مرد فضائلی از قبیل سخاوت، شجاعت، علم خویشتن‌داری و امثال آن دیده شده در صنف زن نیز دیده شده است) آن هم بدون هیچ تفاوت. به طور مسلم ظهور آثار نوع، دلیل بر تحقق خود نوع است، پس صنف زن نیز انسان است. بله این دو صنف در بعضی از آثار مشترکه (نه آثار مختصه از قبیل حامله شدن و امثال آن) از نظر شدت و ضعف اختلاف دارند، ولی صرف شدت و ضعف در بعضی از صفات انسانیت باعث آن نمی‌شود که بگوییم نوعیت در صنف ضعیف باطل شده و او دیگر انسان نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴۰/۴).

#### ۴-۵. اشتراك در هدف خلقت

ویژگی دیگر درباره خلقت زن مسئله اشتراك مرد و زن در هدف خلقت است. از نظر آیات متعدد قرآن کریم نزدیک شدن به قرب ربوبی بر اساس پرستش و اطاعت از قوانین الهی، هدف و مقصد نهایی مشترك انسان از زن و مرد است. بنابراین، در قسمت‌های مختلف قرآن به آن هدف مشترك اشاره شده است. خداوند فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ جن و آدمی را نیافریدیم مگر برای عبادت و پرستش کردن» (ذاریات: ۵۶). در این زمینه آمده است: «درباره خداوند دو جور عبادت داریم: یکی اطاعت از فرامین او در زندگی روزمره راجع به حلال و حرام و غیره از دستورات خداوند و دین او پیروی کنیم. این عبادت به معنای طاعت و فرمانبری است و دیگری تذللی است توأم با تقدیس یعنی، بنده نهایت خضوع و ذلت را در برابر حق اظهار می‌دارد و در عین حال او را از تمام نقایص پاک و به تمام کمالات دارا می‌داند» (قرشی، ۱۳۷۱/۴ ۲۹۷). مکارم در تفسیر نمونه می‌نویسد: «و بالاخره عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی، کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام برندارد و هرچه غیر اوست را فراموش کند، حتی خویشتن را. و این است هدف نهایی آفرینش بشر که خدا برای وصول به آن، میدان آزمایشی فراهم ساخته و علم و آگاهی به انسان داده و نتیجه نهاییش نیز غرق شدن در اقیانوس رحمت اوست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۱۲/۲۷).

آقای مصباح در عدم تفاوت در هدف خلقت بین زن و مرد می‌نویسد: «مرد و زن بر اثر عبودیت خدای متعال و انجام تکالیفی که برعهده آنهاست به‌طور مساوی و یکسان استکمال می‌یابند. چنین نیست که بعضی از انواع و مراتب کمالات انسانی به مردان اختصاص داشته باشد و زنان را در آن سهمی و مشارکتی نباشد یا به‌عکس». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۲۷۲/۵) بنابراین، اشتراک در هدف نهایی، مهمترین معیار و اساس بنای قضاوت درباره فراتری و فروتری مخلوقات الهی و نقطه بارز تراز قضاوت در مورد دیگر اهداف تبعی و ابزاری، حقوق و تکالیف و استعدادهای تکوینی است.

#### ۴-۶. خلقت زن و تأثیر آن بر حقوق زنان

ازمنظر قرآن و بسیاری از محققان و اندیشمندان در تبیین اشتراکات زن این نکته روشن می‌شود که از نظر انسان تفاوت‌های بین زن و مرد محل تأمل است؛ زیرا اگر انسان را مرکب شده از جسم و روح الهی دانسته و روح امری مجرد و بسیط فرض شود که تذکیر و تأنیث‌بردار نیست، پس تفاوت‌هایی که درباره زن بیان کرده‌اند مربوط به جسم انسان خواهد بود و تنها جسم است که لوازم تأنیث و تذکیر متصف می‌شود و حقیقت انسان را روح تشکیل می‌دهد نه بدن. ازاین‌رو تمام احکام و قوانین که متفاوت دیده می‌شود به جسم و جسمانیت برمی‌گردد. دراین‌زمینه آمده است: «در آموزهای اسلام، ارزش‌های انسان که ملاک سنجش انسان‌هاست برای زن و مرد به‌طور یکسان ترسیم شده است؛ زیرا خاستگاه ارزش‌ها و فضایل نفس و روح انسان است نه جسم او و زن و مرد در نفس و روح تفاوتی ندارند. منشأ تفاوت زن و مرد جسم متفاوت زن و مرد و خصایص و ماهیت جسمی هریک از آنهاست. امری است که با توجه به واقعیت‌نگری قرآن و برای مشکل‌گشایی در آیات قرآن انعکاس پیدا کرده است. اسلام حقوق تکوینی برای زن و مرد قائل نشده است و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان نیست و اصل مساوات انسان درباره زن و مرد رعایت شده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، بلکه با تشابه حقوق آنها مخالف است. زن و مرد به‌لحاظ تکوینی (یعنی، از نظر زیستی، روانی و احساسات) کاملاً از یکدیگر متمایزند. به‌دلیل همین تفاوت‌های تکوینی، تشابه حقوقی آنها امکان‌پذیر نیست.

جنیست موجب می‌شود که زن و مرد تحت دو صنف از یک نوع واحد قرار گیرند» (خادمی، ۱۳۹۸). رهبر انقلاب می‌فرماید: «از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا هر دو انسان هستند و زن حق دخالت در سرنوشت خود را مانند مرد دارد. بله در بعضی موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد» (خسروپناه، ۱۳۹۶، ص ۳۵).

مصباح یزدی می‌نویسد: «البته متعادل بودن حقوق و تکالیف زن و مرد غیر از تساوی و هم‌رتبه بودن زن و مرد است. قرآن براساس قسمت اول آیه شریفه تعادل در حق و تکلیف را می‌پذیرد و براساس قسمت دوم آیه، تساوی مرد و زن را در حقوق و تکالیف رد می‌کند. اگر به مقتضای نیروها و توانایی‌های بیشتری که مرد به لحاظ تکوینی دارد تکالیف و مسئولیت‌های سنگین‌تری برعهده‌اش گذاشته شود بی‌شک بر او ظلمی در تکلیف نشده است و اگر به تناسب تکالیف و مسئولیت‌های سنگین‌تر مرد برایش حقوق و مزایای بیشتری معین شود باز بدون شک بر او سستی در مقام تکلیف نرفته است؛ زیرا تعادل میان حقوق و تکالیف درباره او کاملاً رعایت شده است». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۲۵۰/۵) پس عدم تفاوت در خلقت و اشتراک آن در بسیاری از ویژگی‌ها بین زن و مرد بیانگر این نکته است که حقوق و تکالیفی که خداوند برای مرد و زن جعل کرده است از نظر انسان بودن نیست، بلکه این نوع تفاوت‌ها نیز برخاسته از حکمت‌های الهی است که برمی‌گردد به توان جسمانی بین زن و مرد نه به حقیقت انسان بودن آن. از این رو آقای جوادی آملی در یک جمع‌بندی از آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام در این زمینه می‌نویسد: «قرآن بحث پیرامون حقیقت زن و مرد را به صورت کلی تنظیم فرموده و روایات اهل بیت علیهم‌السلام همان را شرح داده است. قرآن و عترت بر این حقیقت اصرار دارند که انسان‌ها یکسان هستند و در انسانیت هیچ تفاوتی میان آنها نیست. از صدر تا ساقه و از ساقه تا صدر اسلام نمی‌توانید نمونه‌ای از کمال بیاورید که در آن ذکورت شرط باشد و انوشت مانع. این حقیقت مغفول شرق و غرب است» (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰).

## ۵. ارزش عمل زن در قرآن

مورد سوم مسئله ارزش اعمال بین زن و مرد است. قرآن به صراحت ارزش یابی عمل زن و مرد را از نظر ثواب، عقاب و فضیلت مساوی می‌داند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ هَرَكْسِ عَمَلِ صَالِحِي اَنْجَام دَهْد، حَالِ چِه مَرْدِ بَاشِد چِه زَن بَه شَرَطِ اَيْنَكِه مَوْمِنِ بَاشِد مَا اَوْ رَا بَه يَكِ زَنْدِگِي پَاكِيْزِه (غِيْر اَز زَنْدِگِي فِيزِيْكَي كِه اَكْنُون دَارِد) زَنْدِه مِي كَنِيْم. تَقْوَا، عَمَلِ صَالِحِ وَايْمَانِ مَا رَا بَه يَكِ حَيَاتِ جَدِيْدِي مِي رَسَانِد» (نحل: ۹۷). در جای ديگر فرمود: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ اَيْنِهَا وَاْرِدِ بَهْشْتِ مِي شَوْنِد وِرْزَقِ اَلْهِي بِي حِسَابِ بَه اَنِهَا تَعْلُقِ مِي گِيْرِد» (غافر: ۴۰). پس از نظر ارزش انسانی و ارزش اعمال نیز برابری بین زن و مرد وجود دارد. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا؛ (و بدانيد كه) هَرَكْسِ كَارِ بَدِي (دَر دَنْيَا) كَرْدِه (اَنْجَا) اَلَا بَه مِثْلِ اَنِ مَجَازَاتِ نَشُوْد وِ هَرَكِه اَز مَرْدِ وِ زَن عَمَلِ صَالِحِ بَه جَا اَوْرَدِه دَر صَوْرَتِي كِه بَايْمَانِ بَاشَنْد اَنَانِ دَر بَهْشْتِ جَاوْدَانِ دَاخِلِ شَوْنِد وَاَنْجَا اَز رِزْقِ بِي حِسَابِ (و نَعْمَتِ بِي شِمَارِ) بَر خَوْرْدَارِ گَرْدَنْد» (نساء: ۱۲۴).

راغب اصفهانی در تعریف واژه عمل می‌فرماید: «عمل هر فعلی است که حیوان از قصد انجام می‌دهد و اخص از فعل می‌باشد؛ زیرا هر فعل بعضاً در مورد جمادات نیز به کار می‌رود». (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶، ص ۳۵۱) صاحب قاموس قرآن به نقل از اقرب الموارد نوشته است: «عمل در کاری گفته می‌شود که از روی عقل و فکر انجام می‌شود. بنابراین، مقرون با علم است، ولی فعل اعم از آن است. این فرق عمل و فعل را از قرآن نیز می‌توان استفاده کرد که عمل به اعمال و کارهای ارادی اطلاق شده است، ولی فعل گاهی در افعال جماد نیز به کار رفته است مانند: «قال بل فعله کبیرهم هذا فسألوههم ان كان ينطقون» (انبیا: ۶۳) (قرشی، ۱۳۷۱، ۴۴/۲).

بنابراین، واضح و روشن است که عمل باید از روی قصد و علم انجام شود و چنین عملی از نگاه قرآن تعبیر به عمل صالح شده است. «هرگاه براساس موازین الهی و ضوابط معقول و سالم بشری صورت پذیرد در قاموس دین اسلام و فرهنگ قرآنی با عنوان صالح توصیف می‌شود یا

عناوین دیگری مثل حسن، صواب، حق، خیر و مانند آن را شامل می‌شود» (دادخدا، ۱۳۸۹، ص ۳۱). علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه در این زمینه می‌نویسد: «از نظر اسلام هیچ فرقی بین مرد و زن نیست، خلاف پندار قدماى اهل ملل و نحل از قبیل هند و مصر و سایر بت پرستان که می‌پنداشتند زنان اصلاً عملی ندارند و اعمال صالحه آنان پاداش ندارد و نیز خلاف آنچه از یهودیان و مسیحیان به ظهور رسیده که گفته‌اند: «زنان نزد خدا خوار و بی‌مقدارند؛ زیرا خلقتشان ناقص و اجرشان خاسر است و هرچه حرمت و کرامت هست از آن مردان است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴۳/۵). در جای دیگر به این حقایق تصریح کرده است و می‌فرماید: «فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ در حالی که بیشتر امت‌های قدیم نیز معتقد بودند که عبادت و عمل صالح زن در درگاه خدای تعالی پذیرفته نیست» (آل عمران: ۹۵) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴۳/۵).

آنچه علامه طباطبایی از آیات قرآن برداشت می‌کند این است که مردان در عرصه انجام عمل صالح و ثواب بر این اعمال هیچ مزیت و فضیلتی بر زنان ندارند؛ زیرا این یک اصل قرآنی است. به همین دلیل که خداوند وعده داده است: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خدا به مردان و زنان مؤمن، بهشت‌ها وعده داده که جوی‌ها در زیر آن روان است و در آن باغ‌ها جاودان‌اند و (نیز) مسکن‌های پاکیزه در بهشت‌های جاودان و خشنودی خداوند (از همه) بهتر است. این همان کامیابی بزرگ است». (توبه: ۷۲) قرآن به صراحت به این نکته تأکید دارد. بنابراین، فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هرکس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که می‌کردند به آنان عطا می‌کنیم» (نحل: ۹۷). بنابراین، قرآن هنگام بیان پاداش، عمل صالح خود را با ایمان مقید کرده است، ولی در مصادیق ارزش‌یابی اعمال فرقی میان زن و مرد نگذاشته است.

## ۶. اهمیت الگو و اسوه

قرآن برای تربیت بشر الگوهای ارزشمندی را که در صفات انسانی برجسته و ممتاز بودند، معرفی می‌کند و این یکی از روش‌های تربیتی قرآن است. اهمیت الگو و اسوه از همین مطلب روشن می‌شود که انسان به طور فطری دنبال کسی است که از خودش بالاتر و از نظر صفات والاتر است. قرآن نیز از همین فطرت بهره گرفته است. سبحانی درباره اهمیت الگودهی قرآن می‌نویسد: «قرآن در هر موضوعی که سخن می‌گوید، سعی دارد بزرگ‌ترین قهرمان آن موضوع را معرفی کند، قهرمانی که می‌تواند برای آن موضوع بهترین الگو باشد» (سبحانی، ۱۴۱۸، ۳۴۵/۱۳). مصباح یزدی می‌نویسد: «در عرصه اسوه‌پذیری آنچه مطلوب و ارزشمند است الگوپذیری کاملاً آگاهانه، هدف‌دار و از روی معرفت و شناخت کامل می‌باشد. لحاظ عنصر آگاهی و هدف‌داری در الگوپذیری‌ها متفاوت است. الگوپذیری گاه کامل است؛ یعنی شخص پس از تفکر، استدلال، تجزیه و تحلیل عقلی و با بصیرت کامل به تقلید از الگو می‌پردازد و گاه در حد کمال نیست و شخص می‌تواند برای تقلید خود دلیلی منطقی ارائه کند، ولی به دلیلی ارتكازی به تقلید مبادرت می‌ورزد که این دلیل می‌تواند از ابهام درآید و به‌وضوح بیبوندد، پس عمده اعمال تقلیدی انسان آگاهانه و هدف‌دار است هرچند بسیاری از افراد در تعیین ملاک‌های الگوپذیری و تشخیص الگوهای شایسته دچار اشتباه می‌شوند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۶۸/۱). بنابراین، الگو و نمونه در زندگی انسان نقش مؤثری دارند.

## ۷. مصادیق زنان نمونه در قرآن

قرآن همان‌طور که انبیا علیهم‌السلام را الگوی بشریت معرفی کرده است عمل به روش و سیره آنها را لازم و ضروری می‌داند و برخی زنان را نیز الگو و نمونه بشری اعلام کرده است. جوادی آملی می‌نویسد: «اگر انسان وارسته شد الگوی دیگر انسان‌هاست. اگر مرد است الگوی مردم است نه مردان و اگر زن باشد باز الگوی مردم است نه زنان. این مطلب را قرآن به‌طور صریح روشن کرده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳).



## ۷-۱. همسر فرعون الگوی حق پذیری و ظلم ستیزی

یکی از زنان که نه معصوم بوده و نه در خانه معصوم پرورش یافته همسر فرعون است که هم در پذیرش دعوت نبی و هم مقابله با ستم‌های فرعون پیش قدم بوده است. در قرآن آمده است: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ و باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بیزاری جست و) عرض کرد: بار الهی (من از قصر فرعون و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون (کافر) و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش» (تحریم: ۱۱). زن فرعون نامی است که در دفاع از دین خدا و رسول خدا ﷺ و مبارزه با ظلم و ستم فرعون در تاریخ ضرب‌المثل شده است. این زن با وجود برخورداری از نعمت‌های مادی در معنویت و ظلم‌ستیزی نمونه زنان عالم شده است. این زن همسر فرعون است، ولی کوچک‌ترین گرد و غباری از پلیدی فرعون بر چهره نورانی او نمی‌نشیند (مطهری، ۱۳۹۰، ۴۸۹/۲۷).

جوادی آملی ذیل همین آیه تصریح به الگو بودن کرده است. ایشان می‌نویسد: «تعبیر قرآن در این آیه این نیست که همسر فرعون نمونه خوب زنان خوب است، بلکه زن خوب نمونه جامعه اسلامی است و جامعه برین از این زن الگو می‌گیرد نه اینکه فقط زنان باید از او درس بگیرند، بلکه جامعه اسلامی باید از او درس بگیرد». (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴) آنچه از بیانات دانشمندان روشن می‌شود این است که از نگاه قرآن در الگو بودن و اسوه بودن فرقی میان زن و مرد نیست. با همین نگرش، قرآن مثل زن فرعون را بازگو کرده است.

## ۷-۲. حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام الگوی عفت و پاکدامنی

یکی دیگر از مسائل مهم در جامعه انسان عفت و پاکدامنی است؛ زیرا یکی از خلقیات پسندیده و صفات عالیه انسانی است. ملکه عفت و پاکدامنی، خواهشات جنسی انسان را تعدیل می‌کند و انسان را از پلیدی‌های غریزه جنسی محفوظ نگاه می‌دارد. باتوجه به همین قرآن این مسئله را در ابعاد مختلفی بازگو کرده و معیارها و شرایط مخصوص عفت و پاکدامنی را بیان کرده است. از آنها

مهمتر نمونه‌های قرآنی متعددی در این مسئله مطرح است مانند داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام، زن ایوب عَلَيْهِ السَّلَام و... از همه آنها مهمتر داستان حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام نمونه انسان کامل و متجسم فضایل معنوی است. ایشان توانست در مسیر رشد و پیشرفت معنوی و عفت و پاکدامنی، الگوی سالکان و عرفان اعم از زن و مرد باشد چنان که در قرآن آمده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است» (آل عمران: ۴۲).

ای مکارم شیرازی در توضیح مثل‌های قرآن می‌نویسد: «خداوند به حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام دختر عمران مثال زده است، اما آن چیزی که از مریم عَلَيْهَا السَّلَام مثال زده شده غیر از چیزی است که از زندگی آسیه مثال زده شده است. در آنجا صبر و استقامت آسیه عَلَيْهَا السَّلَام مورد مثال بود و در اینجا عفت و پاکدامنی مریم. خداوند متعال در این مثال سه امتیاز برای حضرت مریم بیان می‌کند: امتیاز نخست، همان عفت و پاکدامنی است. در مثال سوم، سخن از زن عفیف و پاکدامنی است که هم امتیاز رابطه والا را دارد و هم ضوابط الهی را در سرحد کمال محترم می‌شمارد و به همین دلیل برای الگو معرفی می‌شود». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۳۰۸/۲) زنان دیگری نیز بودند که از نظر کمال و تقوی بالاترین مقام را از نظر انفاق در راه خدا (حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام) و رسیدن به مقام حجت (حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام) را داشتند و نمونه عالم بودند. حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام تمام آسایش و ثروتش را فدای ختم والای مقام حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمود و حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز تمام هستی را فدای امامت کرد.

## ۸. نتیجه‌گیری

از بررسی این گفتار به دست می‌آید که از نگاه قرآن مسئله اصلی میان زن و مرد پذیرش تقوی و اطاعت الهی است که با آن، میزان مرد و زن سنجیده می‌شود. مابقی چیزها در قالب فضیلت بیان شد فضیلت نیستند مانند خلقت زن و مرد، کرامت زن و مرد، ارزش عمل و رسیدن به معنویت در همه آنها زنان نیز با مردان مشارکت دارند. قرآن تصریح کرده است که خلقت انسان از روی

رحمانیت خداوند است. بنابراین، در اطاعت، پاداش و رسیدن به مقامات معنوی هیچ تفاوتی میان مرد و زن نیست. زنان نه فقط صلاحیت دارند که چنین مقاماتی را طی کنند، بلکه بالاتر از آن می‌توانند الگو و اسوه مردان باشند. پس رویکرد قرآنی به مسئله زن نشانگر این است که از نگاه قرآن، زن نیز مانند مرد مخلوق، صاحب کرامت و ارزشمند است، ولی این ارزشمندی اگرچه در برخی ابعاد ذاتی است، ولی حفظ آن کرامت در گروهی حفظ و محافظت و کسب کرامت اکتسابی است. این امر تا زمانی است که به دین متصل باشند. چنین زنانی ارزشمند هستند همان طور که چنین مردانی ارزشمند هستند، اما اگر در مسیر انحرافی قدم بردارند مانند مردان موجبات گرفتار شدن در عذاب الهی را برای خود فراهم می‌کنند.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۰). مکارم شیرازی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن جوزای، ابوالفرج (۱۴۲۲). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دار الکتب العربی.
  ۲. اصغری، محمد جواد (۱۳۸۶). کرامت زن در نظام حقوقی اسلام. مجموعه آثار همایش بین‌المللی امام خمینی رحمته. و قلمرو دین. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.
  ۳. آراسته جوان، حسین (۱۳۸۹). حقوق سیاسی و اجتماعی در اسلام. قم: دفتر نشر معارف.
  ۴. برهانی نژاد، محدثه، علوی، حمیدرضا، و سیف‌الدینی، رستم (۱۳۹۸). تبیین جایگاه سرشتی زن و مرد در ارتباط با یکدیگر براساس آیات آفرینش در قرآن کریم با نگاه اجمالی به عهدین. نشریه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۱۴، ۳۱-۹.
  ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). زن در آینه جلال و جمال. قم: مؤسسه اسراء.
  ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه. قم: مؤسسه اسراء.
  ۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). کرامت در قرآن. قم: مؤسسه اسراء.
  ۸. خادمی، عاطفه، و تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۸). مدل مفهومی زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای). نشریه زن در توسعه و سیاست، (۲۰۱۷)، ۲۵۷-۲۷۷.
  ۹. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶). منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
  ۱۰. دادخدا، خدایار (۱۳۹۳). تأثیر اعمال صالح در زندگی معنوی از دیدگاه قرآن. نشریه اخلاق پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۷، ۵۲-۱۱.
  ۱۱. راغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۶). مفردات الفاظ القرآن. محقق: صفوان عدنان داوودی. دمشق: دار القلم.
  ۱۲. زمخشری، محمود بن محمد بن احمد (۱۴۰۷). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتب العربی.
  ۱۳. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸). منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۱۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. عباسی دره‌بیدی، احمد (۱۳۹۵). حفظ کرامت زن؛ بایسته‌هایی در داشتن خانواده‌ای متعالی و زمینه‌ای برای پیشرفت. مجموعه کامل آثار و مقالات برگزیده نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت. دوره ۹، ۸۴۲-۸۴۸.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. محمد بن مکرم بن علی، جمال‌الدین بن منظور (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). به سوی او. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). جامی از زلال کوثر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). انسان شناسی در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. قم: صدرا.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). مثال‌های زیبای قرآن. قم: نسل جوان.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران (۱۳۷۰). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. همایون مصباح، سید حسین (۱۳۹۱). نگاهی به کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره حقوق زن. مجموعه کامل آثار و مقالات برگزیده نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت. (۲۹)، ۱۶۴، ۱۶۰-۱۲۲.

## نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور با نگاهی به داستان همسر عمران

ام‌البنین حسنی<sup>۱</sup>، وجیهه شیرکوند مقدم<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف تبیین نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور تدوین شده است. نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده است که بااستفاده از آیات و روایات به‌ویژه تأثیر آیه ۳۵ آل عمران بر تربیت کودک بیشتر مورد توجه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مادر بیشترین نقش را در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزند دارد؛ زیرا از همان ابتدای انعقاد نطفه تا دوران کودکی، نوجوانی و جوانی مأنوس با فرزند خود است. مادر از نظر دینی، عاطفی، اخلاقی و جسمانی در تربیت فرزند مؤثر است و لازم است در مسیر تربیت فرزند صالح تلاش کند. کودک تأثیرات اخلاقی، اعتقادی و عاطفی را از رفتار و عملکرد مادر فرامی‌گیرد. بنابراین، مادر خداپاور می‌تواند فرزند خداپاور و معتقد تربیت کند.

**واژگان کلیدی:** تربیت، مادر، فرزند، تربیت دینی، خداپاور.

### ۱. مقدمه

تربیت فرزند یکی از امور مهمی است که قرآن و پیامبر اسلام ﷺ به آن بسیار تأکید می‌کند. پدر و مادر در این رابطه نقش کلیدی و اساسی دارند که علاوه بر تربیت و رشد جسمی فرزند باید به تربیت روحی، روانی و خداپاوری آن نیز توجه ویژه‌ای کرده و از همان خردسالی برای ایجاد زمینه‌های خداپاوری در فرزند برنامه‌ریزی کنند که با اخلاق اسلامی و مبادی دین اسلام آشنا و به آن آگاهی یابند. تاریخ آفرینش انسان نماینگر این واقعیت است که هم‌زمان با آفرینش انسان بر

۱. دانش پژوه کارشناسی مقطع روان‌شناسی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

روی زمین، دین نیز متولد شده است و همواره پیامبرانی به کار هدایت و راهنمایی انسان‌ها مشغول بوده‌اند. تعلیم و تعلم از نظر اسلام اهمیت زیادی دارد. اگر پدر و مادر بتوانند با تعلیم و تعلمشان فرزندی خداپاور و مسلمان تحویل جامعه دهند و یا اگر معلم بتواند اصول دینی را به درستی در شاگرد خود نهادینه کند در زیست فردی شخص و جامعه تأثیر عمیق خواهد داشت و ثوابش همانند این است که جهان را زنده کرده باشد. پژوهش حاضر، نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور باتوجه به داستان همسر عمران در سوره آل عمران را بررسی می‌کند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. تربیت

واژه تربیت مصدر باب تفعیل از ریشه ربو و در لغت به معنای رشد، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آمده است. ابن منظور می‌گوید: «تربیت از ربو به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگهداری است» (ابن منظور، ۱۴۱۶). راغب اصفهانی تربیت را تغییر تدریجی امری می‌داند به گونه‌ای که آن چیز به حد تمام برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). ابن فارس معتقد است: «اقدام بر اصلاح چیزی را تربیت می‌گویند» (ابن فارس، ۱۳۹۹). بالاین وجود، اتفاق نظر چندانی درباره تعریف تربیت در اصطلاح وجود ندارد. صاحب نظران مکتب‌های گوناگون علمی و تربیتی هرکدام براساس گرایش، سلیقه و نیاز حوزه تخصصی خود تعریفی از تربیت داشته‌اند که مجال بررسی آنها در پژوهش حاضر نیست. موضوع مهم در پژوهش حاضر، مفهوم تربیت از دیدگاه اسلام و قرآن است که آن را در تعریف‌های کارشناسان دینی و اسلامی می‌توان یافت. دانشمندان اسلامی باتوجه به معنای لغوی تربیت یعنی، مفهوم پرورش دادن، شکوفا ساختن، رشد دادن، فراهم آوردن، زمینه‌های به فعلیت رساندن استعداد‌های درونی و بیرونی، برداشت‌های متفاوتی از آن دارند. استاد مرتضی مطهری می‌نویسد: «تربیت به معنای پرورش دادن استعداد‌های درونی است که بالقوه در یک شیء موجود است؛ یعنی آن توانایی‌های بالقوه را به فعلیت برساند» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۶). برخی دیگر از صاحب نظران نیز تربیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تربیت یعنی، پرورش دادن استعداد‌های

مادی و معنوی و هدایت آن به سوی کمالاتی که خداوند در وجود آدمی قرار داده است» (صانعی، ۱۳۷۸، ص ۱۱). ماده رب یا ربو به شکل های گوناگون در قرآن به کار رفته که بیشتر به معنای ربوبیت الهی و زیادت و فرونی است و تنها در دو مورد به معنای تربیت انسان آمده است: یکی به شکل فعل ماضی: «رَبِّ اِزْحَمُّهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ پروردگارا! همان گونه که آنها (پدر و مادر) مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان گردان» (اسرا: ۲۴) و دیگری در قالب فعل جحد آمده است: «أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا؛ آیا ما تو را در کودکی در میان خود بزرگ نکردیم» (شعرا: ۱۸). ظاهر این دو آیه مطلق است که همه جنبه های تربیت انسان از جسمی و معنوی را دربرمی گیرد. با توجه به آیات قرآن و یافته های اندیشمندان اسلامی می توان گفت تربیت دینی عبارت است از: «فرآیند فراهم ساختن زمینه های رشد جسمی و روحی متری به گونه ای که خود وی با اراده و اختیارش در مسیر تکامل مادی و معنوی گام بردارد و به هدف نهایی که همان تقرب به خداست، دست یابد». پیامبران، اولیای الهی و امامان معصوم علیهم السلام که مریبان دینی در طول تاریخ بودند برای هدایت مردم برانگیخته شدند و هدف اصلی آنها روشن کردن چراغ فطرت بشر است که بر اثر گناهان روبه خاموشی می رود. مریب دینی باید به شیوه پیامبران و اولیای خدا که بهترین منادیان دین حق بودند، عمل و آن هدایت گر درونی یعنی، فطرت الهی را در نهاد متری شکوفا کند. مادر نیز می تواند این شیوه تربیتی را در نخستین روزهای زندگی فرزند به گونه ای مطلوب در محیط خانه به کار ببندد. مادر از هر کس دیگری به فرزندش نزدیک تر است و از همه بیشتر با وی رابطه و انس دارد. از این رو می داند که چگونه با کودکش رفتار کند. مادر باید از نظر روحی و عاطفی به گونه ای فرزندش را تربیت کند که به ندای فطرت خود پاسخ گوید و خود را به گناه آلوده نکند. فراهم کردن زمینه های رشد جسمی و روحی و شکوفاسازی استعداد های درونی و فطری فرزند در سه جنبه شناخت، ایمان و عمل از وظایف یک مادر و مریب شایسته است به گونه ای که خود به سوی کمال الهی و انسانی گام بردارد. بنابراین، منظور از تربیت دینی در نوشتار حاضر فراهم کردن زمینه های شکوفا شدن توانایی های ذاتی و فطری فرزند در جنبه های شناختی، عاطفی و اخلاقی خدا باوری

است به‌گونه‌ای که وی با اراده و اختیار خود در مسیر رشد و بالندگی روحی و معنوی گام بردارد و به سعادت ابدی یعنی، قرب پروردگار برسد.

### ۳. تفاوت تربیت فرزند خداپاور و غیرخداپاور

همان‌گونه که آموزه‌های الهی با آموزه‌های غیرالهی تفاوت دارد تربیت فرزند خداپاور نیز از تربیت فرزند غیرخداپاور متفاوت خواهد بود. تفاوت این دو نوع تربیت بسیار است.

الف) به نظر می‌رسد مهمترین تفاوت تربیت فرزند خداپاور با غیرخداپاور هماهنگ بودن تربیت فرزند خداپاور با فطرت و خواسته‌های فطری انسان است. این امر از فطرت خدادادی بشر سرچشمه گرفته است. از این رو، برنامه‌های دینی به‌طور کامل با عقل و عقلانیتی منطبق است که از نهاد بشر برمی‌خیزد. علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید: «دین، انسانیت را به‌سوی یک سلسله مسائل حیاتی دعوت می‌کند که قبل از آن، فطرت خدادادی وی را به آن می‌خواند» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶). درمقابل، تربیت غیرخداپاور این ویژگی را ندارد، بلکه انسان را از فطرت اولیه‌اش دور می‌کند. در تربیت غیرالهی رعایت ارزش‌های دینی نه تنها مهم نیست، بلکه متربی را برضد آن پرورش می‌دهد. برای نمونه می‌توان گفت: «امروزه در جهان غرب مانع حجاب داشتن زنان و دختران می‌شوند و زمینه‌گسترش فحشا و منکر را در جامعه فراهم می‌کنند. روشن است که گسترش بی‌بندوباری در جامعه، انسان را از فطرت ذاتی‌اش دور و از مسیر اصلی‌اش منحرف می‌کند»؛

ب) تربیت الهی بر واقع‌بینی مبتنی است نه پندار و توهم؛ زیرا دین با فطرت انسان ارتباط مستقیم دارد و فطرت انسانی نیز به حقیقت دعوت می‌کند نه توهم. چنان‌که وقتی نوزاد گرسنه می‌شود شیر می‌خواهد نه تصور شیر. اسلام نیز انسان را از هوا و هوس و خرافه‌پرستی که توهمی بیش نیست، نهی می‌کند و به آنچه حق و صلاح فرد و جامعه است، فرمان می‌دهد. به‌همین دلیل انسان مؤمن در پرتو آموزه‌های اسلام، هوا و هوس خود را کنترل می‌کند و با عمل به دستورهای قرآن مقصود حقیقی خود را می‌یابد. درمقابل تربیت غیرالهی و غیرخدایی، هدفی جز دعوت به



پندارگرایی و فرورفتن در لهو و لعب و خوش گذرانی ندارد و سرابی بیش نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۴) امام علی علیه السلام می فرماید: «الهُوَى شَرِيكُ الْعَمَى؛ هوای نفس، شریک نابینایی است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). از آنجاکه عمی به معنای نابینا و درمقابل بیناست، می توان گفت که هوای نفسانی نیز که با آن شریک است از حقیقت بی بهره است؛

ج) تربیت الهی مبتنی بر اعتدال و میانه روی است و بدون اینکه انسان را از لذت های حلال دنیا بازدارد میان زندگی دنیا و آخرت تعادل برقرار می کند. انسان نمی تواند زندگی یک بعدی داشته باشد و تنها به مادیات یا معنویات بسنده کند؛ زیرا در جهان ماده بدون مادیات نمی توان زندگی کرد. همچنین زندگی بدون خدا باوری و خداپرستی ممکن نخواهد بود. تربیت خدا باور تلاش می کند انسانی پرورش دهد که زندگی دنیا را مقدمه حیات اخروی بداند و از آن برای زندگی پس از مرگ توشه بگیرد درحالی که تربیت غیر خدا باور زندگی را در عالم ماده منحصر می داند و برای ماورای آن اهمیتی قائل نیست (علامه طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۲۳)؛

د) تربیت الهی و خدا باور، حس مسئولیت پذیری را به گونه ای در انسان پرورش می دهد که وی خود را در همه کارهای فردی و اجتماعی نزد خدا مسئول بداند. مؤمن با ایمان قلبی خود همیشه خدا را حاضر و ناظر بر رفتارش می بیند. وی بر این باور است که: «اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُجِيطٌ؛ خداوند بر همه آنچه انسان انجام می دهد احاطه کامل دارد» (انفال: ۴۲)؛

ز) هدف اصلی تربیت الهی و خدا باوری، پرورش روح انسان است و تلاش می کند مرتبی را از نظر روحی به خدا نزدیک کند و در آخر به مقام قرب الهی برساند. این کار با تربیت درست و تزکیه نفس امکان پذیر است. درحالی که هدف تربیت غیردینی، تربیت ظاهری است در باطنی که این باعث می شود افراد، هنجارهای جامعه را بی چون و چرا بپذیرند و به تربیت روحی و معنوی انسان بی توجه باشند (سادات، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

#### ۴. قلمرو تربیت دینی

قلمرو تربیت الهی، قلمرو گسترده ای است. همان گونه که دین با جسم، جان، احساس و عواطف انسان سروکار دارد و برای زندگی فردی و اخلاقی بشر برنامه ریزی می کند تربیت دینی و خدا باوری

نیز در همین راستا گام برمی‌دارد و باید همین هدف را دنبال کند؛ زیرا تربیت الهی از دین الهام می‌گیرد و با به‌کارگیری آموزه‌های دینی به پرورش انسان می‌پردازد. دین همه جنبه‌های زندگی بشر را در برمی‌گیرد و برای هر جنبه‌ای، شیوه و رفتار ویژه‌ای را ارائه می‌کند. تربیت الهی و خدااباوری نیز این رسالت را دارد که دستورهای دینی را در جامعه نهادینه کند و مردم را به پیروی از آموزه‌های دینی فراخواند. بر همین اساس، تربیت دینی و خدااباوری، گستره وسیعی دارد و همه جنبه‌های زندگی انسان از مادی و معنوی را فرامی‌گیرد. هدف اصلی پیامبران و اولیای الهی، تعلیم، تربیت و پرورش اخلاق انسان‌ها بود. آنها تلاش بسیاری را در این زمینه انجام دادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همانا من برای اتمام و تکمیل اخلاق نیکو برانگیخته شده‌ام» (ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۷) اخلاق یعنی، خلق و خو و هرگونه رفتاری که از انسان سر می‌زند. بر این اساس، هدف اصلی بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله تربیت الهی و اخلاقی بود. از بررسی قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله مشخص می‌شود که فرآیند تربیت الهی و خدااباوری تا قلمرو گسترده در طول تاریخ وجود داشته است و پیامبران و مربیان دینی از آغاز تاکنون برای تحقق آن با جدیت تمام تلاش کرده‌اند. هرگز نمی‌توان راه پرفراز و نشیبی که مربیان اسلامی برای پرورش باورهای دینی پیموده‌اند را توصیف کرد، ولی آنچه باید به آن توجه داشت این است که این مهم را در محیط خانه، مدرسه و جامعه انجام دهند. به هر صورت تمام رفتارهای انسان از کوچک و بزرگ می‌تواند در قلمرو تربیت دینی قرار می‌گیرد و راهکارهای بسیاری درباره آن در قلمرو اسلام وارد شده است.

## ۵. جایگاه مادر در اسلام

هرچند همه ادیان الهی برای مقام مادر ارزش قائل هستند، ولی اسلام بیش از دیگر مکتب‌های دینی به این مسئله توجه کرده و به مادر احترام و عظمت بسیاری بخشیده است. اسلام، حقوقی را برای مادر که مربی انسان و پرورش دهنده جامعه است، قرار داده؛ زیرا اوست که می‌تواند جامعه را به سوی سعادت یا شقاوت و بدبختی بکشاند.

## ۵-۱. جایگاه مادر از نگاه قرآن

با دقت در برخی آیات قرآن مشخص می‌شود که خداوند از مادر به عظمت یاد کرده و مقام وی را ستوده است. وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی عَلَيْهِ السَّلَام اظهار ارادت و نیکی عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به مادر، بیان زحمت‌ها و رنج‌های مادر در قرآن و دستور حق تعالی به احسان و نیکی به پدر و مادر همه گواه والایی جایگاه مادر است. خدا پس از سفارش به احسان والدین به رنج و زحمت‌هایی که مادر برای فرزند متحمل می‌شود، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی برسد» (لقمان: ۱۴). بیان رنج و تلاش مادر با اینکه پدر نیز در تربیت فرزند شریک است دلیلی بر اهمیت و ارزش کار مادر است. روشن است کسی نزد حق تعالی مقام بالاتری دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد. نکته مهم در آیات مربوط به احسان پدر و مادر این است که خداوند نخست به نیکی کردن به پدر و مادر دستور می‌دهد، سپس بدون بیان زحمت‌های پدر، مشکلات و ناراحتی‌های مادر را بیان می‌کند؛ گویی مادر حامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او چنان ارزشمند است که احسان به پدر را نیز بر فرزند واجب می‌کند. اگر نبود صبر و پایداری مادر در برابر سختی‌های دوران بارداری و پذیرفتن ناگواری‌های طاقت‌فرسای دوره شیردهی و تربیت فرزند شاید این‌گونه قطعی به احسان به والدین به صورت مطلق حکم نمی‌شد. در قرآن مسئله نیکی به پدر و مادر با عبادت خدای متعال یکسان معرفی شده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و پروردگارت فرمان داده است جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید» (اسراء: ۲۳).

## ۵-۲. جایگاه مادر در سنت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

منظور از سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخنان، منطق عملی و شیوه زندگی آن حضرت است. احترام به شخصیت و مقام مادر و رعایت حقوق وی در سیره نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خوبی مشهود است. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبیین مقام مادر می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران

است» (ری شهری، ۱۳۸۵). این حدیث بدین معناست که بدون رضایت مادر نمی‌توان به بهشت و نعمت‌های بهشتی دست یافت و اگر کسی بخواهد به درجات عالی بهشت برسد باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کند. این همه ارج نهادن به مادر شاید به دلیل زحمت‌هایی است که مادر می‌کشد. رنج و زحمت دوران بارداری و نوزادی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند از مشکلات طاقت‌فرسایی است که مادر با جان تحمل می‌کند. طبیعی است که خداوند در برابر بردباری مادر، پاداش بی‌پایانی به او عنایت می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «روزی جوانی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. دوباره پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. برای مرتبه سوم پرسش را تکرار کرد. پیامبر فرمود: به مادرت. جوان پرسید: پس از آن به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر فرمود: به پدرت». سیره حضرت محمد صلی الله علیه و آله در احترام گذاردن بسیار به مادرش آمنه علیها السلام بهترین دلیل بر عظمت مقام مادر است.

### ۳-۵. جایگاه مادر در سیره امامان معصوم علیهم السلام

امام سجاد علیه السلام درباره حق مادر و عظمت و منزلت وی می‌فرماید: «حق مادر بر تو این است که بدانی او تو را حمل کرد آن‌گونه که هیچ‌کس دیگری را حمل نمی‌کند و از میوه قلبش به تو داد که هیچ‌کس به دیگری نمی‌دهد. تو را با جمیع اعضا و جوارحش در آغوش گرفت و باکی نداشت از اینکه گرسنه باشد، ترسی نداشت در جایی که خود تشنه باشد آن هنگام که تو را سیراب می‌ساخت و نیز هراس نداشت که خود برهنه باشد آن‌گاه که تو را می‌پوشانید و در آفتاب باشد تا تو را به سایه ببرد و خواب را به دلیل تو ترک و تو را از سرما و گرما محافظت کرد و تو نمی‌توانی شکرگزار در خدمات او باشی مگر با همیاری و توفیق پروردگار. (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳)

### ۴-۵. جایگاه مادر در اندیشه بزرگان

#### ۱-۴-۵. ملا محسن فیض کاشانی

فیض کاشانی راهکارهایی درباره احترام به والدین به‌ویژه مادر دارد که همگان را به رعایت آنها سفارش می‌کند. ایشان می‌نویسد: «ادب فرزند با پدر و مادر به این است که سخن آنها را بشنود و

بیش پای آنها برخیزد و امر آنها را گردن نهد و هیچ‌گاه جلوتر از آنها راه نرود. صدایش را از صدای آنها بلندتر کند و دعوت آنها را اجابت کند و بر جلب رضایت و خشنودی آنها حریص باشد و اگر در حق آنها نیکی کرد بر آنها منت نگذارد و اگر کاری برای آنها انجام داد خود را طلب‌کار ندارد و با تندی به آنها ننگرد و چشم در چشم آنها ندوزد و جز با اجازه آنها مسافرت نکند» (فیض کاشانی، بی‌تا، ص ۲۰۳).

#### ۵-۴-۲. ملا احمد نراقی

ملا احمد نراقی در کتاب معراج السعاده با تأکید بر فضیلت نیکی به پدر و مادر، عاق والدین را گناه نابخشودنی می‌شمرد و در ادامه می‌فرماید: «بدان که عقوق پدر و مادر عبارت است از: خشم آوردن و شکستن دل و آزدن خاطر ایشان و به هر نوع که دل ایشان آزرده شود عقوق حاصل می‌شود و آدمی مستحق عذاب الهی و بلای غیرمتناهی می‌گردد؛ خواه به زدن باشد یا دشنام دادن یا صدا به ایشان بلند کردن یا تیز برایشان نگریستن یا از ایشان روی گرداندن و بی‌توجهی یا از ایشان نافرمانی کردن در امری که اطاعتشان لازم است». (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۵۱۷)

#### ۶. نقش مادر حضرت مریم در تربیت فرزند

همسر عمران، مادر مریم علیها السلام زن نمونه و بانویی است که در قرآن ستایش شده و زن برگزیده از میان عالمیان معرفی شده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ به‌یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزید و پاک ساخت و بر تمام زنان جهان برتری داده است». (آل عمران: ۴۶) قداست و برگزیدگی مریم با تربیت یافتن وی در دامن مادری مانند همسر عمران که صاحب شایستگی‌ها، باور، اخلاص و ایمان بود بی‌ارتباط نیست؛ زیرا قرآن قبل از تکریم مریم علیها السلام ویژگی‌های مادر او را بیان می‌کند: «به‌یاد آورید هنگامی را که همسر عمران گفت: خدایا آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که محرر و آزاد برای خدمت خانه تو باشد. از من بپذیر که تو دانا و شنوا هستی» (آل عمران: ۳۵). بی‌تردید زنی با این خداباوری و نیت الهی و معنوی، دوره بارداری خود را در کمال پروا پیشگی و بزرگی خالصانه به‌سر برده و

مراقب طهارت ظاهری، باطنی و دوری از آرایش‌های تأثیرگذار بر کودک خود بوده است. اهمیت یادکرد قرآن از انگیزه الهی و خالصانه مادر مریم به‌هنگام بارداری و پیشکش کردن جنین خود به پیشگاه پروردگار هستی آن‌گاه میسر می‌شود که براساس کاوش‌ها و دریافت‌های جدید علمی مشخص می‌شود که حوادث محیطی و پیرامونی کودک از زمان تولد و حتی پیش از آن و در دوره جنینی مانند تصورات، افکار، حزن و اندوه او رفتارها و عملکردهای مادر و تغذیه، نظافت، گرفتن از شیر و آموزش در تنظیم و شکل‌گیری شخصیت آینده او تأثیر کامل دارد. روایات و نصوصی که از آداب زفاف، شرایط زمانی، مکانی و بایسته‌های زمان آمیزش، تأثیر آب و هوا، تغذیه و حالات روحی مادران بر فرزندان در دوره بارداری و شیردهی سخن می‌گویند از همین منظر قابل دقت است. بنیامین اسپاک می‌نویسد: «انسان قبل از تولد نه‌تنها در رحم مادر رشد می‌کند، تغذیه می‌شود و محیط گرمی دارد، بلکه در همه حرکت‌های او شریک است» (اسپاک، ۱۴۰۰، ص ۵۳۴).

مادر مریم در نخستین لحظه‌های تولد فرزندش در اندیشه پایبندی به عهده‌ی است که با خدا بسته است. زمانی که برخلاف تصور او دختری به دنیا آورده که نمی‌تواند براساس رسوم آن جامعه در شمار خدمتکاران خانه خدا درآید این رویداد خلاف تصور چیزی از ایمان وی کم نمی‌کند و او همچنان ثابت قدم در عهدش باقی ماند و نوزادش را مریم یعنی، عبادت‌کننده خداوند نام می‌نهد و با سپردن او و نسلش به خداوند خواهان امداد الهی در تربیت وی می‌شود: «ولی هنگامی که او را به دنیا آورد (و او را دختر یافت) گفت: خداوندا! من او را دختر آوردم، ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه‌تر است و پسر همانند دختر نیست. من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندانش را از وسوسه‌های شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم» (آل عمران: ۳۶). واژه عوذ به معنای پناه بردن، پناه دادن و تمسک به غیر است (رشیدرضا، ۱۹۹۰، ۲۹/۳). عوذ مریم به خدا یعنی، به تمام و کمال سپردن او به خداوند. مادر مریم در تربیت شایسته او از هیچ کوششی فروگذار نکرد و خداوند به دست او و در دامان او مریم را به رشد و کمالی بس نیک و شایسته رساند: «وَأَنْبَتْنَاهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران: ۳۷). این آیه بیانگر رشد، تربیت و پرورش بایسته و مطلوب مریم علیها السلام است. قرآن یادآور شده است که پاکی و پاکدامنی و صلاح پدر و مادر مریم در جامعه آنها مورد تأیید و تأکید بوده و

مردم انتظار داشتند که به حکم قوانین طبیعی و اجتماعی، مریم نیز فردی شایسته باشد و قرآن این انتظار را رد نکرده و نادرست نشمرده است.

## ۷. ابعاد مختلف تربیت در روایات و نصوص قرآنی

### ۱-۷. تربیت جسمانی

در روایت‌های بسیاری، وجود فرزند به گل تشبیه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزند صالح، گلی است از گل‌های بهشت» (حرعاملی، ۱۴۱۲). وجه تشابه فرزند به گل این است که فرزند در سال‌های نخست زندگی به‌ویژه دوران نوزادی همانند گل بهاری، جسمی لطیف، نازک و روحی باطراوت دارد. از این رو، به شدت به حفظ و نگهداری نیازمند است و اگر از او مراقبت نشود گل وجودش به پژمردگی و زردی خواهد گرایید. تنها کسی که می‌تواند به نیازهای جسمی و روحی کودک پاسخ مناسبی دهد، مادر است؛ زیرا مادر به شرایط زیستی و روانی کودک بیش از دیگری آشناست و اوست که با مهر و محبت می‌تواند از کودک نگهداری و نیازهای روحی و جسمی وی را رفع کند. نگهداری و پرورش بچه به‌ویژه در سال‌های نخست زندگی، کاری بس مشکل و طاقت‌فرساست که تنها با مهر مادری امکان‌پذیر خواهد بود.

### ۲-۷. تربیت دینی

تربیت دینی از دیدگاه اسلام و قرآن اهمیت بسیاری دارد و از آغاز زندگی فرزند باید بدان توجه کرد. نقش مادر در پرورش دینی و مذهبی فرزند روشن است. این نقش، دوران پیش از تولد و نیز پس از آن یعنی، دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را شامل می‌شود.

### ۳-۷. تربیت اخلاقی

نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزند بر همگان روشن است و چندان نیازی به تبیین ندارد. مادر مهمترین و نخستین الگوی رفتاری و اخلاقی فرزند است چنان‌که هر کاری که انجام می‌دهد در منش و شیوه رفتار او با دیگران اثر می‌گذارد. مادر با رفتار پسندیده خود، انسان می‌پروراند، فرزند را از عالم ناپاکی‌ها، حسدها، کینه‌ها و صفات ناپسند اخلاقی دور می‌کند و محبت و خیراندیشی به

هم‌نوع را به وی می‌آموزد. مادر سرچشمه فضیلت‌ها و خوبی‌هاست. وی می‌تواند درس تقوا و خدا ترسی به فرزند بیاموزد و از کودکی ضعیف و ناتوان، شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد و تحویل جامعه دهد. (عابدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶) اگر مادر به وظیفه خود عمل نکند و در برابر چشمان کودک دست به رفتارهای نامناسب و ناشایست بزند کودک از وی پیروی می‌کند و انسان پست و منحرفی می‌شود. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید: «مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد بچه‌ها از همان دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید؛ زیرا بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ‌کس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند، خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در او می‌بینند» (شریعتی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۴).

#### ۷-۴. تربیت عاطفی

مادر از نظر روانی و عاطفی، سرشار از محبت و صمیمیت است. وی به سبب ساختار وجودی‌اش، قدرت جذب و توان بالایی در ابراز احساسات و عواطف دارد. حال اگر از این توان درست و به‌جا استفاده شود در تحکیم پیوند خانوادگی و چگونگی شکل‌گیری روابط اجتماعی و تربیت فرزندان نقش سازنده‌ای خواهد داشت. مادر می‌تواند با رعایت اصول و قوانین اسلامی در سامان‌دهی امور خانواده و پرورش فرزندان نقش مهمی ایفا کند. ویژگی عاطفی زنان، بستر مناسبی برای ایفای نقش مادری و تربیت فرزندان است. (قائمی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۸) یکی از جنبه‌های مهم نقش تربیتی مادر، نقش وی در پرورش عواطف فرزند است که آثار آن در رفتار وی به خوبی نمایان می‌شود. اسلام به ویژگی عاطفی و روانی مادران توجه ویژه‌ای داشته و به این جنبه از وجود آنها اهمیت فراوان داده است. رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید: «خداوند با زنان و مادران، مهربان‌تر از مردان است» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۰۴/۱۵). توجه ویژه خداوند به عواطف مادران، مسئولیت آنها را در برابر فرزندان‌شان افزون‌تر می‌کند؛ زیرا مادران باید فرزند را با تعادل عاطفی پرورش دهند و این ویژگی را در وجود آنها تثبیت و تحکیم کنند. بی‌مهری مادر، مهمترین عامل از بین رفتن تعادل عاطفی فرزند است و چه بسا موجب افسردگی و پریشانی وی می‌شود (لورابریگ، ۱۴۰۰، ص ۴۷۹).



## ۸. نتیجه‌گیری

مادر در تربیت دینی کودک نقش مهمی دارد. او هم قبل از تولد و هم بعد از به دنیا آمدن کودک در دوران نوجوانی و جوانی در تربیت دینی نقش دارد. ایجاد رابطه بین کودک و خدا و وابستگی به پروردگار یکی از وظایف تربیتی مادر است. مادر باید به زندگی کودک رنگ الهی و خداآوری دهد تا فرزند بتواند برنامه زندگی‌اش را براساس قوانین خداوند برقرار کند. کودک از زمانی که متوجه صحبت‌های والدین شود و توانایی فهم صحبت‌های آنها را پیدا کند متوجه امر و نهی آنها می‌شود، البته نه به این معنا که والدین از همان سنین پایین برای کودک قوانین سختی را در نظر بگیرند. کودک به تدریج توان تشخیص رفتارهای خوب و بد را به دست می‌آورد. در این زمان والدین باید به شکل جدی‌تری تربیت کودک را آغاز کنند. از آنجاکه ارتباط کودک با مادر بیشتر است و مادر زمان بیشتری را برای کودک سپری می‌کند مادر در تربیت فرزند نقش بیشتری نسبت به پدر دارد. پدر چون زمان کمتری با کودک همراه است، ممکن است مسائل کمتری پیش بیاید که بخواهد اصول تربیتی را به کار بگیرد، ولی مادر مسائل بیشتری را شاهد است و نیاز است که نکات تربیتی را اعمال کند. به همین دلیل تربیت کودک بیشتر با مادر است. بنابراین، قرآن بیشترین ستایش را از زنان در نقش مادری داشته است. دستور صریح قرآن در واگذاری تربیت فرزند به مادر و الگوهای موفق مادران مریی است که در پژوهش حاضر به نمونه‌ای از مادران الگوی قرآنی به نام مادر حضرت مریم در سوره آل عمران اشاره شد.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم
- \* نهج البلاغه
- ۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ۲. احمد بن فارس (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
- ۳. اسپاک، بنیامین (۱۴۰۰). تغذیه و تربیت کودک. مترجم: مدنی، مصطفی. تهران: زوار.
- ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). انتظار بشر از دین. محقق: مصطفی پور، محمدرضا. قم: مرکز نشر اسراء.
- ۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار الشامیه.
- ۷. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). بیروت: دار المعرفه.

۸. ری شهری، محمدمهدی (۱۳۸۵). منتخب میزان الحکمه. قم: دار الحدیث.
۹. سادات، محمدعلی (۱۳۸۴). تفاوت‌های دینی و غیردینی. نشریه راه تربیت، مرکز جهانی علوم انسانی، (۱)، ۷، ۱۰۱-۱۲۰.
۱۰. شریعتی، الهام، و کلانتر معتمدی، هاجرسادات (۱۳۹۶). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی علیه السلام. نشریه علمی-پژوهشی نظریه اجتماعی متفکران مسلمان، سال ۷، شماره ۲، ۱۳۱-۱۵۳.
۱۱. صانعی، مهدی (۱۳۷۸). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات سناباد.
۱۲. صحیفه سجادیه (۱۳۸۲). مترجم: خلجی، محمدتقی. قم: پیام مهدی.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). معنویت تشیع. قم: انتشارات تشیع.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱). مجموعه مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. عابدی، سید مرتضی (۱۳۹۲). حقوق والدین. قم: انتشارات معصومین.
۱۶. فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا). طریق النجاه (راه نجات). مترجم: حبیب‌زاده، رضا. تهران: پیام آزادی.
۱۷. قائمی، علی (۱۳۹۷). سازندگی و تربیت دختران. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۱۸. لورا، برگ (۱۴۰۰). روان‌شناسی رشد. مترجم: سیدمحمدی، یحیی. تهران: انتشارات ارسباران.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۲۰. نراقی، ملااحمد (۱۳۸۳). معراج السعاده. قم: هجرت.